

فهرست

* سخن دبیر علمی کنگره

* پژوهش

- ساخت و هنجاریابی نسخه فارسی سبک هویت ۷ دکتر حسن پاشا شریفی
- ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی ۲۰ مهرداد ثابت
دکتر صادق تقی‌لو
- پیش‌بینی کنترل خشم بر اساس سبک‌های هویت در نوجوانان دختر ۳۵ دکتر خدیجه ابوالمعالی
مونا افضلی قادی
سمیرا بیدخوری
- اختلال یا نارضایتی جنسیتی: گزارش موردی ۴۵ یاسمن کتابی
دکتر سیمین بشردوست
- پیچیدگی و تحول در هویت ساختارهای فیزیکی و اجتماعی بر مبنای اصل انتروپی و تابع توزیع خی ۵۳ دکتر علیرضا زیگلری
دکتر محمدرضا صیرفی
- سهم امیدواری و غرور ملی در تبیین شادکامی ۷۵ میترا مصلحی جویباری
دکتر نسترن شریفی
- پیش‌بینی رفتار رانندگی پر خطر بر اساس سبک‌های هویتی ۸۹ شیوا سلطانی
زهرا اعتمادیه میرزایی

- رابطه بین سبک هویت و بهزیستی روان‌شناختی ۱۰۴
در دانش‌آموزان با والدین معتاد
حمیده خادمی
راضیه شهیدی
دکتر فاطمه شهابی‌زاده
مهدیه آدم‌م
- سهم خودکارمدی و سازگاری در پیش‌بینی ۱۱۶
غرور ملی دانشجویان
ریحانه محلاتی
دکتر خدیجه ابوالمعالی

به نام خداوندی،

که هستی را آفرید،

که اسرار هستی را آفرید،

و انسان را، که در این اسرار غور کند

سخن دیر علمی کنگره

وقتی در پاسخ به پرسش " نام شما چیست؟" نام خود را می‌گوییم در واقع بخشی از هویت خود را آشکار می‌کنیم. نام ما تنها بخشی بسیار کوچک از هویت شخصی یا فردی ماست. هویت پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که جنبه‌های مختلف فردی، روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی جسمانی ما را دربر می‌گیرد. یعنی وقتی سخن از هویت به میان می‌آید، باید طوری باشد که به راستی هیأت و ماهیت وجودی آن را نشان دهد. هیچ پدیده‌ای نیست که دارای هویت نباشد زیرا پدیده آن است که واقعیت خارجی داشته باشد. اریکسون معتقد است که هویت وحدتی است که بین سه سیستم زیستی، اجتماعی، و روانی به‌وجود می‌آید و بدین‌وسیله فرد می‌داند که کیست، چه می‌خواهد، و به چه جامعه و فرهنگی تعلق دارد، بر گذشته و آینده آگاه است و اهداف آینده‌اش را به خوبی می‌شناسد.

مطالعه علمی هویت نخست در علم روان‌شناسی مطرح و پس از آن به حوزه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی وارد شد زیرا، انسان موجودی است ذاتاً اجتماعی و در ارتباط متقابل با سایر انسان‌ها که هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر است و نقش محیط اجتماعی بر رفتارهای انسان از طرف دیگر، لزوم نزدیکی و پیوند بیشتر این دو علم را در حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی اجتماعی بیشتر نمایان می‌کند. داشتن حس هویت به ویژه هویت فردی، در دیدگاه‌های

مختلف روان‌شناسی و علوم اجتماعی به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیت سالم مطرح شده است. انسان‌ها به‌عنوان افرادی یکتا، به حس هویت نیاز دارند، هویتی که آنها را با این احساس که "چیستند" و "کیستند" از سایر افراد جدا سازد. شیوه سالم این نیاز، فردیت است، روندی که شخص از راه آن به معنی معین هویت خود دست می‌یابد. انسان‌هایی که از حس فردیت تکامل یافته‌ای برخوردار باشند، احساس می‌کنند زندگیشان زیر فرمان خودشان است و دیگران بدان شکل نمی‌بخشند. پس هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به‌عنوان بازتابی از زندگی‌اش می‌پذیرد و هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است یعنی، هویت شخص در زمان و مکان تداوم دارد.

با توجه به اهمیت موضوع هویت به ویژه در این برهه از تاریخ بشر که نهادهای متعدد و مختلف جامعه در شکل‌گیری هویت نقش به‌سزایی دارند، و پاسخ دادن به برخی پرسش‌های مختلف، بررسی آن در فضایی آکادمیک ضروری است. از این رو، این شماره از فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی به نتایج تحقیقات اهل فن که در غالب سخنرانی در کنفرانس ملی "هویت: عوامل و زیرساخت‌ها" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ارائه شده‌اند، اختصاص یافته است.

دبیر کنفرانس

دکتر مالک میرهاشمی

شرایط پذیرش مقاله و گزارش

نشریه پژوهشهای روان‌شناختی با اظهار سپاس از دانش پژوهانی که مجله را مورد عنایت قرار می‌دهند و مطلب ارسال می‌دارند، اعلام می‌کند که رعایت اصول زیر در مورد تنظیم مقاله و گزارش، موجب امتنان بیشتر مسؤولان نشریه و سهولت کار آنان و همچنین تسریع در اعلام نظر نهایی خواهد شد:

- ۱- مقاله یا گزارش را مطابق اصول نگارش APA و نیز با مراجعه به شماره‌های قبلی این نشریه، و با توجه به صفحه‌آرایی مورد نظر نشریه تنظیم فرمایید.
- ۲- مقاله یا گزارش، حروف‌نگاری شود و با حداقل دو فاصله بین سطرها و بر یک روی کاغذ درج گردد.
- ۳- ارسال لوح فشرده (CD) مقاله در قالب نرم افزار Word و ۳ نسخه چاپ شده از آن ضرور است.
- ۴- چکیده هر مقاله را به دو زبان فارسی و انگلیسی، هر یک در حدود ۱۵۰ کلمه تنظیم فرمایید.
- ۵- کلیدواژه‌ها به فارسی و انگلیسی تنظیم و ارسال شوند.
- ۶- لاتین اسامی خاص و معادل انگلیسی اصطلاحات با ذکر شماره مذکور در متن در پاورقی ذکر شوند.
- ۷- نام نویسنده یا نویسندگان، و درجه علمی و محل اشتغال آنان به دو زبان فارسی و انگلیسی روی برگ جداگانه ای نوشته و همراه با مقاله ارسال شود. در ضمن روی همین برگ تعیین فرمایید پژوهشگرانی که مایل به کسب اطلاعات بیشتری در مورد مقاله هستند، با کدام یک از نویسندگان و با چه نشانی و شماره تلفنی تماس بگیرند. ذکر نشانی پست الکترونیک یکی از

نویسندگان الزامی است.

- ۸- شکل، نمودار، و جدول فقط در مواردی که برای روشن‌تر شدن متن یا افزودن بر اطلاعات موجود در متن ضرور باشند، با ذکر شماره و عنوان اضافه شوند. لطفاً از آوردن شکل، نمودار، و جدول ناموزون، با کیفیت نامطلوب، و یا زائد اکیداً پرهیز فرمایید.
- ۹- در پایان مقاله یا گزارش، اول مراجع فارسی و سپس مراجع خارجی طبق اصول APA آورده شوند. فقط مراجعی که در متن مقاله با اسم نویسنده و سال انتشار به آنها اشاره شده است، ذکر شوند.
- ۱۰- لطفاً از ارسال همزمان مقاله به نشریات دیگر خودداری فرمایید.
- ۱۱- یک نسخه از مقاله را حتماً پیش خود نگاه دارید.
- ۱۲- در صورت پذیرفته‌شدن مقاله، ۳ نسخه از شماره‌ای که مقاله در آن درج شده است برای هر یک از نویسندگان ارسال خواهد شد.
- ۱۳- از خوانندگان، پژوهشگران، و نویسندگان تقاضا می‌شود مکاتبات و مقالات خود را به نشانی زیر ارسال دارند:

نشریه پژوهش‌های روان‌شناختی، تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۹۱

تلفن: ۸۸۹۲۳۵۶۱
www.psychresearch.ir

ساخت و هنجاریابی نسخه فارسی سبک هویت

Developing and Validation of Persian Version Questionnaire of Identity Style

Hassan Pasha Sharifi, Ph.D.*

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

دکتر حسن پاشا شریفی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

Abstract: The aim of this article is to present the results of a research conducted for developing and validation of Persian version questionnaire of identity style based on Berzonsky's theory. The population of study was undergraduate and graduate students of Roudehen and Central Tehran Islamic Azad Universities in psychology and counseling branches. The participants consisted of 215 students (135 female and 80 male) who were randomly selected. The instrument for assessing identity styles was a 75 item questionnaire which was an adaption of current identity Q- Sort (CIQ) and 3rd version of identity styles (ISI-III) based on Berzonsky's theory. Each item is rated by a 6 point scale. People with informative style, are information searching and problem solving oriented. They are self-reliant and make decisions based on their information. Normative style people are conventional and reluctant to experience new ideas and values. People with diffused oriented styles, postpone challenges for investigation about their identity and avoid problem solving orientation. The validity of the questionnaire is based on principal component (pc) analysis with varimax rotation. Reliability is based

چکیده: هدف از نگارش مقاله حاضر، ارائه نتایج پژوهشی است که برای ساخت و هنجاریابی نسخه فارسی سنجش سبک هویت بر اساس نظریه برزونسکی به دست آمده است. جامعه مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و واحد تهران مرکز در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره است. شرکت کنندگان شامل ۲۱۵ نفر (۱۳۵ دختر و ۸۰ پسر) هستند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری سبک‌های هویت، پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که با اقتباس از Q-sort و پرسشنامه تدوین شده بر مبنای نظریه برزونسکی است. این ابزار، سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، و سردرگم را با ۷۵ ماده با یک مقیاس ۶ درجه‌ای اندازه‌گیری می‌کند. افراد دارای سبک اطلاعاتی، در فرایند رشد و تحول خود از راهبردهای مسأله‌مدار و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با هویت‌یابی استفاده می‌کنند. آنان افرادی متکی به خود هستند و در موقعیت‌های حل مسأله بر مبنای اطلاعات و تجارب شخصی تصمیم می‌گیرند. دارندگان سبک هویت هنجاری بر اساس عقاید و ارزش‌های مورد پذیرش کسانی که در زندگی آنان مهم‌اند، رفتار می‌کنند. آنان افرادی سنتی هستند و به جستجو و تجربه در مورد عقاید و ارزش‌های تازه علاقه نشان نمی‌دهند. افرادی که سبک هویت سردرگم دارند، تلاش برای بررسی هویت خود را به تعویق می‌اندازند. آنان به هنگام رویارویی با چالش‌های مرتبط

* hpsr@yahoo.com

on Chronbach alpha and test-retest method with reasonable results. The questionnaire can be used by psychologists and Counselors in clinical and counseling situations along with other strategies of psychological assessment.

با هویت از کاربرد رویکرد حل مسأله اجتناب می‌کنند. روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی به‌روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس و اعتبار و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی بررسی شد که در هر دو مورد، نتایج قابل قبولی به‌دست آمد. این پرسشنامه را می‌توان در موقعیت‌های مشاوره‌ای و بالینی برای سنجش هویت مراجعان به‌منظور شناخت، راهنمایی، و کمک به آنان در کنار سایر فنون تشخیصی مورد استفاده قرار داد.

Keywords: identity; informative style; normative style; diffused oriented style; identity questionnaire

کلیدواژه‌ها: هویت؛ سبک هویت اطلاعاتی؛ سبک هویت هنجاری؛ سبک هویت سردرگم؛ پرسشنامه هویت

این اندیشه که رشد خودپنداره یکی از جنبه‌های بنیادی رشد و تحول شخصیت است، همواره مورد توجه و موضوع پژوهش بسیاری از روان‌شناسان قرار گرفته است. اندیشه اریکسون در اثر معروف او با عنوان: هویت، جوانی و بحران^۱ در نیمه دوم قرن بیستم، نمونه بارزی از جهت‌گیری نظریه‌ای برای روشن کردن اهمیت خود^۲ است که اریکسون آن را هویت می‌نامد. مراد اریکسون از اصطلاح هویت، نوعی یکپارچگی شخصیت است که از مراحل قبلی رشد آغاز می‌شود و اهداف و برنامه‌های آینده را نیز در برمی‌گیرد (لفرانکو^۳، ۱۹۹۰). به‌نظر اریکسون، رشد احساس نیرومند هویت، یعنی داشتن دیدگاهی روشن درباره کیستی خود، مهم‌ترین تکلیف رشد و تحول در دوره نوجوانی است. به اعتقاد وی هر یک از مراحل هشتمانه رشد و تحول با نوعی تعارض و بحران همراه است و گذر از هر مرحله و رسیدن به مرحله بعدی مستلزم حل این بحران است. او بحران مرحله پنجم یعنی مرحله نوجوانی را هویت در برابر گم‌گشتگی نامیده است.

اریکسون هویت را به‌عنوان اصل سازمان دهنده بنیادی تعریف می‌کند که در سرتاسر زندگی تحول می‌یابد و احساس استمرار خود، تعامل با دیگران (خودهمانندی) و نیز چارچوبی برای تفاوت گذاشتن بین خود و دیگران (یکپارچگی) را فراهم می‌سازد (گات^۴، فولش^۵، اشلوتر^۶،

1- identity: youth and crises
3- Lefrancois
5- Foelsch

2- self
4- Goth
6- Schluter

بیخولزر^۱، لانگ^۲، پیک^۳، اشمک^۴، ۲۰۱۲). به‌نظر اریکسون، حل بحران هویت در نوجوانی به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که متداول‌ترین آن انتخاب هویتی است که نوجوان بر اساس آن خود را با هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از خویشتن دارد، همساز می‌کند. شکست در حل بحران به «ناسازگاری» مانند تعصب افراطی و یا سرپیچی از مسئولیت‌های بزرگسالی منجر می‌شود. بنابراین، اریکسون نوجوانی را به‌عنوان مرحله بحرانی تشکیل هویت می‌داند. نوجوان در این دوره بر نا اطمینانی غلبه می‌کند، از نقاط قوت و ضعف خود آگاه می‌شود و نسبت به یکپارچگی شخصیت خود اطمینان می‌یابد.

نظریه اریکسون درباره رشد سرتاسر زندگی به‌ویژه تأکید او به دوره نوجوانی به مطالعات پژوهشی بی‌شماری منجر شده و او را به‌عنوان چهره برجسته‌ای در این زمینه نشان داده است (کروگر^۵، ۲۰۰۲). نظریه روان‌شناختی وی در مورد رشد و تحول سرتاسر زندگی به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌پردازان مدل رشد و تحول آدمی، انقلابی ایجاد کرده است. نکته مهم دیدگاه اریکسون در مورد بحران مراحل هشتگانه رشد این است که وی بحران را نه به‌عنوان عامل تهدید، بلکه به‌عنوان ضرورت اساسی برای رشد معرفی کرده است (هور^۶، ۲۰۰۲).

برخلاف نوشته‌های گسترده اریکسون درباره فرآیند شکل‌گیری هویت در نوجوانی، به تحول و تکامل آن در مراحل بعدی زندگی، به‌ویژه به روش‌های پژوهشی این نظریه نپرداخته است. بنابراین به سبب بسط نظریه خود فقط در دوره نوجوانی و نپرداختن به جزئیات آن در دوره‌های بعدی زندگی مورد انتقاد قرار گرفته است. در حالی که بعضی از افراد در سال‌های میانی بزرگسالی نقش اجتماعی و حرفه‌ای خود را از نو ارزشیابی می‌کنند، پالایش می‌دهند و خود را با نقش‌های جدید سازگار می‌سازند (کروگر، ۲۰۰۷). تغییر در شرایط زندگی ممکن است شخص را به بازآزمایی هویت خود برانگیزاند. شرایطی مانند تغییر شغل، تغییر جغرافیایی محل سکونت، ادامه تحصیل، جدایی از همسر، ازدواج مجدد و مرگ عزیزان که در دوره میانسالی ممکن است رخ دهد، سبب می‌شود که شخص با تجدید هویت، خود را با شرایط جدید سازگار کند. اصطلاح «بحران میانسالی»، اغلب با مسأله هویت رابطه دارد، هر چند تحقیق نشان داده است که فراوانی این پدیده چندان زیاد نیست (برک^۷، ۲۰۰۷).

مارسیا^۸ برای عملیاتی کردن نظریه اریکسون به‌منظور مطالعات تجربی درباره آن، رویکرد پایگاه

1- Bikhholzer
3- Pick
5- Kroger
7- Berk

2- Long
4- Schmeck
6- Hoare
8- Marcia

هویت^۱ را پیشنهاد کرد. او این مسأله را مطرح کرد که باید هویت را به‌عنوان یک سازه^۲ روان‌شناختی برای خلاصه کردن بعضی از رفتارها و پیش‌بینی رفتارهای دیگر مورد ارزشیابی قرار داد (مارسیا، ۱۹۹۴).

مارسیا در این مورد دو ملاک جدید را عنوان کرد: بحران و تعهد. افراد هویت یافته یا افراد دارای هویت موفق^۳، بحران را تجربه کرده و به یک شغل یا ایدئولوژی متعهد شده‌اند. افراد با هویت گم‌گشته^۴، بحران را تجربه کرده اما به چیزی متعهد نشده‌اند. مارسیا بعدها این ملاک‌ها را به دو بُعد متعامد^۵ تقسیم کرد. او بر اساس این دو بعد چهار پایگاه هویت را صورت‌بندی کرد: هویت موفق، هویت تعلیقی^۶، هویت پیش‌رس^۷ و هویت گم‌گشته (مارسیا، ۱۹۹۶). گروه اول، از دلایل انتخاب و تصمیم‌گیری خود آگاهند. افراد تعلیقی در مرحله واریسی هستند، بنابراین، تعهد آنان نیرومند نیست، اما فعالانه می‌کوشند تا درباره تعهد خود تصمیم بگیرند. افراد دارای هویت پیش‌رس، بدون واریسی و با تکیه بر ارزش‌ها و رهنمودهای دوره کودکی خود به تعهد نیرومند رسیده‌اند. کسانی که هویت گم‌گشته دارند ممکن است برخی تجارب اتفاقی را بررسی کرده باشند، اما به هیچ‌گونه تعهدی دست نیافته‌اند. آنان به‌ندرت ممکن است نسبت به هویت خود بینش داشته باشند.

برزونسکی^۸ (۱۹۸۹) برای مفهوم‌سازی سبک هویت، مؤلفه‌های شناختی و رفتار را مورد توجه قرار داد و سه سبک هویت را پیشنهاد کرد: سبک هویت اطلاعاتی، سبک هنجاری و سبک گم‌گشته. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، تصمیم‌گیری خود را بر اطلاعاتی که جمع‌آوری می‌کنند، استوار می‌سازند. این سبک با صفاتی مانند پیچیدگی شناختی، خودنظم‌دهی، بازبودن به تجربه و خودمختاری مشخص می‌شوند (برزونسکی، سیسیوچ^۹، دوریز^{۱۰} و سوننس^{۱۱}، ۲۰۱۱).

دارندگان سبک هویت هنجاری، در اصل مطابق انتظارات افراد مهم زندگی خود تصمیم می‌گیرند. سرانجام دارندگان سبک هویت گم‌گشته از رویارویی با مشکلات و تصمیم‌گیری اجتناب می‌کنند (برزونسکی و کاک^{۱۲}، ۲۰۰۵؛ برزونسکی و فراری^{۱۳}، ۲۰۰۹).

به‌نظر برزونسکی، سبک‌های هویت نوجوانان ممکن است در زمان‌های مختلف تغییر کند، اما

1- identity status
3- identity achieved
5- orthogonal
7- foreclosure
9- Ciecuch
11- Soenens
13- Ferrari

2- construct
4- defused identity
6- moratorium
8- Berzonsky
10- Duriez
12- Kuk

در دوره بزرگسالی نسبتاً ثابت می‌ماند. به‌نظر او کسانی که سبک هویت تعلیقی یا موفق دارند، در مقایسه با دارندگان سبک پیش‌رس یا سردرگم بهتر می‌توانند از عهده حل مسائل اجتماعی - شناختی چندگانه و متعارض برآیند. آنان همه جوانب مسأله را در نظر می‌گیرند و آن‌گاه به روشی سازنده و منطقی عمل می‌کنند.

به‌طور کلی، به‌نظر برزونسکی در چالش برای مقیاس هویت، یا اجتناب از آن تفاوت‌های فردی وجود دارد. دارندگان سبک هویت اطلاعاتی، افرادی خوداندیش^۱ هستند و اطلاعات مرتبط با هویت خود را فعالانه جستجو می‌کنند. افراد دارای سبک هنجاری هویت خود را با عقاید، ارزش‌ها و انتظارات مقام قدرت تطبیق می‌دهند. دارندگان هویت گم‌گشته، تا جایی که امکان دارد مسائل مربوط به هویت خود را به‌تعویق می‌اندازند یا از آنها اجتناب می‌کنند. در دو دهه گذشته رابطه بین هویت و بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است (برزونسکی، ۲۰۰۴). ما این روابط را در مقاله دیگر بررسی خواهیم کرد.

برخی مطالعات طولی نشان داده است که سبک‌های هویت پیشنهادی برزونسکی در مقایسه با پایگاه هویت مارسیا از ثبات بیشتری برخوردارند. زیرا سبک هویت با فرآیند، اما پایگاه هویت با پیامد یا نتیجه عملی که موقتی و زودگذر است ارتباط دارد (واترمن^۲، ۱۹۹۹). هویت شخصی در طول زندگی ممکن است تغییر یابد، اما فرآیندی که شخص برای رسیدن به هویت به‌کار می‌برد، پایدارتر از تفسیری است که درباره هویت خود دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت که نظریه برزونسکی در مورد سبک هویت در مقایسه با نظریه مارسیا درباره پایگاه هویت به احتمال از اعتبار بیشتری برخوردار است.

با توجه به آنچه که در مقدمه گفته شد و با در نظر گرفتن اعتبار و پایایی بیشتر نظریه برزونسکی، هدف از پژوهشی که این مقاله بر مبنای آن نوشته شده است، ساخت و هنجاریابی نسخه فارسی پرسشنامه سبک هویت بر پایه نظریه برزونسکی است.

روش

تعداد شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۲۱۵ نفر بود که از بین دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی رودهن و تهران مرکزی انتخاب شدند. از بین کلاس‌های رشته‌ها و دوره‌های مذکور، ۱۵ کلاس (۱۰ کلاس کارشناسی و ۵ کلاس کارشناسی ارشد) به‌طور تصادفی انتخاب شد. پرسشنامه با اطلاع قبلی و با همکاری استادان کلاس‌ها اجرا شد. همه دانشجویان جز معدودی از آنان که تمایل

1- self-reflective

2- Waterman

نشان ندادند، پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص، ۲۱۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جدول ۱، فراوانی و درصد شرکت کنندگان بر حسب جنس، رشته و دوره تحصیلی نشان داده شده است. میانگین سن شرکت کنندگان ۲۲/۸ و انحراف معیار آن ۳/۴ سال بود.

جدول ۱
فراوانی شرکت کنندگان بر حسب جنس، رشته، و دوره تحصیلی

جمع	مشاوره						روان‌شناسی			
	کارشناسی ارشد		کارشناسی		کارشناسی ارشد		کارشناسی		جنس	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۶۲/۷۹	۱۳۵	۶/۵۱	۱۴	۱۵/۳۵	۳۳	۷/۴۴	۱۶	۳۳/۴۹	۷۲	دختر
۳۷/۲۱	۸۰	۶/۰۵	۱۳	۸/۸۴	۱۹	۶/۵۱	۱۴	۱۵/۸۱	۳۴	پسر
۱۰۰	۲۱۵	۱۲/۵۶	۲۷	۲۴/۱۹	۵۲	۱۳/۹۵	۳۰	۴۹/۳۰	۱۰۶	جمع

ابزار

۱- پرسشنامه سبک هویت: پرسشنامه سبک هویت^۱ بر اساس نظریه برزونسکی تهیه شد. برای این منظور از یک مقیاس Q-Sort (CIQ)^۲ توسط پیتمن^۳، کرپلمن^۴، لامک^۵ و سولی^۶ (۲۰۰۹) و بر اساس نظریه برزونسکی تدوین شده است و از نسخه سوم پرسشنامه سبک هویت (ISI-III) که توسط برزونسکی در سال ۱۹۹۲ ساخته و هنجاریابی شده است، استفاده شد. مقیاس Q-Sort شامل ۶۰ ماده است که هر ماده روی یک کارت نوشته می‌شود. آزمایش‌شونده باید کارت‌ها را بر حسب اینکه محتوای آنها تا چه اندازه خصایص وی را توصیف می‌کنند، طبق روش خاصی دسته‌بندی کند. او باید کارت‌ها را در دسته‌هایی با تعداد معینی از کارت‌ها در هر دسته جای دهد. تعداد این دسته‌ها از سوی سازنده مقیاس به‌گونه‌ای تعیین می‌شود که دسته‌بندی آنها همواره به‌صورت یک توزیع نرمال در می‌آید (شریفی و شریفی، ۱۳۹۱).

ماده‌های Q-Sort مذکور، سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم یا گم‌گشته را اندازه‌گیری می‌کنند و با یک مقیاس ۵ درجه‌ای از «کاملاً شبیه من»، با نمره ۵ تا «به کلی متفاوت با من»، با نمره ۱ دسته‌بندی می‌شوند.

1- Identity Style Inventory
3- Pittman
5- Lamke

2- Current Identity Q-Sort
4- Kerpelman
6- Sollie

پرسشنامه سبک هویت (ISI-III) برزونسکی علاوه بر سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و گم‌گشته، تعهد را نیز می‌سنجد. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال است که با یک مقیاس ۶ درجه‌ای از ۱ تا ۶ نمره‌گذاری می‌شود. حُسن استفاده از مقیاس‌هایی که تعداد درجه‌های زوج دارند آن است که گرایش به‌حد وسط را که موجب خطای سنجش می‌شود تا اندازه‌ای کاهش می‌دهد.

نزدیک به ۶۵ درصد پرسش‌های مورد استفاده در این پژوهش، بر اساس ترجمه مقیاس‌های مذکور و تغییر و انطباق آنها با شرایط فرهنگی جامعه به‌دست آمد. بقیه پرسش‌ها با در نظر گرفتن نظریه برزونسکی توسط پژوهشگر ساخته شد. فرم مقدماتی پرسشنامه شامل ۷۵ ماده بود: ۲۵ پرسش برای سنجش سبک اطلاعاتی، ۲۳ پرسش برای سنجش سبک هنجاری و ۲۷ پرسش برای سنجش سبک گم‌گشته. برای اجتناب از گرایش به‌حد وسط، پرسشنامه تدوین شده با یک مقیاس ۶ درجه‌ای از ۱ تا ۶ درجه‌بندی می‌شود که در آن ۶ به معنای تأیید کامل جمله و ۱ به معنای عدم تأیید آن است. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از پرسش‌های مرتبط با سه سبک هویت است.

- **سبک اطلاعاتی:** دوست دارم کارهای تازه‌ای را تجربه کنم تا شناخت بیشتری درباره خودم پیدا کنم.
- **سبک هنجاری:** من در زندگی آن گونه رفتار می‌کنم که افراد مهم زندگی‌ام بدان معتقدند.
- **سبک گم‌گشته:** بیشتر وقت‌ها نمی‌توانم تصمیم بگیرم یا تصمیم‌گیری برایم دشوار است.

یافته‌ها

پس از اجرای آزمون در مورد شرکت کنندگان، داده‌پردازی با استفاده از SPSS انجام گرفت. داده‌های گم شده (پرسش‌های بدون پاسخ) که حدود ۶ درصد بود با میانگین داده‌های معتبر جایگزین شد. داده‌های پرت بر اساس ملاک فاصله مهالانوبیس حذف شدند تا از تأثیر آنها بر میانگین‌ها پیشگیری شود (میرزا^۱، گامست^۲ و گارینو^۳، ۱۳۹۲).

پس از پالایش و غربالگری داده‌ها برای هر دسته از پرسش‌های تدوین شده برای سبک‌های هویت، آلفای کرونباخ محاسبه و پرسش‌هایی که با نمره کل سبک هویت مربوط فاقد همبستگی معنادار بود، حذف شد. سپس در مورد ۴۵ پرسش باقی‌مانده، تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی (PC) و چرخش واریامکس انجام گرفت. ملاک کفایت نمونه‌گیری KMO برابر ۰/۸۴۱ بود که نشان می‌دهد داده‌ها برای تحلیل مؤلفه‌های اصلی مناسبند. آزمون

1- Mayers
3- Garino

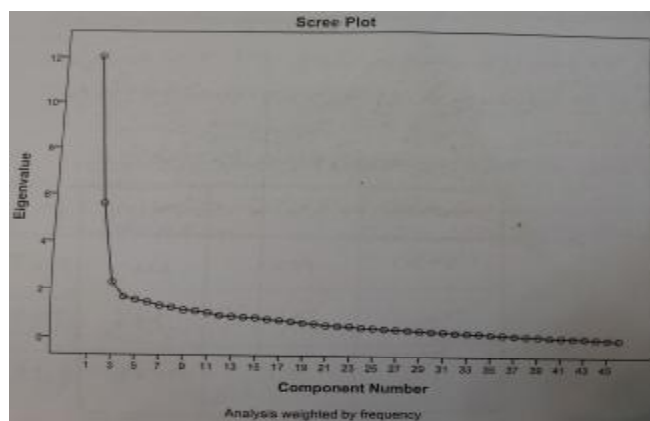
2- Gamst

کرویت بار تلت معنی‌دار بود ($\chi^2 = 2891/258$ و $P < 0/0001$) و نشان می‌دهد که همبستگی کافی بین متغیرها وجود دارد، بنابراین می‌توان تحلیل مؤلفه‌های اصلی را انجام داد.

جدول ۲
بارعاملی متغیرها روی مؤلفه‌های اصلی

شماره ماده‌ها	مؤلفه‌ها		
	۱	۲	۳
۵۱	۰/۷۸۴		
۴۶	۰/۷۲۴		
۲۷	۰/۷۱۲		
۶۸	۰/۷۰۳		
۳۸	۰/۶۹۷		
۴۳	۰/۶۹۷		
۴۹	۰/۶۸۲		
۵۳	۰/۶۷۳		
۴	۰/۶۵۲		
۴۰	۰/۶۴۸		
۶۲	۰/۶۱۲		
۷	۰/۶۱۱		
۴۴	۰/۶۰۵		
۶۴	۰/۵۵۸		
۶۵	۰/۵۴۹		
۱۶		۰/۷۹۳	
۴۸		۰/۷۶۳	
۳۴		۰/۷۵۶	
۳۰		۰/۷۴۱	
۲۳		۰/۷۱۱	
۳		۰/۶۳۲	
۷۰		۰/۶۲۰	
۴۱		۰/۶۱۶	
۷۴		۰/۵۶۲	
۶۹		۰/۴۶۲	
۱۳			۰/۶۸۳
۶			۰/۶۷۵
۱۵			۰/۶۶۵
۱۴			۰/۵۹۷
۴۷			۰/۵۴۳
۲۸			۰/۴۶۵
۳۵			۰/۴۵۱
۲۲			۰/۴۴۹
۲۶			۰/۴۰۳
۵۵			۰/۴۰۰

با استفاده از ملاک استخراج عامل‌هایی که ارزش ویژه بالاتر از یک دارند، و نیز با توجه به نظریه برزونسکی در ارتباط با سه سبک هویت، سه عامل استخراج شد. این سه عامل ۴۷/۵۳ درصد کل واریانس سازه مورد مطالعه را تبیین می‌کنند. بار عاملی متغیرهای مربوط به هر عامل در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. بارهای عاملی متغیرها روی عامل‌ها دست‌کم بالاتر از ۰/۴ و بیشتر آنها بالاتر از ۰/۵ بود. اشتراک‌های مربوط به هر یک از متغیرها (ماده‌ها) بین ۰/۳۰ تا ۰/۷۰ کمابیش رضایت‌بخش است. در مجموع، برای هر یک از دو سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی ۱۰ ماده یا پرسش و برای سبک سردرگم یا گم‌گشته ۱۵ ماده به‌دست آمد. نمودار اسکری مربوط به استخراج مؤلفه‌ها نیز در زیر نشان داده شده است.



مؤلفه ۱ سبک هویت گم‌گشته را نشان می‌دهد که با ارزش ویژه ۷/۴۴ حدود ۲۲/۵۴ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. مؤلفه ۲، سبک هویت هنجاری است که با ارزش ویژه ۴/۶۸ حدود ۱۴/۱۷ درصد و مؤلفه ۳، سبک هویت اطلاعاتی است که با ارزش ویژه ۳/۶۷ حدود ۱۰/۸۰ درصد از واریانس کل سازه مورد مطالعه را توضیح می‌دهد. نامگذاری این سه مؤلفه بر اساس پیشنهاد میرز، گامست و گارنیو، (۱۳۹۱) انجام شد که بر این اساس بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۶۵ ملاک نامگذاری قرار گرفت.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی که در بالا توضیح داده شد روایی سازه^۱ پرسشنامه سبک‌های هویت را نشان می‌دهد. برای بررسی ضرایب اعتبار هر یک از سه مؤلفه، از روش آلفای کرونباخ

1- construct validity

به‌عنوان همسانی درونی استفاده شد. برای تعیین ثبات و پایایی سه سبک از روش بازآزمایی با فاصله ۴ هفته در مورد یک گروه نمونه ۳۲ نفری مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی اعتبار پرسشنامه سه سبک هویت در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳
میانگین، انحراف معیار و ضرایب اعتبار سبک‌های هویت

سبک هویت	ضریب آلفا	ضریب پایایی (بازآزمایی)	میانگین	انحراف معیار
اطلاعاتی	۰/۷۹۹	۰/۸۷۵	۳۱/۱۸	۹/۲۶
هنجاری	۰/۸۶۲	۰/۸۰۳	۳۰/۱۳	۸/۵۶
گم گشته	۰/۹۱۶	۰/۷۹۴	۴۴/۰۶	۱۰/۹۶

پس از حصول اطمینان از اعتبار و روایی پرسشنامه سبک‌های هویت بر اساس روش‌های مذکور، با استفاده از میانگین و انحراف معیار نمره‌های خام آزمودنی‌ها در هر یک از پرسشنامه‌های سه سبک، جدول نرم برای تفسیر نمره‌های خام محاسبه گردید. این جدول بر حسب نمره T با میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ محاسبه شد.

جدول ۴
جدول نرم سبک‌های هویت بر حسب نمره‌های t

دامنه نمره‌های خام	سبک اطلاعاتی	سبک هنجاری	سبک سردرگم
۱۰-۱۴	۳۰	۲۹	-
۱۵-۱۹	۳۵	۳۵	-
۲۰-۲۴	۴۰	۴۱	۳۰
۲۵-۲۹	۴۶	۴۶	۳۴
۳۰-۳۴	۵۱	۵۲	۳۹
۳۵-۳۹	۵۶	۵۸	۴۴
۴۰-۴۴	۶۲	۶۴	۴۸
۴۵-۴۹	۶۷	۷۰	۵۳
۵۰-۵۴	۷۳	۷۶	۵۷
۵۵-۵۹	-	۸۱	۶۲
۶۰-۶۴	-	-	۶۶
۶۵-۶۹	-	-	۷۱
۷۰-۷۴	-	-	۷۶
۷۵-۷۹	-	-	۸۰

چون بین میانگین نمره‌های دانشجویان دختر و پسر در هیچ یک از سه سبک تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد، لذا برای هر دو گروه یک جدول نرم واحد محاسبه و تنظیم گردید که در جدول ۴ نشان داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هویت مفهوم گسترده و پیچیده‌ای است که با بسیاری از مباحث بنیادی ابعاد مختلف شخصیت، رشد و تحول، روابط اجتماعی و تجارب شخصی از کودکی تا بزرگسالی رابطه دارد. در این مورد نظریه‌های مختلفی مطرح شده و درباره انواع هویت و چگونگی تحول آن در مراحل مختلف زندگی پژوهش‌های بسیار انجام گرفته است.

در این پژوهش عمدتاً نظریه اریکسون، مارسیا و برزونسکی مورد بحث قرار گرفت. با استفاده از نظر برزونسکی و با اقتباس از پرسشنامه‌ها و ابزارهای مبتنی بر نظریه او پرسشنامه‌ای با ۷۵ ماده ساخته و در مورد گروهی از دانشجویان اجرا شد. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، یک پرسشنامه ۳۵ ماده‌ای با مشخصات روان‌سنجی رضایت‌بخش به دست آمد. روایی سازه پرسشنامه با تحلیل عاملی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریمکس و اعتبار هر یک از سه سبک هویت با روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل از آن نشان داد که پرسشنامه از روایی سازه و اعتبار و پایایی لازم برخوردار است.

یک پژوهش فراتحلیلی جدید نشان داده است که بین دو جنس از نظر سبک هویت اطلاعاتی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. اما بین سبک هنجاری یک تفاوت ناچیز به نفع زنان و در سبک هویت سردرگم یک تفاوت اندک به زیان مردان وجود دارد (بوش^۱ و کارد^۲، ۲۰۱۲). اما در این تحقیق هر چند میانگین نمره‌های دختران در سبک اطلاعاتی و هنجاری اندکی بالاتر از پسران و در سبک گم‌گشته اندکی پایین‌تر از پسران بود، اما این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبودند که ممکن است به سبب برخوردار بودن یکسان هر دو جنس از تحصیلات دانشگاهی یا عوامل فرهنگی باشد. در نتیجه برای هر دو گروه جدول نرم یکسان برحسب نمره T با میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ محاسبه و تنظیم شد.

کسانی که نمره‌های آنان در هر یک از سه سبک هویت بیش از یک انحراف معیار بالاتر از میانگین ($T > 60$)، اما در سبک‌های دیگر برابر یا کمتر از میانگین ($T = 50$) باشد، به‌عنوان افراد دارای آن سبک طبقه‌بندی می‌شوند. دارندگان سبک اطلاعاتی فعالانه می‌کوشند تا درباره سبک هویتی خود تجارب جدید کسب کنند. آنان بیشتر راهبردهای حل مسأله را به کار

می‌بندند، نسبت به عقاید جدید باز بوده و از منبع کنترل درونی برخوردارند. دارندگان سبک هویت هنجاری عقاید، ارزش‌ها و رفتار خود را بر اساس ارزش‌های افراد مهم زندگی خود استوار می‌سازند و بیشتر افرادی سنت‌گرا هستند و به تجارب تازه و بررسی درباره عقاید جدید، کمتر گرایش دارند. افراد دارای سبک هویت سردرگم، فاقد ثبات و جهت‌گیری ثابت هستند و دیدگاهشان بر اساس موقعیت‌های آنی و زودگذر تغییر می‌یابد. در زندگی کمتر ممکن است از هدف‌های مشخص و مبتنی بر تجارب شخصی پیروی کنند. استفاده از این پرسشنامه برای سنجش سبک هویت مراجعان به مراکز مشاوره و روان‌شناسان بالینی می‌تواند در شناخت مشکلات و راهنمایی و درمان آنان مفید واقع شود. بنابراین کاربرد این ابزار برای شناخت مشکلات و ویژگی‌های شخصیتی مراجعان همراه با سایر فنون سنجش و تشخیص توصیه می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که مطالعه‌ی روایی و اعتبار این پرسشنامه و هنجاریابی آن برای گروه‌های مختلف سنی و خرده فرهنگ‌های جامعه ایرانی توسط پژوهشگران علاقه‌مند انجام گیرد.

References:

مراجع:

- شریفی، حسن‌پاشا، شریفی، نسترن (۱۳۹۱). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی. تهران: رشد.
- میرزا، ال، گامست، گ، ا. و گارنیو، جی. (۱۳۹۲). پژوهش چند متغیری کاربردی: طرح و تفسیر. (ترجمه شریفی، حسن‌پاشا، فرزاد، ولی‌الله، رضاخانی، سیمین‌دخت، حسن‌آبادی، حمیدرضا، ایزانلو، بلال، حبیبی عسگرآباد، مجتبی). تهران: رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۶).
- Berk, L. E. (2007). *Development through the lifespan* (4th ed.), Boston, MA: Allyn Bacon.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 267-281.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction and personal epistemic assumption: A social-cognitive perspective. *Journal of Developmental Psychology, 4*, 303- 375.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences, 39*, 235-247.

- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (2009). A diffuse- avoidant identity processing style: Strategic avoidance or self confusion? *International Journal of Theory and Research*, 9, 145-158.
- Berzonsky, M. D., Ciecuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Association between identity styles and value orientation. *Personality and Individual Differences*, 50, 295-299.
- Bosch, L. A., Card, N. A. (2012). A meta-analytic review of Berzonsky's Identity Style Inventory (ISI). *Journal of Adolescent*, 35(2), 333-343.
- Goth, K., Fuelsch, P., Schluter, S., Bikhholzer, M., Lung, E., Pick, O. & Schmeck, K. (2012). Child and Adolescent psychiatry and mental Health, [HTTP://www.Capmb.com/content/G/1/27](http://www.Capmb.com/content/G/1/27).
- Hoare, C. H. (2002). Erikson on development in adulthood: New insight from the unpublished papers. New York: Oxford University Press.
- Kroger, J. (2002). Identity process and contents through the years of late adulthood Identity. *An International Journal of Theory and Research*, 10, 317-337.
- Kroger, J. (2007). Identity development: Adolescence through adulthood. Thousand Oaks, California: Sage Publication.
- Lefrancois, Guy, R. (1990). The life span, third edition Wadsworth publications company, Belmont California.
- Marcia, J. E. (1994). Empirical study of ego identity. Identity and development: An Interdisciplinary Approach. Thousand oaks, CA. Sage. Marcia, J. E. (1996). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(5), 551-558.
- Pittman, J. F., Kerpelman, J. L., Lamke, L. K., & Sollie, D. L. (2009). Development and validation of a Q-Sort measure of identity processing style: The identity processing style Q-Sort. *Journal of Adolescence*, 32(5), 1239-1265.
- Waterman, A. S. (1999). Identity status theory and Erikson theory: Communalities and differences. *Development Review* 8, 185-208.

ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی

Psychometric Properties of Moral Identity Scale

Mehrdad Sabet, M.A. *

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

Sadegh Taghi Loo, Ph.D.

Islamic Azad University, Astara Branch, Iran

مهرداد ثابت

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

دکتر صادق تقی‌لو

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا، ایران

Abstract: This study aimed to evaluate the psychometric properties of the Moral Identity Scale, and questionnaires on moral sensitivity and moral image. They were administered on 291 students (165 girls and 117 boys) of the Islamic Azad University, Roudehen branch. To do exploratory and confirmatory factor analysis with different samples, the data were divided into two groups with 141 students in each group. Principal component analysis, using data related to one of the sample groups, confirmed two-factor structure of moral identity (symbolization and internalization). The results of confirmatory factor analysis supported the above factor structure. The coefficients of correlation between the moral image questionnaire, moral sensitivity, and moral identity scales indicated the concurrent validity of the scale. Cronbach's alpha for the symbolization and internalization were 0.82 and 0.86 respectively. The results of the present study, in sum, identified the Moral Identity Scale as an ideal psychometric tool to measure moral identity of Islamic Azad University, Roudehen branch students.

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی انجام شد. ۱۶۵ دانشجوی دختر و ۱۱۷ دانشجوی پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مقیاس هویت اخلاقی و پرسشنامه‌های حساسیت اخلاقی و تصویر اخلاقی را تکمیل کردند. برای انجام تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی با نمونه‌های مجزا، در کل داده‌ها به دو گروه ۱۴۱ نفری تقسیم شد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی، با استفاده از داده‌های مربوط به یکی از گروه‌ها ساختار دو عاملی هویت اخلاقی (شامل نمادسازی و درون‌سازی) را تأیید کرد و نتایج تحلیل عاملی تأییدی از ساختار عاملی به‌دست آمده حمایت نمود. ضرایب همبستگی بین عامل‌های پرسشنامه تصویر اخلاقی، حساسیت اخلاقی و مقیاس هویت اخلاقی، مبین روایی همگرای این مقیاس است. ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل‌های درون‌سازی و نمادسازی، به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۲ به‌دست آمد. در کل، نتایج پژوهش حاضر مقیاس هویت اخلاقی را به‌عنوان یک ابزار برخوردار از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب، برای سنجش هویت اخلاقی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی معرفی می‌کند.

• mehrdadsabet@yahoo.com

Keywords: moral identity scale; factor structure; exploratory factor analysis; confirmatory factor analysis

کلیدواژه‌ها: مقیاس هویت اخلاقی؛ ساختار عاملی؛ تحلیل عاملی اکتشافی؛ تحلیل عاملی تأییدی

اخلاق بنا به تعریف، عبارت است از موازین فرهنگی ارزیابی کننده که تعیین می‌کند در یک جامعه چه چیزی درست یا نادرست، خوب یا بد و قابل پذیرش یا غیرقابل پذیرش است (تورنر^۱ و استتز^۲، ۲۰۰۶). بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که اخلاق با بهزیستی و رفاه نوع بشر در ارتباط است (گئورگ^۳، ۲۰۰۷؛ گودفری^۴، ۲۰۰۵). اهمیت اخلاق در روابط بین انسان‌ها باعث شده است تا دانشمندان حوزه‌های مختلف همواره به دنبال تشریح این مطلب باشند که چرا برخی افراد پایبند به اخلاق‌اند و برخی دیگر به هیچ اصول اخلاقی پایبند نیستند (تریوینو^۵، ویور^۶ و رینولدز^۷، ۲۰۰۶). در حوزه روان‌شناسی برای اولین بار کلبِرگ با استفاده از روش مطالعه پیاژه و با الهام از عقاید فلاسفه یونان باستان از جمله سقراط - که معتقد بودند «دانستن خوبی، عمل به خوبی است^۸» - اقدام به تبیین رفتار اخلاقی با استفاده از استدلال اخلاقی نمود. اما مطالعات انجام شده نشان دادند اولاً، تنها یک همبستگی متوسط بین استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی وجود دارد (الرتسون^۹، ۲۰۱۰)، ثانیاً افرادی که اخلاقی‌تر هستند، ظرفیت‌های استدلال اخلاقی فلسفی شده بسیار قوی ندارند (کلبی و دامون، ۱۹۹۲، به نقل از هاردی^{۱۰} و کارلو^{۱۱}، ۲۰۱۱). بنابراین استدلال اخلاقی نمی‌تواند آن‌چنان که پیش‌تر تصور می‌شد رفتار اخلاقی را پیش‌بینی کند. این موضوع باعث شد تا صاحب‌نظرانی چون بلاسی^{۱۲} (۱۹۸۳-۱۹۸۰، به نقل از هاردی و کارلو، ۲۰۱۱) و رست (۲۰۱۱، ۱۹۸۳)، به نقل از هاردی و کارلو، ۲۰۱۱) به همراه بسیاری از پژوهشگران دیگر به دنبال تبیین‌های بهتر از رفتار اخلاقی باشند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد هویت اخلاقی در درک کارکرد اخلاقی^{۱۳} نقشی حساس‌تر از استدلال اخلاقی دارد (هاردی و کارلو، ۲۰۰۵). در مقابل صاحب‌نظرانی چون بلاسی (۱۹۸۳، به نقل از والکر^{۱۴}، ۲۰۰۴) بر این باورند که هویت اخلاقی

1- Turner
3- George
5- Trevino
7- Reynolds
9- Ellertson
11- Carlo
13- moral function

2- Stets
4- Godfrey
6- Weaver
8- to know the good is to do the good
10- Hardy
12- Blasi
14- Walker

می‌تواند رابطه بین استدلال اخلاقی و کنش اخلاقی را روشن‌تر سازد. از نظر بلاسی هویت اخلاقی، تفاوت‌های افراد را در این موضوع نشان می‌دهد که اخلاقی بودن تا چه اندازه در حس افراد از خود^۱ ضرورت و محوریت دارد. به باور بلاسی زمانی که در سلف شخص، اخلاق مرکزیت داشته باشد، این تمایل به عنوان کلید انگیزش اخلاقی عمل می‌کند (هاردی و کارلو، ۲۰۱۱). این شیوه تعریف هویت اخلاقی دو مفروضه را پیش می‌کشد: اول رابطه بین هویت اخلاقی فرد و رفتار او دست‌کم تا حدودی از نیاز به حفظ ثبات در تجسم خود^۲ که با شمای اخلاقی مرتبط است، نشأت می‌گیرد. دوم می‌توان گفت هویت اخلاقی در یک شبکه تداعی، با دیگر اهداف اخلاقی و الگوی رفتاری رابطه دارد. شدت و حدت این تداعی برای سلف اشاره به آن چیزی دارد که خود اهمیت‌دهی هویت اخلاقی^۳ نامیده می‌شود. بدین صورت که اگر هویت اخلاقی فرد، به حس او از خود بیشتر اهمیت دهد، در این صورت در موقعیت‌های مختلف، شمای مرتبط با سلف ممکن است به ذهن آمده و رفتار و قضاوت را تحت تأثیر قرار دهد (هاردی و همکاران، ۲۰۱۰).

هیگینز^۴ (۱۹۹۹) به‌عنوان یکی از طرفداران رویکرد شناخت اجتماعی، معتقد است شمایایی^۵ که از لحاظ شناختی بیشتر در دسترس هستند، برای استفاده در پردازش اطلاعات اجتماعی سریع‌تر فعال می‌شوند. شمایا ساختارهای دانش در ذهن هستند که می‌توانند جوانب مختلف از قبیل روابط و تجارب افراد را نشان دهد (هاردی و کارلو، ۲۰۱۱). طرفداران این رویکرد معتقدند، هویت اخلاقی نیازمند دسترسی سریع به شمای اخلاقی جهت تفسیر موقعیت‌های اجتماعی و پاسخ به آن است (نارواز^۶، لاپسلی^۷، هاگل^۸ و لاسکی^۹، ۲۰۰۹؛ لاپسلی و لاسکی، ۲۰۰۱). به همین جهت طرفداران این رویکرد در تبیین رابطه بین رفتار و نگرش بر اهمیت و میزان دسترسی شمایا تأکید می‌کنند.

برخی صاحب‌نظران هویت اخلاقی بر این باورند که افراد با ایجاد تعهدات اخلاقی که برای ثبات خود^{۱۰} آنان و خود پنداره آنان محوریت دارد، هویت خود را شکل می‌دهند. از نظر آنان افراد ممکن است باورهای اخلاقی مشابهی داشته باشند؛ اما در میزان اهمیت اخلاق برای هویت خود متفاوت باشند (برگمن^{۱۱}، ۲۰۰۴، به نقل از ویتل^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۸).

1- sense of self
3- self-importance of moral identity
5- schemas
7- Lapsley
9- Lasky
11- Bergman

2- self-image
4- Higgins
6- Narvaez
8- Hagele
10- self-consistency
12- Vitell

آکئینو^۱ و رید^۲ (۲۰۰۲) چنین فرض می‌کنند که افراد خودپنداره اخلاقی خود را بر اساس صفاتی که حول هویت شخصی هستند، سازمان می‌دهند. این رویکرد شناختی اجتماعی، مفهوم هویت اخلاقی را به شمای اخلاقی گره می‌زند که در موقعیت‌های مختلف کم و بیش می‌تواند فعال شود. آکئینو و رید (۲۰۰۲) بر اساس مطالعات هیگینز و همکاران (۱۹۸۲)، به نقل از آکئینو و رید (۲۰۰۲) و لاپسلی و لاسکی (۲۰۰۱)، آکئینو و رید (۲۰۰۲) معتقدند شمای اخلاقی به صورت بسیار بارزی در افرادی که هویت اخلاقی بالایی دارند، فعال می‌شود. آنها بر پایه این تفکر اقدام به تدارک مقیاسی برای سنجش هویت اخلاقی نموده‌اند. بدین صورت که آنها ابتدا در یک مطالعه با گروهی از دانشجویان فهرستی از صفات که به صورت پایا این هویت را فرا بخواند را فراهم نمودند. بدین صورت که از دانشجویان خواستند، تا صفاتی که افراد اخلاقی احتمالاً از آنها برخوردارند را فهرست کنند. بعد از تحلیل محتوی، حذف صفات مترادف و استفاده از این ملاک که صفات مورد نظر باید حداقل توسط ۳۰ درصد گروه نمونه قید شود، فهرست صفات مورد نظر را فراهم نمودند که عبارت بودند از: مراقب^۳، دلسوز^۴، منصف^۵، صمیمی^۶، سخاوتمند^۷، کمک کننده^۸، زحمتکش^۹، صادق^{۱۰} و مهربان.

در مقیاس هویت اخلاقی آکئینو و رید (۲۰۰۲) این صفات تنها به عنوان محرک‌های الفاء کننده بارز بودن^{۱۱} به کار برده می‌شوند و بر اساس یافته‌های مطالعات پیشین تصور می‌شود این صفات اخلاقی برای ساختار سطوح بالاتر هویت اخلاقی یک شبه تداعی‌گر شکل می‌دهد (کیل استروم^{۱۲} و کانتور^{۱۳}، ۱۹۸۴، به نقل از آکئینو و رید، ۲۰۰۲). آکئینو و رید (۲۰۰۲) یادآور می‌شوند که افراد اخلاقی را نمی‌توان تنها به این ۹ صفت محدود کرد. حتی شاید بتوان گفت لازم نیست یک فرد اخلاقی همه این ۹ صفت را دارا باشند. از نظر آکئینو و رید (۲۰۰۲) می‌توان فهرست‌های دیگری از صفات را نیز فراهم آورد که لزوماً همسان با فهرست آنان نباشند. با وجود این فرض زیربنایی تعریف معمول از هویت اخلاقی این است که صفات انتخاب شده دسته‌ای از تداعی‌ها را با صفات دیگر فرا خواهد خواند که با خودپنداره اخلاقی فرد سازگار است.

آکئینو و رید (۲۰۰۲) بر اساس دو ویژگی تئوریک هویت که به وسیله اریکسون (۱۹۶۴)

1- Aquino
3- caring
5- fair
7- generous
9- hardworking
11- salience induction stimuli
13- Cantor

2- Reed
4- compassionate
6- friendly
8- helpful
10- honest
12- Kihlstrom

توصیف شده، گویه‌های مقیاس هویت اخلاقی را انتخاب نموده‌اند، این دو ویژگی عبارتند از الف) هویت در هسته اصلی وجود فرد ریشه دارد و ب) هویت عامل صادق بودن در عمل است. آکئینو و رید (۲۰۰۲) هفت گویه این مقیاس را از مطالعه لارکی^۱ و هچ^۲ (۱۹۹۵)، به نقل از آکئینو و رید، (۲۰۰۲) اقتباس نموده‌اند و شش آیتم دیگر را خود به منظور ارزیابی گستره‌ای از اعمال که باید تظاهرات نمادین اجتماعی هویت اخلاقی افراد را نشان دهد، طراحی نموده‌اند. آکئینو و رید (۲۰۰۲) به دنبال استفاده از روش آماری تحلیل عاملی اکتشافی^۳ و حذف دو گویه، ساختار دو عاملی آن را شامل درون‌سازی^۴ و نمادسازی^۵ تعیین نمودند. درون‌سازی اشاره به این موضوع دارد که تا چه اندازه اصول اخلاقی در خودپنداره فرد محوریت دارد و تا چه اندازه در جنبه شخصی یا خصوصی سلف اهمیت دارد. نمادسازی اشاره به این موضوع دارد که اصول اخلاقی تا چه اندازه در برابر دیگران بروز داده می‌شود و تا چه اندازه در جنبه اجتماعی یا عمومی سلف اخلاقی اهمیت دارد (هاردی و همکاران، ۲۰۱۰). پژوهش حاضر به‌منظور معرفی ابزار در حوزه هویت اخلاقی برای پژوهشگران کشور، قصد دارد ساختار عاملی مقیاس هویت اخلاقی آکئینو و رید (۲۰۰۲) را در دانشجویان ایرانی تعیین کند، با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و روایی همگرا^۶ ساختار عاملی به‌دست آمده را بررسی کند و هماهنگی درونی^۷ هر یک از عامل‌های مقیاس هویت اخلاقی را گزارش کند.

روش

شرکت کنندگان در پژوهش حاضر ۲۸۲ نفر (۱۶۵ زن با میانگین سنی ۲۲/۹۶ و انحراف استاندارد ۴/۸۶ و ۱۱۷ مرد با میانگین سنی ۲۳/۶۵ و انحراف استاندارد ۴/۳۶، $t=1/159$ ، $P>0/05$) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بودند که با روش نمونه‌برداری خوشه‌ای از رشته‌های مدیریت، جغرافی، روان‌شناسی، حسابداری، اقتصاد، ادبیات فارسی و مهندسی کشاورزی انتخاب شدند. دامنه سنی گروه نمونه بین ۱۸ تا ۳۵ بود. به‌منظور انجام تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی با دو گروه نمونه مجزا، نمونه پژوهش به دو گروه ۱۴۱ نفر تقسیم شد. هر چند این حجم نمونه منطبق بر توصیه تاباچینک^۸ و فیدل^۹ (۲۰۰۷) که حجم نمونه بیشتر از ۳۰۰ نفر را برای مطالعات تحلیل عاملی توصیه می‌کنند، نیست. اما توصیه

1- Larkey
3- exploratory factor analysis
5- symbolization
7- internal consistency
9- Fidell

2- Hecht
4- internalization
6- convergent validity
8- Tabachnick

رایج درباره شیوه تعیین حجم نمونه در مطالعات تحلیل عاملی اکتشافی، نسبت ۱۵-۱۰ شرکت‌کننده به ازای هر گویه است (فیلد^۱، ۲۰۰۶). حتی کاس^۲ و تینسلی^۳ (۱۹۷۹)، به نقل از فیلد، ۲۰۰۶) نسبت ۱۰-۵ شرکت‌کننده به ازای هر گویه را توصیه نموده‌اند. با توجه به این که مقیاس هویت اخلاقی از ۱۳ گویه تشکیل شده، نسبت گویه به شرکت‌کننده تقریباً ۱۱ است که به ظاهر منطبق با توصیه رایج درباره نسبت حجم نمونه در مطالعات تحلیل عاملی است. لازم به توضیح است که میانگین و انحراف استاندارد سنی گروه نمونه اول و دوم به ترتیب ۲۳/۰۱۶، ۴/۷۴ و ۲۳/۵۳، ۴/۷۲ بود.

ابزار

۱- **هویت اخلاقی:** این مقیاس توسط آکینو و رید (۲۰۰۲) ساخته شده است. در این مقیاس از پاسخ‌دهنده خواسته می‌شود ابتدا به صفات مراقب، دلسوز، منصف، صمیمی، سخاوتمند، کمک‌کننده، زحمتکش، صادق و مهربان توجه نموده سپس در یک مقیاس ۵ درجه ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) میزان موافقت خود را با هر یک از ۱۳ گویه تعیین کند. آکینو و رید (۲۰۰۲) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی روایی سازه آن را مطلوب توصیف کرده و نشان دادند که در کل این مقیاس از دو عامل درون‌سازی و نمادسازی تشکیل شده است. استفاده از آلفای کرونباخ برای دو عامل درون‌سازی و نمادسازی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۸۲ نشان داده است که نشان می‌دهد این ابزار از اعتبار قابل قبولی برخوردار است.

۱- **پرسشنامه مقیاس حساسیت اخلاقی (ESSQ):** پرسشنامه حساسیت اخلاقی^۴ بر پایه مفهوم‌سازی ناروانز از حساسیت اخلاقی (تیری^۵ و نکولینن^۶، ۲۰۰۷)، ساخته شده است. مهمترین هدف آن سنجش جهت‌گیری حساسیت اخلاقی است. این پرسشنامه ۷ بعد حساسیت اخلاقی را در بر می‌گیرد که عبارتند از: درک و بیان هیجانات^۷، اتخاذ دیدگاه دیگران^۸، مراقبت از طریق ارتباط با دیگران^۹، کار با تفاوت‌های گروهی و بین فردی^{۱۰}، شناسایی پی‌آمدهای اعمال و انتخاب‌ها^{۱۱}، بازداری سوگیری اجتماعی^{۱۲} و خلق تفاسیر و جایگزین‌ها^{۱۳}. این

1- Field	2- Kass
3- Tinsly	4- Ethical Sensitivity Scale Questionnaire
5- Tirri	6- Nokelainen
7- reading and expressing emotions	8- taking the perspectives of others
9- caring by connecting to others	
10- working with interpersonal and group differences	
11- identifying the consequences of actions and options	
12- preventing social bias	13- generating interpretations and options

پرسشنامه از ۲۸ گویه تشکیل شده و شرکت‌کنندگان باید، پاسخ خود را در یک طیف پنج درجه از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) تعیین کنند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه حساسیت اخلاقی برابر با ۰/۹۰۵ بود. این نتیجه بیانگر هماهنگی درونی پرسشنامه حساسیت اخلاقی است.

۳- **فرم کوتاه پرسشنامه تصویر اخلاقی (PVQ):** پرسشنامه تصویر اخلاقی^۱ (PVQ) با هدف سنجش ارزش اخلاقی به‌وسیله شوارتز^۲ (۲۰۰۳) ساخته شد. هینز^۳ و همکاران (۲۰۰۵) در یک مطالعه، ساختار عاملی فرم کوتاه (۲۰ سؤالی) پرسشنامه تصویر اخلاقی را مورد بررسی قرار دادند. در مجموع این پرسشنامه ۱۰ نوع ارزش اخلاقی را ارزیابی می‌کند که عبارتند از: هم‌رنگی^۴، سنت^۵، جهانشمولی^۶، خیرخواهی^۷، امنیت^۸، پیشرفت^۹، قدرت^{۱۰}، خودمختاری^{۱۱}، لذت‌گرایی^{۱۲} و تحریک^{۱۳}. در این پرسشنامه شرکت‌کنندگان در یک مقیاس نرخ‌گذاری ۶ درجه‌ای از کاملاً شبیه من است (۱) تا اصلاً شبیه من نیست (۶) تعیین می‌کنند که فردی که در گویه‌های این پرسشنامه توصیف می‌شود، تا چه اندازه به آنها شبیه یا غیرشبیه است. اعتبار و روایی این پرسشنامه در مطالعه هینز و همکاران (۲۰۰۵) مطلوب توصیف شده است.

یافته‌ها

پیش از تحلیل داده‌ها چولگی، کشیدگی، پرت تک متغیری، توزیع نرمال و خطی بودن تک تک گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برای مقابله با مقادیر گم شده، از روش بیشینه انتظار^{۱۴} استفاده شد.

تحلیل عاملی اکتشافی: مقیاس ۱۳ گویه‌ای هویت اخلاقی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^{۱۵} (PCA) مورد تحلیل قرار گرفت. این تحلیل با استفاده از اطلاعات مربوط به گروه نمونه اول (۵۵ مرد و ۸۶ زن) انجام شد. برخلاف پژوهش آکینو و رید (۲۰۰۲) که در تحلیل عاملی اکتشافی از روش چرخش واریمکس^{۱۶} استفاده نموده بودند، بنا به توصیه فیلد (۲۰۰۶) - از

1- Portrait Values Questionnaire	2- Schwartz
3- Hinz	4- conformity
5- tradition	6- universalism
7- benevolence	8- security
9- achievement	10- power
11- self-direction	12- hedonism
13- stimulation	
14- expectation maximization imputation	
15- principal component analysis	16- varimax

چرخش پرومکس^۱ استفاده شد. همچنین همانند آکینو و رید (۲۰۰۲) در تحلیل عاملی اکتشافی شرایط زیر در نظر گرفته شد: الف) بار عاملی هر گویه بر عامل اصلی باید بزرگتر یا مساوی ۰/۵ باشد، ب) بار عاملی هر گویه بر عامل غیر اصلی باید کمتر از ۰/۴ باشد و ج) اختلاف بین بارهای عاملی هر گویه بر دو عامل باید کمتر از ۰/۲ باشد. از طرف دیگر با توجه به این که مبنای نظری مقیاس دو عاملی است، بنابراین در این مقیاس نیز در جریان تحلیل عاملی تعداد عامل‌های مورد نظر با عدد ۲ تثبیت شد. در نهایت استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، ارزش کایسر - میر - اوکلین^۲ (KMO) ۰/۷۷۱ و نتیجه آزمون کرویت بارلت^۳، با درجه آزادی ۷۸، در سطح معناداری ۰/۰۰۱، برابر با ۷۱۱/۱۰۶ را نشان داد. این شرایط، امکان انجام تحلیل عاملی را برای این مقیاس فراهم نمود. جدول ۱ ماتریس چرخش یافته عامل‌های مقیاس هویت اخلاقی را نشان می‌دهد.

جدول ۱
ماتریس چرخش یافته عامل‌های مقیاس هویت اخلاقی

عامل‌ها		گویه‌ها
نمادسازی	درون‌سازی	
-۰/۰۲۱	۰/۸۲۹	۱. بودن شخصی که این ویژگی‌ها را دارد، حس خوبی در من ایجاد می‌کند.
۰/۱۳۸	۰/۷۰۴	۷. من به شدت مایلیم این ویژگی‌ها را داشته باشم.
۰/۱۵۸	۰/۶۹۳	۳. بخش مهمی از آرامش عاطفی من، وابسته به داشتن این ویژگی‌هاست.
۰/۱۵۶	۰/۶۶۴	۲. بودن شخصی که این ویژگی‌ها را دارد، بخش مهمی از هویت (من کی هستم) من است.
۰/۱۶۳	۰/۶۴۸	۶. داشتن چنین ویژگی‌هایی، بخش مهمی از حس من از خود است.
-۰/۴۹۵	۰/۶۱۶	۵. داشتن این ویژگی‌ها، واقعاً برایم مهم نیست.
-۰/۵۲۷	۰/۵۷۹	۴. اگر شخصی باشم که چنین ویژگی‌هایی دارد، شرمنده خواهم شد.
۰/۷۱۵	-۰/۱۹۰	۱۳. من شدیداً درگیر فعالیت‌هایی هستم که داشتن این ویژگی‌ها وابسته به دیگران است.
۰/۷۱۴	-۰/۰۲۳	۱۲. این واقعیت که من این ویژگی‌ها را دارم، وابسته به دیگران و عضویت من در سازمان‌های معین است.
۰/۷۱۲	۰/۱۸۴	۱۱. نوع کتاب‌ها و مجلاتی که من می‌خوانم، نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم.
۰/۶۰۲	-۰/۱۷۸	۹. من اغلب لباس‌هایی را می‌پوشم، که نشان می‌دهد، من این ویژگی‌ها را دارم.
۰/۵۸۶	۰/۲۷۴	۱۰. نوع کارهایی که من در اوقات فراغتم انجام می‌دهم، آشکارا نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم.
۰/۵۴۷	۰/۳۳۱	۸. اغلب محصولاتی که می‌خرم، با این واقعیت که من این ویژگی‌ها را دارم، ارتباط دارد.
۲/۲۳۴	۴/۵۵	ایگن ولیو
۱۷/۱۸۸	۳۵/۰۳۱	درصد واریانس تبیین شده بعد از چرخش

چنان‌که در جدول ۱ دیده می‌شود، ۱۱ گویه از ۱۳ گویه شرایط ذکر شده را دارد و دو گویه

1- promax
3- Bartlett's Test of Sphericity

2- Kaiser-Meyer-Olkin Value

به دلیل بار عاملی تقریباً مشابه (که در جدول زیر آنها خط کشیده شده) بر دو عامل حذف شدند. بررسی میزان هماهنگی درونی گویه‌های هر یک از عامل‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ انجام شد که برای عامل‌های درون‌سازی و نمادسازی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۲ بود، این یافته بیانگر اعتبار قابل قبول مقیاس هویت اخلاقی است.

تحلیل عاملی تأییدی: به منظور آزمون ساختار عاملی مقیاس دو عاملی هویت اخلاقی، تحلیل عاملی تأییدی به روش بیشینه احتمال^۱ و با استفاده از نسخه ۱۶ نرم‌افزار آماری Amos انجام شد. این تحلیل با استفاده از اطلاعات مربوط به گروه نمونه دوم (۶۲ مرد و ۷۹ زن) انجام شد. نتیجه تحلیل نشان داد که مدل دو عاملی هویت اخلاقی، با داده‌ها برازش مطلوبی دارد. برخی شاخص‌های برازندگی به شرح زیر بود: کای اسکوئر (χ^2) ۵۴/۹۹ ($P = ۰/۱۰۴$)، کای اسکوئر نرم شده ($\chi^2 df$) ۱/۲۸، شاخص نکویی برازش^۲ (GFI) ۰/۹۸۲، شاخص نکویی برازش تعدیل شده^۳ (AGFI) ۰/۸۹۸، شاخص برازش هنجاری شده^۴ (IFI) ۰/۹۸۲، جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۵ (RMSEA) ۰/۰۴۵ و جذر میانگین خطا^۶ (RMR) ۰/۰۴۲. شکل ۱ برآورد استاندارد شده تحلیل عاملی تأییدی مقیاس هویت اخلاقی را نشان می‌دهد.

جدول ۲

پارامترهای مدل اندازه‌گیری ابعاد هویت اخلاقی در تحلیل عاملی تأییدی

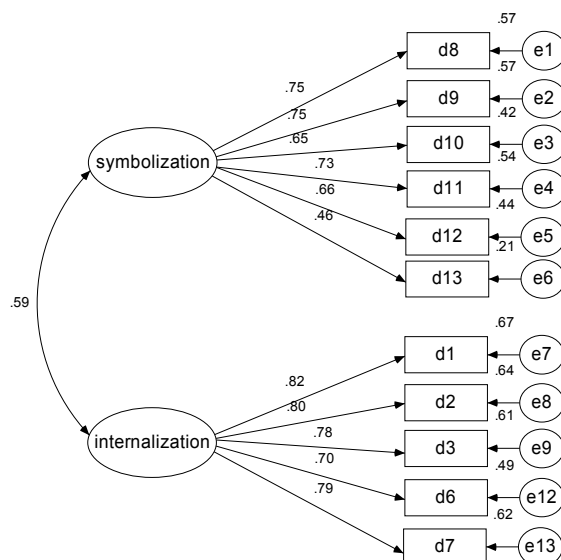
متغیرهای ممکن - نشان‌گر	برآورد پارامتر b	پارامتر استاندارد B	خطای استاندارد	نسبت بحرانی
درون‌سازی - گویه ۱	۱/۰۰۰	۰/۸۱۷	۰/۷۹۷	۱۰/۲۸۹**
درون‌سازی - گویه ۲	۰/۸۲۶	۰/۷۹۷	۰/۰۷۶	۹/۹۷۶**
درون‌سازی - گویه ۳	۰/۷۶۲	۰/۷۷۸	۰/۰۷۶	۸/۷۵۷**
درون‌سازی - گویه ۴	۰/۷۳۰	۰/۷۰۲	۰/۰۸۳	۱۰/۱۶۰**
درون‌سازی - گویه ۵	۰/۸۹۶	۰/۷۸۹	۰/۰۸۸	
نمادسازی - گویه ۶	۱/۰۰۰	۰/۷۵۴	۰/۷۵۴	
نمادسازی - گویه ۷	۰/۹۹۰	۰/۷۵۵	۰/۱۱۸	۸/۳۸۸**
نمادسازی - گویه ۸	۰/۸۵۳	۰/۶۴۹	۰/۱۱۸	۷/۲۱۳**
نمادسازی - گویه ۹	۰/۹۳۵	۰/۷۳۴	۰/۱۱۵	۸/۱۶۴**
نمادسازی - گویه ۱۰	۰/۸۳۴	۰/۶۶۰	۰/۱۱۴	۷/۳۳۸**
نمادسازی - گویه ۱۱	۰/۵۵۴	۰/۴۵۵	۰/۱۱۱	۵/۰۰۹**

**P < ۰/۰۱

توجه: چون بارهای عاملی گویه‌های ۱ و ۸ با عدد یک تثبیت شده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی برای آزمون معناداری آن محاسبه نشده است.

- 1- maximum likelihood
- 2- goodness of fit index
- 3- adjusted goodness of fit index
- 4- incremental fit index
- 5- root mean square error of approximation
- 6- root mean square residual

مقادیر پارامتر استاندارد B ذکر شده در جدول ۲، توان بالای متغیرهای مشاهده شده، روی متغیرهای مکنون درون‌سازی و نمادسازی را نشان می‌دهد. علاوه بر آن، مقادیر نسبت بحرانی بزرگ‌تر از ۲، حاکی از معناداری تمام آنهاست. کمترین ضریب (۰/۴۵۵) متعلق به گویه ۱۳ و بیشترین ضریب (۰/۸۱۷) متعلق به گویه ۱ است. در کل این یافته‌ها نشان می‌دهد که هر کدام از ۱۱ گویه مقیاس هویت اخلاقی به صورت قابل قبولی عامل‌های درون‌سازی و برون‌سازی را اندازه‌گیری می‌کند.



شکل ۱
برآورد استاندارد شده مدل اندازه‌گیری مقیاس هویت اخلاقی

روایی همگرا: به منظور بررسی روایی همگرای مقیاس هویت اخلاقی از پرسشنامه حساسیت اخلاقی (رک تیری و نکولینین، ۲۰۰۷) و پرسشنامه تصویر اخلاقی (هینز و همکاران، ۲۰۰۵) استفاده شد. این تحلیل با استفاده از داده‌های حاصل از هر دو گروه نمونه اول و دوم انجام شد، که در مجموع ۲۸۲ نفر بودند. جدول ۳ علاوه بر میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرها همبستگی بین عامل‌های هویت اخلاقی، تصویر اخلاقی و حساسیت اخلاقی را نشان می‌دهد.

جدول ۳
میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین عامل‌های هویت اخلاقی، حساسیت اخلاقی و
ارزش اخلاقی

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱. درون‌سازی	-												
۲. نمادسازی	۰/۵۳۲**	-											
۳. خودفرمانی	۰/۱۸۷**	۰/۰۴	-										
۴. قدرت	۰/۲۰۷**	۰/۱۳۹*	۰/۳۵۱**	-									
۵. جهانشمولی	۰/۲۲۱**	۰/۱۵۵**	-۰/۰۹	-۰/۱۴۶*	-								
۶. پیشرفت	۰/۲۳۹**	۰/۰۸۴	۰/۳۲۷**	۰/۲۲۱**	۰/۳۴۴**	-							
۷. امنیت	۰/۳۰۷**	۰/۱۶۳**	-۰/۳۰**	-۰/۰۷۴	۰/۴۳۵**	-۰/۵۴۴**	-						
۸. تحریک	-۰/۱۸۴**	۰/۱۰۸	۰/۳۱۱**	۰/۱۷۸**	-۰/۰۵۷	-۰/۳۵۷**	-						
۹. همنوایی	-۰/۲۹۷**	۰/۰۳۴	-۰/۲۴۱**	-۰/۲۲**	۰/۴۵۱**	-۰/۴۴۱**	۰/۵۶**	-					
۱۰. سنت	-۰/۱۲۵*	۰/۱۴۶*	-۰/۱۹۶**	-۰/۲۴۳**	-۰/۴۲۳**	-۰/۲۱۶**	۰/۳۵۹**	-۰/۳۰۷**	-				
۱۱. خیرخواهی	۰/۳۱۱**	۰/۰۹۲	-۰/۰۵	-۰/۳۴۶**	-۰/۲۴۶**	-۰/۲۹۱**	۰/۳۳۳**	-۰/۲۷**	۰/۴۷۹**	-			
۱۲. لذت‌گرایی	-۰/۲۸۰**	-۰/۱۸۶**	۰/۲۸**	-۰/۰۹۸	۰/۴۹۹**	۰/۳۶**	۰/۴۳۶**	۰/۲۲۲**	۰/۴۲۸**	۰/۳۰۷**	-		
۱۳. حساسیت اخلاقی	۰/۳۴۵**	۰/۱۸۹**	-۰/۲۶۳**	-۰/۰۵۱	۰/۳۹۴**	-۰/۳۲۵**	۰/۳۹۱**	-۰/۲۴۳**	۰/۳۲۶**	۰/۳۰۷**	۰/۵۲۱**	-۰/۳۸۳**	-
میانگین	۱۸/۰۵	۱۸/۴۱	۴/۸۰	۵/۲۶	۵/۵۲	۴/۷۷	۵/۲۸	۴/۵۵	۴/۵۵	۷/۴۸	۵/۳۳	۴/۵۹	۵۸/۷۸
انحراف استاندارد	۴/۹۷	۴/۰۹	۲/۱۱	۲/۲۷	۲/۲۹	۲/۴۲	۲/۳۴	۲/۲۶	۲/۰۳	۲/۹۷	۲/۳۸	۲/۰۱	۱۵/۷۸

*P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱

جدول ۳ نشان می‌دهد که همبستگی درون‌سازی با حساسیت اخلاقی، خیرخواهی، خودفرمانی، قدرت، جهانشمولی، پیشرفت و امنیت رابطه مثبت و معنادار و با عامل‌های لذت‌گرایی، سنت، تحریک و همنوایی رابطه منفی معنادار دارد. از سوی دیگر نمادسازی با حساسیت اخلاقی، سنت، امنیت، جهانشمولی و قدرت همبستگی مثبت معنادار و با لذت‌گرایی رابطه منفی و معنادار دارد و با دیگر عامل‌های ارزش اخلاقی همبستگی معناداری ندارد. روابط همبستگی بین عامل‌های حساسیت اخلاقی و ارزش اخلاقی و هویت اخلاقی در جهت مورد انتظار است که نشان از روایی همگرای قابل قبول مقیاس هویت اخلاقی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به منظور بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس هویت اخلاقی اکثینو و رید (۲۰۰۲) انجام شد. به همین منظور ابتدا مقیاس مذکور به کمک دو مدرس زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی به زبان فارسی ترجمه و به همراه پرسشنامه‌های حساسیت اخلاقی (رک، تیری و نکولینین، ۲۰۰۷) و تصویر اخلاقی (هینز و همکاران، ۲۰۰۵) بر یک نمونه ۲۸۲ نفری از دانشجویان اجرا شد. برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی با نمونه‌های مجزا، اطلاعات حاصل به صورت تصادفی به دو گروه ۱۴۱ نفری تقسیم شد. در گام اول استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی با یکی از گروه‌ها، منطبق بر مطالعه اکثینو و رید (۲۰۰۲) ساختار دو عاملی مقیاس هویت اخلاقی را نشان داد. در گام دوم استفاده از تحلیل عاملی تأییدی با گروه دیگر، نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی را تأیید نمود. در ادامه بررسی محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از دو عامل هویت اخلاقی نشان داد که عامل‌ها از همسانی درونی مناسبی برخوردارند. در نهایت بررسی همبستگی بین عامل‌های حساسیت اخلاقی، هویت اخلاقی و تصویر اخلاقی نشان داد که مقیاس هویت اخلاقی از روایی همگرا برخوردار است. در کل این یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی برای استفاده در پژوهش در دانشجویان ایرانی مناسب است.

علی‌رغم مشابهت بسیار زیاد نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی در پژوهش حاضر و پژوهش اکثینو و رید (۲۰۰۲) مقایسه بارهای عاملی تحلیل عاملی اکتشافی مطالعه اکثینو و رید (۲۰۰۲) و مطالعه حاضر نشان می‌دهد که در مطالعه آنها دو گویه «بخش مهمی از آرامش عاطفی من، وابسته به داشتن این ویژگی‌هاست» و «داشتن چنین ویژگی‌هایی، بخش مهمی از حس من از خود است» بار عاملی ضعیف و نامناسبی بر عامل‌های مربوط به خود ایجاد کرده‌اند، در مقابل بررسی بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها در جدول ۱ پژوهش حاضر نشان

می‌دهد که دو گویه «داشتن این ویژگی‌ها، واقعاً برایم مهم نیست» و «اگر شخصی باشم که چنین ویژگی‌هایی دارد، شرم‌نده خواهم شد» به صورت نامناسبی بر هر دو عامل بار عاملی ایجاد کرده‌اند. به‌زعم پژوهشگر، ساده‌ترین و در دسترس‌ترین تبیین برای این تفاوت در یافته‌های دو پژوهش، تفاوت‌های فرهنگی بین مردم مغرب و مشرق زمین است. زیرا که تصور بر این است که فرهنگ حاکم بر زندگی در جوامع غربی، فردگرایی است که در آن روابط اجتماعی بر پایه اصول، قوانین و مقررات بنا نهاده می‌شود و ارزش‌های خودمختاری، آزادی، تحقق خود، جرأت‌ورزی و یک حس منحصر به فرد بودن از خود در آن حاکم است. در حالی که در جوامع شرقی فرهنگ جمع‌گرایی غلبه دارد که در آن ارزش‌های مرتبط با روابط بین فردی از قبیل مهرورزی، اطاعت‌پذیری، لذت‌گرایی بازدارنده^۱ و وابستگی اهمیت بالایی دارد (قربانی^۲، بینگ^۳، واتسون^۴، داویسون^۵ و لیبرتون^۶، ۲۰۰۳). می‌توان حدس زد که چون اساس گویه ۳، رنگ و بوی جمع‌گرایانه دارد، به همین جهت بار عاملی بسیار ضعیفی بر دو عامل هویت اخلاقی ایجاد کرده است. از سوی دیگر با توجه به این که گویه ۶ بار عاملی نسبتاً قوی بر هر دو عامل درون‌سازی و نمادسازی ایجاد کرده، می‌توان گفت این گویه توان تفکیک افراد با هویت نمادسازی و درون‌سازی را نداشته و داشتن صفات مطلوب (مراقب، دلسوز، منصف، صمیمی، سخاوتمند، کمک‌کننده، زحمتکش، صادق و مهربان) برای افراد با هویت نمادسازی و درون‌سازی حس مناسبی از خود ایجاد می‌کند. به دلیل مشابه برخورداری از صفات مطلوب در فرهنگ جمع‌گرا برای هر دو گروه افراد با هویت نمادسازی و درون‌سازی بسیار مهم است، زیرا که داشتن چنین صفاتی تأثیر بسیار مهمی در زندگی اجتماعی آنان دارد. به همین دلیل دو گویه ۴ و ۵ از توان کافی برای تفکیک هویت نمادسازی و درون‌سازی در فرهنگ جمع‌گرا برخوردار نیستند و بنابراین توصیه می‌شود مطالعاتی که در فرهنگ جمع‌گرا از مقیاس هویت اخلاقی اکتینو و رید (۲۰۰۲) استفاده می‌کنند، دو گویه ۴ و ۵ را از مقیاس حذف کنند.

References:

مراجع:

Aquino, K., & Reed, A., II. (2002). The self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 1423–1440.

1- inhibited hedonism
3- Bing
5- Davison

2- Ghorbani
4- Watson
6- LeBreton

- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Berzonsky, M. D. (2011). A Social-Cognitive Perspective on Identity Construction, In S Schwartz, K Luyckx & V Vignoles (Eds), *Handbook of identity theory and research* (pp 55-76). Springer. Miami & Florida.
- Cervone, D., & Tripathi, R. (2009). The moral functioning of the person as a whole: On moral psychology and personality science. In D. Narvaez & D. Lapsley (Eds.), *Personality, identity, and character: Explorations in moral psychology* (pp. 30-51). New York: Cambridge University Press.
- Ellertson, C. F. (2010). *Felt Moral Obligation: An Alternative Foundation for Moral Behavior*, Unpublished doctoral dissertation. Brigham Young University.
- Field, A. (2006). *Discovering statistic using SPSS*. London: SAGE publication.
- George, B. (2007). *True north: Discover your authentic leadership*. San Francisco, CA: Jossey Bass.
- Ghorbani, N., Bing, M. N., Watson, P. J., Davison, H. K., & LeBreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: evidence of compatibility in Iran and the United States. *Personality and Individual Differences*, 35, 431-447.
- Godfrey, P. C. (2005). The relationship between corporate philanthropy and shareholder wealth: A risk management perspective. *Academy of Management Review*, 30, 777-798.
- Hardy, S. A., Bhattacharjee, A., Reed, A., & Aquino, K. (2010). Moral identity and psychological distance: The case of adolescent parental socialization. *Journal of Adolescence*, 33, 111-123.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2011). Moral identity. In S Schwartz, K Luyckx & V Vignoles (Eds), *Handbook of identity theory and research* (pp 495-513). Springer. Miami & Florida.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2011). Identity as a Source of Moral Motivation, *Human Development*, 48, 232-256.
- Higgins, E. T. (1999). Persons or situations: Unique explanatory principles or variability in general principles? In D. Cervone & Y. Shoda (Eds.),

- The coherence of personality: Social-cognitive bases of consistency variability, and organization* (pp. 61–93). New York: Guilford Press.
- Hinz, A., Brähler, E., Schmidt, P., & Albani, C. (2005). Investigating the Circumplex Structure of the Portrait Values Questionnaire (PVQ). *Journal of Individual Differences, 26*, 185-193.
- Hitlin, S., & Vaisey, S. (2010). Back to the Future, Reviving the Sociology of Morality. In S. Hitlin, & S. Vaisey (Eds), *Handbook of The Sociology of Morality* (pp.3-15). New York: Springer & London; Dordrecht Heidelberg.
- Lapsley, D. K., & Lasky, B. (2001). Prototypic moral character. *Identity, 1*, 345-363.
- Narvaez, D., Lapsley, D. K., Hagele, S., & Lasky, B. (2006). Moral chronicity and social information processing: Tests of a social cognitive approach to moral personality. *Journal of Research in Personality, 40*, 966-985.
- Reed, A. II, Aquino, K., & Levy, E. (2007). Moral Identity and Judgments of Charitable Behaviors'. *Journal of Marketing, 71*, 178-193.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics* (5th edition). Boston: Allyn & Bacon.
- Tirri, k., & Nokelainen, P. (2007). Comparison of Academically Average and Gifted Students Self-Rated Ethical Sensitivity. *Educational Research and Evaluation, 13*, 587-601.
- Treviño, L. T., Weaver, G., & Reynolds, S. J. (2006). Behavioral ethics in organizations: A review. *Journal of Management, 32*, 951–990.
- Turner, J. H., & Stets, J. E. (2006). “Moral Emotions.” PP. 544–566 in *Handbook of the Sociology of Emotions*, edited by J. E. Stets, and J. H. Turner. New York: Springer.
- Vitell, S. J., Bing, M. N., Davision, H. K., Ammeter, A. P., Garner, B. L. & Novicevic, M. M. (2008). Religiosity and Moral Identity: The Mediating Role of Self-Control. *Journal of Business Ethics, 88*, 601-613.
- Walker, L. J. (2004). Gus in the gap: Bridging the judgment-action gap in moral functioning. In D. K. Lapsley & D. Narvaez (Eds.), *Moral development, self, and identity* (pp. 1–20). Mahwah, NJ: Erlbaum.

پیش‌بینی کنترل خشم بر اساس سبک‌های هویت در نوجوانان دختر

Prediction of Anger Control Based on Identity Styles among Female Adolescents

Khadijeh Abolmaali, Ph.D. *

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

Mona Afzali Ghadi, B.A.

University of Imam Sadegh, Iran

Samira Bidkhori, B.A.

University of Imam Sadegh, Iran

دکتر خدیجه ابوالمعالی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

مونا افزالی قادی

دانشگاه امام صادق (ع)، ایران

سمیرا بیدخوری

دانشگاه امام صادق (ع)، ایران

Abstract: The purpose of this research was to predict anger control (control of aggressive behavior, thought, and feeling) based on identity styles (informative, diffuse-avoidant, and normative). The method of this research was descriptive-correlational. Participant's completed two questionnaires: Berzonski's Identity Styles (ISI6G) and Anger Control (AGQ). One hundred and ten high school girl students were randomly selected from 14th district of education in Tehran. Data were analyzed using multiple regressions. The results showed that diffuse-avoidant identity style can predict thinking and behavior of anger control ($P < .05$). However, informative and normative styles couldn't predict anger control and its components. It can be concluded that the diffuse-avoidant identity style plays an important role in explaining aggressive behaviors and thoughts.

چکیده: هدف از این پژوهش پیش‌بینی کنترل خشم (کنترل رفتار، فکر و احساس پرخاشگرانه) بر اساس سبک‌های هویت (سردرگم - اجتنابی، اطلاعاتی و هنجاری) در دختران نوجوان و روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود. ۱۱۰ دانش‌آموز دختر از دبیرستان‌های منطقه ۱۴ آموزش و پرورش شهر تهران با روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و دو پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی و کنترل خشم را تکمیل کردند. داده‌ها به روش رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج پژوهش حاکی از این بود که سبک هویت سردرگم - اجتنابی می‌تواند به‌طور معنادار رفتار و فکر و نمره کل کنترل خشم را پیش‌بینی کند ($P = 0/05$). اما سبک‌های هنجاری و اطلاعاتی قادر به پیش‌بینی کنترل خشم نیستند. می‌توان نتیجه گرفت که سبک هویت سردرگم - اجتنابی در تبیین رفتار و فکر پرخاشگرانه نقش پیش‌بینی‌کننده مهمی دارد.

*sama.abolmaali@gmail.com

Keywords: anger control; informative identity style; diffuse-avoidant identity style; normative identity style

کلیدواژه‌ها: کنترل خشم؛ سبک هویت اطلاعاتی؛ سبک هویت سردرگم - اجتنابی؛ سبک هویت هنجاری

هویت به‌عنوان یک تکلیف روانی - اجتماعی، اساسی برای افراد جوان است که در مراحل اولیه نوجوانی شروع می‌شود. نوجوانان سؤالاتی از این قبیل را آغاز می‌کنند: من که هستم، در زندگی‌ام چه کار می‌کنم، چه ارتباطاتی را می‌خواهم، چه کاری را می‌خواهم انجام دهم، باورهای من چیست؟ (آرچر^۱، ۱۹۸۲) در دوران نوجوانی مسئله هویت‌یابی به‌صورت یک گره برای نوجوان در می‌آید. نوجوان در این دوره پر تلاطم روز به‌روز دچار تغییرات عمده درونی و بیرونی می‌شود (نجاتی، ۱۳۸۴).

اریکسون تشکیل هویت را شامل به‌وجود آمدن یک احساس این‌همانی و وحدت شخصیت می‌داند، که توسط فرد احساس و توسط دیگران تشخیص داده می‌شود (اکبرزاده، ۱۳۷۶). مارسیا بر دو بُعد هویت، یعنی تعهد و کاوش تأکید می‌کند. از نظر وی کاوش به‌عنوان یک رفتار حل مسأله در نظر گرفته می‌شود که به کسب اطلاعات بیشتر درباره خود و محیط و تصمیم‌گیری در مورد انتخاب‌های اصلی زندگی منجر می‌شود؛ و تعهد نیز دربرگیرنده مجموعه‌ای از هدف‌ها، ارزش‌ها و باورهاست. برزونسکی^۲ سه سبک هویتی را مطرح می‌کند که در آن افراد دارای سبک اطلاعاتی^۳ معمولاً فعالانه در جستجو بوده و اطلاعات خود را در زمانی که باید تصمیم‌هایی در مورد هویت خود یا حل مشکلات شخصی‌شان بگیرند، بسط داده و از آن سود می‌برند. سبک هنجاری^۴ به مطابقت داشتن با دیگران و همچنین اجرای دستورالعمل‌ها و انتظارات افراد مهم در زندگی (مانند والدین و گروه مرجع) اشاره می‌کند و سبک نامتمایز اجتنابی^۵ به اجتناب از تصمیم‌گیری و حل مشکلات اشاره می‌کند (بومنت^۶، ۲۰۰۹).

علاوه بر دیدگاه‌های مطرح شده در این حوزه در اسلام نیز به‌عنوان یک دیدگاه جامع‌نگر به انسان به مباحث هویتی اهمیت داده شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸). خداوند کرامت و برتری به انسان بخشیده است که او را نسبت به سایر مخلوقات اشرف قرار داده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا/ ما بنی آدم را گرامی داشتیم... و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم» (۷۰ اسراء).

قرآن انسان را دارای اصالت روح می‌داند. آنجا که می‌فرماید: (ثم سواه و نفخ فيه من

1- Archer
3- informational identity style
5- avoiding confusion identity style

2- Berzonsky
4- normative identity style
6- Beaumont

روحه...» «سپس آن را نیکو بیاورد و از روح خود در آن بدمید...» (۹ سجده). همچنین هویت از اویی برای انسان قایل است. (انالله و انا الیه راجعون) «ما از آن خدائیم و بسوی او باز خواهیم گشت» (۱۵۶ بقره). پذیرفتن روح و قایل شدن به ماهیت «از اویی» و «به سوی اویی» برای انسان در گشودن گره بسیاری از مسائل از قبیل هویت‌یابی بسیار مؤثر است. در نظر داشتن تصویر روحانی برای انسان، او را از پایبندی به خاک می‌رهاند و سلامت هویت را در او هموار می‌سازد.

امام خمینی نقش اصلی را در تکوین شخصیت و هویت انسان به عوامل غیرسرشتی می‌دهد. از دیدگاه او عوامل محیطی بیشترین تأثیر خود را در زمان کودکی فرد می‌گذارند، زیرا کودک از شرایط مساعدتری برای رشد برخوردار است (امام خمینی، ۱۳۷۶). امام خمینی (ره) می‌فرماید: «منظور از فطرت پاک، همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت توحید است. این تربیت‌هاست که فطرت را شکوفا یا جلوی شکوفایی آن را می‌گیرد» (ص. ۲۸، امام خمینی، ۱۳۷۶).

از نظر آیت الله جوادی آملی هویت انسان ثابت و پایدار است و تغییرات وجودی انسان عرضی است، نه ذاتی و ساختار اصلی هویت انسانی تغییرناپذیر است، گرچه احتمال تغییر موضعی برخی از عناصر هویتی او وجود دارد. هویت انسان به عنصر اصلی اوست که فطرت خدایی، خداخواهی و خداپرستی است و این فطرت الهی هرگز زوال‌پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۴).

کسی که احراز هویت نکرده و توان سازگاری ندارد، همواره افسرده خاطر و متأثر است و از محرومیت خود رنج می‌برد. عواطف یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت است. یکی از این عواطف خشم است (اکبرزاده، ۱۳۷۶). خشم یکی از حالات عاطفی و هیجانی انسان است که از همان سال‌های اولیه کودکی ظاهر می‌شود. در تعریف خشم می‌توان گفت: حالت برانگیختگی که در انسان ایجاد می‌شود برای کنار زدن موقعیت آزاردهنده و یا تهدیدآمیزی است که فرد از آن نفرت دارد (اعرافی، ۱۳۷۹). خشم می‌تواند اثرات فیزیکی از قبیل افزایش ضربان قلب، فشار خون، و سطح آدرنالین و نورآدرنالین به همراه داشته باشد (دجی‌زپ^۱، ۲۰۰۶). به‌نظر می‌رسد قصد و نیت در پرخاشگری دخالت دارد و هر کس از نیت خود، آگاه است. بدین ترتیب، اگر فرد رفتار خشنی را برای هدفی از روی عمد انجام دهد، رفتار وی پرخاشگرانه است، چه از عواقب آن آگاه باشد و چه نباشد (بی‌ریا، ۱۳۷۵).

بر اساس نظریه‌های زیستی در حالت خشم تغییرات زیست‌شناختی گوناگونی در انسان و حیوان صورت می‌گیرد (کریمی، ۱۳۸۲). پاسخ‌های فیزیولوژیکی به خشم عبارتند از: افزایش ضربان قلب، آماده شدن فرد به حرکت، و افزایش جریان خون در دست‌ها و آماده‌سازی آنها برای حمله و تعریق (اکمن^۲، ۲۰۰۴). از نظر فروید تکانه‌هایی در فرد پدید می‌آید که هر لحظه افزایش یافته و متراکم می‌شود و اگر

1- DiGiuseppe

2- Ekman

تخلیه نشود، سطحش بالا رفته و به صورت رفتار پرخاشگرانه بروز می‌کند (آذربایجانی، ۱۳۸۷). در نظریه یادگیری اجتماعی^۱ گفته می‌شود که پرخاشگری هیچ فرقی با سایر پاسخ‌های آموخته شده ندارد. پرخاشگری می‌تواند از طریق مشاهده یا تقلید آموخته شود (خداپناهی، ۱۳۷۶). نظریه شناختی اجتماعی^۲، پرخاشگری را برخاسته از رشد شناختی می‌داند. توانایی درک فعالیت‌های متفاوت و فهم علل رفتار دیگران، به توان شناختی اجتماعی بستگی دارد. به عقیده نواکا^۳ «وقایع محیطی به تنهایی برانگیزاننده خشم نیستند، بلکه آنها فقط زمانی خشم را برمی‌انگیزند که توسط دستگاه‌های شناختی دریافت شوند و از صافی این دستگاه عبور کنند» (ابوالمعالی، ۱۳۸۹). در متون دینی اسلامی، خشم را به «غضب و غیظ» تعبیر می‌کنند. عملکرد انسان‌ها در برابر نیروی خشم، بر سه نوع است: تفریط، افراط و میانه‌روی. تفریط عبارت است از ضعف یا نداشتن نیروی خشم که پسندیده نیست. نتیجه ضعف این قوه، عدم حساسیت به امور نامشروع، پستی و حقارت نفس و سکوت در برابر زشتی‌هاست (جعفری، ۱۳۸۴). امام خمینی (ره) درباره تفریط در خشم و غضب می‌فرماید: «آنها که گمان کردند کشتن قوه غضب و خاموش کردن آن از کمالات و معارج نفس است، خود خطایی بزرگ و خطیئه عظیمه‌ای کردند و از حد کمال و مقام اعتدال غافل‌اند. بیچاره‌ها ندانند که خدای تبارک و تعالی در جمیع سلسله حیوانات این قوه شریفه را عبث خلق نفرموده و در بنی آدم این قوه را سرمایه زندگانی ملکی و ملکوتی و مفتاح خیرات و برکات قرار داده است. حفظ تجاوزات و تعدیات و حدود و ثغور و دفع مودیات و مضرات از جامعه و شخص در زیر پرچم این قوه انجام گیرد» (امام خمینی، ۱۳۷۶). در حالت میانه‌روی، خشم به جا و به موقع از انسان صادر می‌شود؛ به گونه‌ای که از حد شرع و عقل خارج نمی‌شود، بلکه تابع آنهاست (شبر، ۱۳۷۹). افراط در غضب آن است که: «قوه غضب چنان بر صاحبش مسلط شود که از اختیار عقل و شرع خارج گردد در این صورت بصیرت از انسان سلب شده و قدرت تفکر را از دست می‌دهد اختیار نفس از کف او خارج می‌گردد (ص. ۲۴۸). باید در جایی که لازم است، غضب بروز کند و در جایی که کنترل خشم لازم است انسان بتواند آن را کنترل کند و طوری نباشد که انسان را از حال اختیار خارج کند. آنچه مورد رضای خداست همین است که غضب در اختیار انسان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹). در آیات و روایات موارد بسیاری وجود دارد که نهی از خشم بیهوده و امر به کنترل کردن و در اختیار گرفتن آن می‌کند. خداوند در بیان صفات پرهیزکاران می‌فرماید: «...وَ الْكٰظِمِیْنَ الْغٰیظِ وَ الْغَافِقِیْنَ عَنِ النَّاسِ...» و خشم و غضب فرو نشانند و از بدی مردم درگذرند... (۱۳۴ آل عمران). که به

1- Social Learning Theories
3- Novaca

2- Social Cognitive Theories

فرموده علامه طباطبایی: کلمه (کظم) به عنوان استعاره در مورد انسانی استعمال شده که پر از اندوه و خشم باشد؛ لیکن مصمم است که خشم خود را ابراز ننماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴) آیت‌الله مهدوی کنی می‌فرماید: «از آنجا که غضب کلید هر کار شرّ و ناروایی به‌شمار می‌رود، اگر کسی خود را کنترل کند و خشمگین نشود از تمام فتنه‌ها و زیان‌ها محفوظ می‌ماند» (کلینی، ۱۲۷۴). در بیان فواید کنترل خشم در روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید: «من کظم غیظا و هو یقدر علی امضائه حشا الله قلبه امنا و ایمانا یوم القیامه/ اگر کسی خشم خود را فرو ببرد در حالی که قادر به بروز اعمال آن است خداوند متعال روز قیامت او را از آرامش و طمأنینه بهره‌مند خواهد ساخت» (ص ۱۱۰) (واترمن^۱، ۲۰۰۷). بنابراین یکی از راه‌های در امان ماندن از خشم و غضب خداوند فرو خوردن خشم به هنگام عصبانیت است. واترمن در سال ۲۰۰۷ دریافت که هویت سردرگم به‌طور منفی با هر سه شکل (ذهنی، روان‌شناختی، بهزیستی ارزشی - معنوی) در ارتباط قرار می‌گیرد (امیری و همکاران، ۱۳۸۴). افراد با هویت سردرگم و دیررس نسبت به افراد با هویت موفق و زودرس از سلامت روانی کمتری برخوردارند (قربانی و همکاران، ۱۳۸۵). تحقیقات اخیر در مورد هویت، رابطه واضحی را میان هویت‌های پیشرفته‌تر (مثلاً دیررس و موفق) و مقیاس‌های مختلف رشد نشان داده‌اند. افراد با هویت موفق از لحاظ روانی حال خوبی داشته و سازگاری روانی سالمی دارند. از لحاظ کنار آمدن با مسائل، به نحو مناسب عمل نموده، کارآمدی شخصی بالایی نشان می‌دهند و میزان اضطراب پایین دارند. تحقیقات دیگر نشان داده‌اند افرادی که به هویت موفق می‌رسند، مشخصاتی از قبیل احترام به خود را در سطح بالا داشته و در مقابل استرس انعطاف‌پذیری دارند و مقاوم هستند و تصمیم‌گیری‌های سنجیده و متفکرانه می‌نمایند و نسبت به آن متعهداند (اکبرزاده، ۱۳۷۶). با توجه به مطالب مطرح شده، سؤال مورد نظر در این پژوهش این است که کدام‌یک از ابعاد کنترل خشم (فکر، احساس و رفتار) بر اساس سبک‌های هویت پیش‌بینی می‌شوند؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی و جامعه آماری دربرگیرنده مدارس دخترانه منطقه ۱۴ آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۲ بود. نمونه به‌روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. ابتدا دو مدرسه از مدارس منطقه ۱۴ انتخاب و سپس از هر منطقه ۲ مدرسه انتخاب شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه^۲ پرخاشگری^۳ و سبک هویت^۳ استفاده شد.

1- Waterman
3- Identity Styles Questionnaire

2- Anger Control Questionnaire

ابزار

۱- **پرسشنامه پرخاشگری AGQ**: این پرسشنامه توسط ارنولد یاس و مارک پری طراحی شده است و مشتمل بر ۳۰ ماده است و نمره‌گذاری آن در طیف لیکرت صورت می‌گیرد و سه مؤلفه رفتار، فکر و احساس پرخاشگرانه را می‌سنجد. روایی این مقیاس مورد بررسی اساتید رشته‌های روان‌سنجی قرار گرفته است. پایایی این آزمون توسط اللهیاری (۱۳۷۶) ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه معادل ۰/۷ محاسبه شد.

۲- **پرسشنامه سبک هویت ISI6G**: پرسشنامه سبک هویت سه سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و سردرگمی اجتنابی را بررسی می‌کند و ۴۰ آیتم دارد و بر اساس روش لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. برزونسکی پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ در بعد اطلاعاتی ۰/۶۲، در بعد هنجاری ۰/۶۶ و در بعد سردرگم - اجتنابی، ۰/۷۳ گزارش شده است. به‌علاوه با استفاده از روش تحلیل عاملی ۵۳ درصد از واریانس آزمون توسط عامل‌های آن تبیین می‌شود (برزونسکی و نرمی^۱، ۲۰۰۳).

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. بدین منظور پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها با استفاده از دامنه دو شاخص کجی و کشیدگی از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده شد.

جدول ۱

پیش‌بینی نمره کل کنترل خشم و ابعاد آن بر اساس سبک‌های هویت

متغیر وابسته	R	R ²	تعدیل شده R ²	F	Sig
نمره کلی کنترل خشم	۰/۳۹۳	۰/۱۵۴	۰/۱۲۳	۴/۶۱۴	۰/۰۲
بعد رفتاری کنترل خشم	۰/۳۲	۰/۱۰۳	۰/۸۹	۲/۹	۰/۰۲۶
بعد فکری کنترل خشم	۰/۴۹	۰/۱۷۹	۰/۱۵۵	۴۹/۵	۰/۰۰۰
بعد احساسی کنترل خشم	۰/۲۸۸	۰/۰۸۹	۰/۰۵	۲/۳	۰/۰۶۵

با توجه به اطلاعات جدول ۱ می‌توان گفت که همبستگی چند متغیره بُعد احساسی کنترل خشم با سبک‌های هویت معنادار نیست. اما همبستگی نمره کلی کنترل خشم و بُعد رفتاری و فکری آن با کنترل خشم معنادار است. با توجه به معنادار نبودن همبستگی بُعد احساسی کنترل خشم و سبک‌های هویت، و با توجه به اینکه هیچ یک از سبک‌های هویت نتوانستند بُعد احساسی خشم را پیش‌بینی کنند، در جدول ۱ پیش‌بینی دو بُعد فکر و رفتار و نمره کلی کنترل خشم بر اساس سبک‌های هویت گزارش شده است.

1- Nurmi

جدول ۲

پیش‌بینی کنترل خشم و دو بعد فکری و رفتاری آن بر اساس سبک‌های هویت

متغیرهای پیش‌بینی کننده	نمره کلی کنترل خشم			کنترل خشم در بُعد رفتار				کنترل خشم در بُعد فکر		
	Sig	T	B	Sig	T	B	B	Sig	T	B
مقدار ثابت			۳۵/۹۲۲			۱۲/۰۳				۳/۴۰۲
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۴۹۳	۱/۳۹	-۰/۶۶	۰/۳۰۶	-۱/۰۳	-۰/۱۰۱	-۰/۱۳۸	۰/۱۴۲	۰/۴۸۱	-۰/۰۲۳
سبک هویت هنجاری	۰/۵۸۹	-۰/۷۳	۰/۰۵۴	۰/۵۴۷	-۰/۶۰۴	-۰/۰۶۲	-۰/۱۴۶	۰/۱۴۲	۰/۴۸۱	-۰/۰۶۶
سبک هویت سردرگم-اجتنابی	۰/۰۱	۱/۹۸	۰/۳۴۹	۰/۰۰۹	۲/۶۷۴	۰/۲۷۲	۰/۶۷۷	۰/۰۰۱	۳/۳۴۴	۰/۳۲۶

با توجه به اطلاعات جدول ۲ می‌توان گفت که نمره کلی کنترل خشم دو بُعد فکر و رفتار آن توسط سبک هویت اجتنابی قابل پیش‌بینی است، اما سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری قادر به پیش‌بینی کنترل خشم و ابعاد آن نیستند و سبک هویت سردرگم - اجتنابی در پیش‌بینی بُعد رفتاری سهم بیشتری از پیش‌بینی بُعد فکری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از این بود که فکر و رفتار پرخاشگرانه توسط سبک هویت سردرگم پیش‌بینی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش واترمن^۱، ۲۰۰۷ و آرچر (۱۹۸۲) و برزونسکی و آدامز (متقی‌فر، ۱۳۸۳) همخوان است.

در دیدگاه برزونسکی افراد با هویت سردرگم - اجتنابی معمولاً انتظار شکست و ناکامی را ندارند و به دلیل عدم انعطاف‌پذیری و اعتماد به دیگران و ضعف در برقراری روابط صمیمانه، با مشکلات اجتماعی و تحصیلی زیادی روبه‌رو می‌شوند و معمولاً قبل از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب دارند. در این سبک نوجوان به‌ندرت می‌تواند تکانه‌های هیجانی مانند خشم را کنترل نمایند (متقی‌فر، ۱۳۸۳).

توجه به خود، به‌عنوان عامل مهمی در شکل‌دهی هویت و کنترل رفتار در اسلام نیز مطرح است. در تفسیر نمونه آمده است: «فراموش کردن خدا سبب خودفراموشی می‌شود و فرد واقعیت و هویت انسانی خویش را فراموش می‌کند. چنین انسانی تا سرحد یک حیوان درنده سقوط می‌کند» (ص ۵۴۱) (طباطبایی، ۱۳۷۴).

ضربه‌ای که در اثر بی‌هویتی بر عزت‌نفس آدمی وارد می‌شود، بستر را برای هر شرّ و فسادی آماده می‌گرداند؛ زیرا از کسی که برای خویشتن ارزشی قائل نباشد، نمی‌توان انتظار داشت به حریم دیگران احترام بگذارد (نراقی، ۱۳۷۸). هویت دینی به افکار و رفتار انسان صبغه الهی می‌بخشد و آنها را با دستورات دین هماهنگ می‌سازد. به‌عنوان مثال، داشتن جهان‌بینی الهی سبب می‌شود، قدرت و عظمت خداوند برای انسان جلوه‌گر شود و خود را مخلوقی ناچیز می‌یابد و به پیروی از اوامر الهی ملزم می‌کند. توجه به ضعف انسانی و قدرت بی‌نهایت خداوند و ترس از غضب او، پرهیز از خشم را در انسان تقویت می‌نماید. مرحوم نراقی می‌فرماید: «به‌یاد آوری که تسلط و قدرت خدا بر تو، قوی‌تر و بالاتر است از قدرت تو بر این ضعیفی که بر او غضب می‌کنی، پس بترس و حذر کن از این که چون تو غضب خود را بر او جاری سازی، خداوند قهار نیز در دنیا و آخرت غضب خود را بر تو جاری بکند».

1- Waterman

در نظریه شناخت اجتماعی تصریح شده است که نقائصی در پردازش کنترل هیجانی در کنترل هیجان‌ها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد، افرادی که در شناخت اجتماعی نقص دارند، به سبب استفاده از راهکارهای نامناسب برای حل مسایل روزمره اغلب قادر به کنترل هیجان خشم نیستند (ابوالمعالی، ۱۳۸۹). با توجه به مطالب مطرح شده پیشنهاد می‌شود نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های هویت در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه توسط روان‌شناسان مورد توجه قرار گیرد.

References:

مراجع:

- آذربایجانی، مسعود و جمعی از مؤلفان (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: حوزه و دانشگاه.
- آلن، رابرت (۱۳۸۸). کنترل خشم. (ترجمه بهزاد رحمتی). تهران: قاصدک صبا.
- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۸۹). نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری. تهران: ارجمند.
- اعراف، علیرضا؛ حاجی آبادی، محمدعلی؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۷۹). تربیت اسلامی. قم: نشر تربیت اسلامی.
- اکبرزاده، نسرین (۱۳۷۶). گذر از نوجوانی به پیری (روان‌شناسی رشد و تحول). تهران: مؤلف.
- الهیاری، عباسعلی (۱۳۷۶). تعیین پرخاشگری نوجوانان بر حسب مؤلفه‌های شخصیت و بررسی رابطه این مؤلفه‌ها و سطح پرخاشگری با مؤلفه‌های شخصیتی پدران و تأثیرانگاری تنیدگی‌زدایی بر پرخاشگری. پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
- امیری، شعله و همکاران (۱۳۸۴). «رابطه بین پیش‌بیننده‌های شخصیتی (اضطراب، عزت‌نفس، جایگاه مهار) با انواع هویت‌یابی». دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۲۵، ۵۷-۷۴.
- بی‌ریا و جمعی از مؤلفان (۱۳۷۵). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: حوزه و دانشگاه.
- جعفری، زینب (۱۳۸۴). «راه‌های مقابله با خشم». گنجینه، ۵۴، ۱۳-۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). شریعت در آینه معرفت. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.
- خداپناهی، محمدکریم (۱۳۷۶). انگیزش و هیجان. تهران: سمت.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶، الف). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶، ب). صحیفه نور. تنظیم: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. تهران: سروش.
- شبر، عبدالله (۱۳۷۹). کتاب الاخلاق. (ترجمه محمدرضا جباران). قم: مؤسسه نشر هجرت.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قربانی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت سبک‌های هویت‌یابی و رابطه آن با سلامت عمومی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی». مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۲۶، ۱۷۵-۱۵۳.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: ارسباران.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۲۷۸). اصول کافی. تهران.
- متقی‌فر، غلامرضا (۱۳۸۳). «هویت و بحران هویت با تأکید بر دوران جوانی». معرفت، ۸۷، ۸۶-۱۰۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). اخلاق در قرآن. ج ۳. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (علیه السلام).
- نجاتی، حسین (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد. تهران: بیکران.
- نراقی. احمد (۱۳۷۸). معراج السعاده. قم: هجرت.
- Archer, S. L. (1982). The lower age boundaries of identity development. *Child Development*, 53, 1551-1556.
- Beaumont, S. L. (2009). Identity Processing and Personal Wisdom: An Information Oriented Identity Style Predicts Self Actualization and Self-Transcendence. *An International Journal of Theory*. DOI: 10.1080/15283480802669101.
- Berzonsky, M. D., Nurmi, M. (2003). Inter-relationships among identity process, content and structure: a cross-cultural investigation. *Journal of Adolescent Research*, 18, 112-130.
- DiGiuseppe, R. (2006). *Understanding Anger Disorders*. Oxford University Press.
- Ekman, Paul. *Emotions Revealed: Recognizing Faces and Feelings to Improve Communication*, Holt Paperbacks, p.63.
- Waterman, A. S. (2007). Doing well: The relationship of identity status to three conceptions of well-being. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 7, 289-307.

اختلال یا ناراضی‌گی جنسیتی: گزارش موردی

Disorder or Gender Dysphoria: A Case Report

Yasaman Ketabi, M.D. student *

University of Shahid Beheshti, Iran

Simin Bashardoost, Ph.D.

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

یاسمن کتابی

دانشگاه شهید بهشتی، ایران

دکتر سیمین بشردوست

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

Abstract: The aim of this study was to present a case of gender identity disorder (GID) which is called dysphoria identity in DSM-5. Method of study was case study a type of qualitative study. Using qualitative method besides quantitative ones and description of biological, familial, social, and cultural circumstances play an important role in figuring out the probable causes and therefore appropriate preventional measures and treatment. by interviewing and exploring the growth environment we concluded that the following factors played crucial roles in the history of the disorder: being influenced by behavioral model of opposite sex, receiving social reinforcement of opposite sex, male dominant family environment, receiving positive feedback in men's clothes and behaviors.

چکیده: این گزارش با هدف معرفی موردی از اختلال هویت جنسیتی که در DSM-5 تحت عنوان ملال جنسیتی (ناراضی‌گی جنسیتی) عنوان شده است، انجام گرفت. روش پژوهش مطالعه موردی (case study). یکی از انواع پژوهش کیفی بود. استفاده از روش‌های کیفی در کنار پژوهش‌های کمی و توصیف کامل از مجموعه شرایط زیستی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و غیره امکان شناسایی بستر چنین اختلال‌هایی را فراهم آورده و به دنبال آن پیشگیری و درمان‌های مناسبی را ایجاد می‌کند. با مصاحبه و ثبت دقیق شرایطی که فرد مذکور در آن رشد یافته بود این نتایج حاصل شد: از میان متغیرهای مورد بررسی "اختلال در همانندسازی در نتیجه طلاق مادر در سن کودکی"، "تأثیرپذیری از الگوی رفتاری غیرهمجنس، محیط خانوادگی مردانه، پدر، برادر، و همسالان پسر فامیل"، "دریافت برجسب اجتماعی جنس مخالف از سوی دیگران، بازخورد مثبت در رفتار کردن و لباس پوشیدن پسرانه" در تاریخچه زندگی او بسیار برجسته بود.

*yac_kt@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: اختلال هویت جنسیتی؛ نارضایتی جنسیتی
Keywords: gender identity disorder;
gender identity dysphoria

میل جنسی و جنسیت حوزه‌ای بسیار بحث‌انگیز است و به ایجاد اصطلاحات متفاوتی منجر شده که معانی برخی از آنها با گذشت زمان تغییر کرده است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳). برای اکثر انسان‌ها هویت جنسی^۱ یک واقعیت است و به غدد جنسی، کروموزوم‌ها و اندام تناسلی مربوط می‌شود. در حالی که جنسیت^۲ به شیوه رفتار کردن افراد مطابق با جنس فیزیولوژیک آنها اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر هویت جنسی به تفاوت‌های بدنی و هویت جنسیتی به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی، و فرهنگی اشاره دارد. به‌طور کلی هویت جنسیتی احساسی است که فرد از مرد یا زن بودن خود دارد (گنجی، ۱۳۹۲). پیدایش هویت جنسی از دوران کودکی در نظریه‌های گوناگون به گونه متفاوت مطرح می‌شوند. در دیدگاه یادگیری اجتماعی، کودکان ابتدا از طریق سرمشق‌گیری و تقویت، رفتارهای منطبق با جنسیت و نقش جنسی را فرا گرفته، سپس عقاید مرتبط با جنسیت را درباره خویش سازماندهی می‌کند. در مقابل نظریه شناختی - رشدی مطرح می‌کند که قبل از این که کودکان رفتار نقش جنسی را پرورش دهند، باید بر ثبات جنسیت تسلط یابند؛ به این معنی که آگاهی از مبنای زیستی جنسیت و ثبات جنسیت علت رفتار نقش‌یابی کودکان است. در نظریه طرحواره جنسی، ویژگی‌های دیدگاه یادگیری اجتماعی و شناختی - رشدی ترکیب می‌شوند. در این نظریه که یک رویکرد پردازش اطلاعات به نقش‌یابی جنسی است، فشارهای محیطی و شناخت کودکان با هم در شکل‌گیری نقش جنسی اهمیت دارند. تقریباً هر کودکی تا سن ۲ تا ۳ سالگی اعتقاد محکمی درباره زن یا مرد بودن خود پیدا می‌کند. ولی گاه هویت جنسیتی مسیری را طی می‌کنند که با هویت جنسی یا زیستی افراد هماهنگی ندارد. در این شرایط گفته می‌شود که فرد دچار اختلال هویت جنسیتی است. در طبقه بندی DSM-IV این شرایط تحت عنوان اختلال هویت جنسی (GID) نام برده می‌شد. اما بعد از سال‌ها اعتراض از سوی افراد متعلق به جامعه ناراضیان جنسیتی (با نام‌های متفاوتی مانند تبدیل‌خواه، دگر جنس‌خواه، گذر جنسی، ناراضی جنسی و ...) که اصطلاح اختلال هویت جنسی را تحقیرآمیز می‌دانستند، انجمن روان‌پزشکی آمریکا تصمیم گرفت در DSM-5 نام آن را به نارضایتی جنسیتی (ملال جنسیتی) تغییر دهد. با توجه به رویکردهای موجود با معرفی موردی از اختلال هویت جنسیتی

1- sexual identity

2- gender identity

(نارضایتی جنسیتی)، و مطالعه عمیق شرایط رشد فرد مورد نظر سعی در شناخت زمینه و بستر به‌وجود آمدن این اختلال شد.

پژوهش‌های بسیاری درباره نقش عوامل زیستی و محیطی در به‌وجود آمدن این اختلال تاکنون انجام شده اما پژوهشی که توسط جوزف^۱ و همکاران (۲۰۱۳) است منحصر به‌فرد و بسیار جالب است. این مطالعه از معدود گزارش‌های اختلال رشد جنسی^۲ (DSD) است که نیمرخ روان‌شناختی ارزیابی بالینی سه جفت دوقلوی بزرگسال با کاربوتایپ xy DSD، 46 به دلیل سندروم عدم حساسیت به آندروژن^۳ (PAIS) را مطرح می‌کند. لازم به توضیح است که بیماران مبتلا به PAIS، آندروژن کافی دارند، اما به دلیل اشکال در گیرنده‌های آندروژن دچار اختلال رشد جنسی می‌شوند. این پژوهش نقش پیچیده محیط و وراثت را در اختلال هویت جنسیتی به‌خوبی روشن می‌سازد. در اختلال رشد جنسی زنانه یا مردانه بودن اندام جنسی مشخص نیست، دوقلوهای مذکور با شرایط فیزیولوژیکی مشابه ولی با شرایط محیطی متفاوت رشد کردند.

دوقلوی بزرگ‌تر که ۲۲ سال داشتند به‌عنوان زن و دوقلوی وسط ۱۸ ساله به‌عنوان مرد تربیت شدند. اگر هویت جنسیتی با جنسی که پرورش یافته بودند؛ هماهنگ بود، نارضایتی جنسیتی وجود نداشت. پریشانی روان‌شناختی بیماران، مربوط به محدودیت‌های شرایط پزشکی‌شان بود. آنها جنبه‌های گوناگون زن یا مرد بودن را به‌طور کامل تجربه نکرده بودند. دوقلوهای جوان‌تر که به‌عنوان مرد تربیت شده بودند، مشکل مضاعفی داشتند که ناشی از بزرگ شدن سینه‌ها^۴ و فقدان رشد خصوصیات ثانویه جنسی بود. از آنجا که نظام حقوقی ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر عمل جراحی تغییر جنسیت را مجاز می‌داند، اما نتایج پژوهش‌ها در نظر گرفتن نقش عوامل محیطی را حتی در شرایطی که زمینه‌های فیزیولوژیکی آشکار است را غیر قابل انکار و ضروری می‌سازد. چنانچه در مورد پرویز نمونه گزارش شده، تاریخچه رشد نشان داد که غیبت مادر فرآیند همانندسازی او را با مشکل مواجه ساخت. همچنین میزان و شدت روابط کودک با همسالان همجنس در کودکی رابطه معکوس و معناداری با اختلال هویت جنسیتی دارد. شرایط زندگی مورد مذکور به‌گونه‌ای بوده که همبازی‌های او را صرفاً پسرهای همسال تشکیل می‌دادند. از جمله شرایط محیطی دیگر بازخورد مثبت اطرافیان در مقابل سبک لباس پوشیدن و رفتار کردن مردانه بود، از جمله عوامل اجتماعی که در بسیاری از فرهنگ‌ها وجود دارد، تقویت رفتارهای مردانه در دختران

1- Joseph
2- disorders of sexual development
3- partial androgen insensitivity syndrome
4- gynecomastia

است. بکر^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان "ویژگی‌های دموگرافیک کودکان مبتلا به نارضایتی جنسیتی" مطرح می‌کنند که با توجه به تقاضای روزافزون مشاوره نارضایتی جنسیتی در آلمان توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی این کودکان بایستی از اولویت‌های پژوهشی باشد. نتیجه نشان داد که دختران با مراجعه بیشتر در سن نوجوانی و با میزان افکار خودکشی بیشتر نسبت به پسران رویکردهای متفاوتی را در درمان می‌طلبند. ایمان و حائری در بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان به ارائه مدلی در این رابطه پرداخته که از میان متغیرهای موجود در تحلیل مسیر هویت جنسیتی به‌طور مستقیم تحت تأثیر علاقه به خانواده قرار گرفته و خانواده منسجم و روابط خانوادگی مستحکم و نقش‌های عادلانه والدین و متناسب بودن نقش‌ها به‌عنوان پدر یا مادر با هویت انسانی در هویت جنسیتی دختران مؤثر بوده است. توسلی، حسینیان، و صابری (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر در تسریع اقدام به عمل جراحی تغییر جنسیت در افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی" علل اجتماعی را در میزان تسریع اقدام افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی مؤثر دانسته و یکی از مهم‌ترین علت‌ها عدم حضور یکی از والدین یا هر دو را عنوان کردند.

روش

این پژوهش از جمله پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خانواده، دوستان، تعدادی از خویشاوندان و نیز دفترچه خاطرات مورد انجام گرفت. موردی که در این گزارش به دلیل رعایت موازین اخلاقی پژوهش و رازداری، پرویز نامیده می‌شود؛ ۴۴ ساله است و با کاربو تایپ XX است، ولی به دلیل عدم همخوانی جنسیت بیولوژیک او، با احساسی که او از این جنسیت داشت با تلاش‌های چند ساله هورمون درمانی و جراحی در حال حاضر به‌عنوان یک مرد مشغول به زندگی است.

شرایط خانوادگی پرویز: مادر پرویز هنگامی که او دو ساله بوده طلاق می‌گیرد و ازدواج مجدد می‌کند. پرویز با برادر و پدر زندگی می‌کند. پدر نیز ازدواج مجدد می‌کند و او صاحب خواهر می‌شود. کمی بعد نامادری و خواهر آنها را ترک کرده و به خارج از کشور می‌روند. همبازی‌های پرویز در هنگام کودکی؛ پدر، برادر و دوستان برادر و عمدتاً پسر عمه و پسر عموها و... بودند. به‌زودی او خود را با این شرایط سازگار می‌کند. برای تنها نماندن شروع به پوشیدن لباس‌های پسرانه، کوتاه کردن موی سر و رفتار به گونه یک پسر می‌کند. این گونه رفتارها با تقویت‌های

1- Becker

اطرافیان مواجه می‌شود. با وجود ظاهر زیبا و ظریف دخترانه، رنگ پوست سفید و موی بلوند اطرافیان با گفتن اینکه تو باید مرد می‌شدی رفتار و لباس پوشیدن او را مورد تقویت قرار می‌دادند. از آنجا که مرد بودن در جامعه و فرهنگ ما مثل بسیاری از فرهنگ‌های دیگر با واکنش مثبت روبرو می‌شود، در این مورد هم روز به روز این رفتارها به موازات احساس عدم تعلق به جنسیت بیولوژیک واقعی، قوت گرفت؛ به طوری که منجر به اخراج مورد از دبیرستان شد. این شرایط در نبود عوامل زیستی مطرح شده در ارتباط با اختلال هویت جنسیتی (مانند استفاده از هورمون‌ها در طول دوران بارداری، تفاوت‌های ساختاری مغز با افراد عادی، عوامل ژنتیک مشخص در تاریخچه زندگی و کاربوتایپ XX) مشاهده می‌شد.

یافته‌ها

در انتها هنگامی که از پرویز سؤال شد نسبت به جنسیت کنونی و شرایطی که در حال حاضر داری چه احساسی داری؟ ضمن اظهار رضایت از شرایط کنونی و اطمینان از تغییر جنسیت، بزرگترین مشکل خود را چنین عنوان کرد "بزرگ‌ترین مشکل من اینه که بارها با قصد ازدواج با دختری آشنا شدم اما وقتی رابطه جدی شد و با خانواده دختر مورد علاقه وضعیت جسمانی خود را مطرح کردم، آنها این شرایط را نپذیرفته و دوستی‌ام خاتمه پیدا کرد، ای کاش خانواده‌ها شرایط ما را درک می‌کردند. به این ترتیب من همیشه تنها هستم." برادر پرویز از این شرایط بسیار ناراحت است، هرچند که این موضوع را اظهار نمی‌کند؛ ولی همسر او مطرح می‌کند این ناراحتی بسیار عمیق است. در بهترین شرایط که فرد از تصمیم خود برای جراحی اظهار پشیمانی نمی‌کند و خانواده نیز با پذیرش او مشکلی ایجاد نمی‌کنند، ولی هنوز دشواری‌ها برای خود و خانواده بسیار آزاردهنده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش گزارشی از یک مورد اختلال هویت جنسیتی (GID)، که در DSM-5 تحت عنوان (نارضایتی جنسیتی) ذکر شده، ارائه شد. بررسی تاریخچه دقیق زندگی او از طریق مصاحبه عمیق با خود و خانواده و اطرافیان متغیرهای مهم در ارتباط با نارضایتی جنسیتی فرد مذکور را شناسایی کرد. از جمله متغیرهای مهم، فقدان یکی از والدین به دلیل طلاق والد همجنس بود. این نتیجه با پژوهش مید و راکرز به نقل از بهروان و بیانی (۱۳۹۰) همسو بود. آنها در پژوهشی با عنوان شناخت عوامل مؤثر بر اختلال هویت جنسی چنین نتیجه گرفتند که نبود یکی از والدین به دلیل (طلاق، مرگ و...) فرآیند همانندسازی الگوهای رفتاری را در

کودکان با مشکل مواجه می‌سازد. پژوهش در نمونه دانشجویان تایوانی نیز حاکی از ارتباط نارضایتی جنسیتی با نارضایتی خانوادگی و عدم رضایت از سبک فرزندپروری بود. منگ - چان^۱ و همکاران (۲۰۱۰) همچنین میزان تأثیرپذیری از الگوی رفتاری غیرهمجنس در شرایط رشد مورد مذکور کاملاً مشهود بود، به طوری که همبازی‌های همسال او صرفاً پسران خویشاوند و برادر بزرگتر او بودند. از آنجا که عنوان می‌شود میزان و شدت روابط کودک با همسالان همجنس در دوران کودکی رابطه معکوس و معناداری با میزان اختلال هویت جنسیتی دارد، به این معنا که هر چه ارتباط فرد با همسالان همجنس کمتر باشد، میزان اختلال هویت جنسی و تمایل به انجام رفتارهای جنس مخالف بیشتر است نوریان، دولتشاهی، و رضایی (۱۳۸۷)، نتیجه این پژوهش نیز مؤید این مطلب بود. دریافت برچسب جنس مخالف از سوی دیگران از جمله متغیرهای موجود در تاریخچه زندگی فرد مذکور بود. به این صورت که لباس پسرانه پوشیدن و رفتار کردن و حرف زدن به گونه یک پسر با واکنش مثبت و تقویت اطرافیان روبرو می‌شد، واکنشی که در بسیاری از فرهنگ‌ها از جمله ایران مشاهده می‌شود. احساس عدم رضایت از کنش اجتماعی با همسالان نیز از جمله مواردی است که در تاریخچه تحصیلی او مشاهده و منجر به اخراج از دبیرستان دخترانه شده است. به طور خلاصه با وجود کاربوتایپ XX مجموعه عوامل اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی در نبود عوامل فیزیولوژیک و مقایسه با شرایطی که در سه قلوهای گزارش شده مشاهده شد؛ می‌توان نتیجه گرفت که حتی در شرایطی که عوامل زیستی مشهود است نقش متغیرهای محیطی انکارناپذیر است. جواهری و حسین‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان "پیامدهای اجتماعی اختلال هویت جنسی: سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی تغییر جنس‌خواهان در ایران" مطرح می‌کنند با وجود مجاز بودن عمل جراحی تغییر جنسیت در ایران نتیجه پژوهش آنها میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی آنان پایین‌تر از حد مورد انتظار بوده و در انتها ضمن احترام به تصمیم و انتخاب مورد پژوهش حاضر، با مرور پژوهش‌های ذکر شده و توجه به عوامل اجتماعی تأثیرگذار در این اختلال یا نارضایتی و با وجود اظهار رضایت از عمل جراحی تغییر جنسیت کیس مورد نظر، در صورت مثبت بودن تمام پیامدهای تغییر جنسیت، این مشکل هنوز باقی است که آنها قادر به ازدواج و بچه‌دار شدن نیستند. چنانچه پرویز نیز از این شرایط شکایت داشت. از آنجا که برای ازدواج حاضر به دروغ گفتن نیست تا به حال هیچ خانواده‌ای حاضر به قبول شرایط او برای ازدواج با دخترشان نیستند و این مسئله سبب رنج او می‌شود. این نتایج توجه به جمعیت مورد نظر و

1- Meng-Chuan

مطالعه همه ابعاد زیستی و محیطی قبل از عمل جراحی را جهت بهزیستی روانی‌شان گوشزد می‌کند و تصمیم برای جراحی یا روان‌درمانی بسیار دشوار و درخور تأمل است. تغییر اصطلاح اختلال به نارضایتی از مسئولیت‌های روان‌شناسان در جهت دقت و تأمل در تمامی جوانب برای پیشگیری و درمان این اختلال نمی‌کاهد. از محدودیت‌های این پژوهش مانند سایر تحقیق‌های مطالعه موردی عدم تعمیم‌پذیری آن است و پیشنهاد می‌شود که با پژوهش‌های کمی همراه شود.

تشکر و قدردانی: لازم است از شرکت‌کننده و خانواده و دوستان ایشان که انجام پژوهش حاضر بدون همکاری آنها امکان‌پذیر نبود، تشکر شود. ملاحظات اخلاقی در این گزارش با کسب رضایت از شرکت‌کننده و پنهان ماندن هویت ایشان مراعات شد.

References:

مراجع:

- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی. (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: روان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان‌های ناحیه دو شیراز. *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۴، ۴۰-۷.
- بهروان، حسین. بیانی، فرهاد (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت اختلال هویت جنسی. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲، ۴۵-۱۹.
- توسلی، افسانه. حسینیان، اکرم. صابری، سید مهدی (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در تسریع اقدام به عمل جراحی تغییر جنسیت در افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی. *مجله پزشکی قانونی*، دوره ۲۰، ۲، ۲۶-۱۹.
- جواهری، فاطمه. حسین‌زاده، مرتضی (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی تغییر جنس‌خواهان در ایران. *مجله مطالعات اجتماعی در ایران*، دوره پنجم، ۳، ۲۲-۳.
- گنجی، مهدی (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی روانی*. تهران: ساوالان.
- نوریان، ناهید. دولت‌شاهی، بهروز. رضایی، امید (۱۳۸۷). بررسی اختلالات شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی مردان مبتلا به اختلال هویت جنسی. *مجله توانبخشی*، دوره ۹، ۱، ۵۵-۶۰.

- Becker, I., Gjergji, V., Romer, G., & Moller, B. (2014). Characteristics of children and adolescents with gender dysphoria referred to the Hamburg gender identity clinic. *Praxis Kinder Psychol Kinderpsychiater, 63*, 486-509.
- Joseph, A. A., Shabir, I., Marumadi, E., Dada, R., Ammini, A. C., & Mehta, M. (2013). Psychosexual outcomes in three siblings with partial androgen insensitivity syndrome impact of nature versus nurture. *Journal of Pediatric Endocrinology & Metabolism, 26*, 915-920.
- Meng-Chuan, L., Yen, N., Kenneth, D., Gadoww, S., Shur, F., Gau, H., & Gwo, H. (2010). Correlates of Gender Dysphoria in Taiwanese university students. *Archives of Sexual Behavior, 39*, 1415-1428

پیچیدگی و تحول در هویت ساختارهای فیزیکی و اجتماعی بر مبنای اصل انتروپی و تابع توزیع خی

Complexity and Evolution in the Identity of Physical and Social Structures, Upon the Entropy and Chi Distribution Function

Alireza Zieglari, Ph.D. *

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ایران Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran

Mohammadreza Seirafi, Ph.D.

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران Islamic Azad University, Karaj Branch, Iran

دکتر علیرضا زیگلری

دکتر محمدرضا صیرافی

Abstract: As we know, any change and evolution is associated with complexity. The complexity increases when the rate of change increases. When the size and number of events that changed around us are increasing, the complexity is also apparent. In other words, complexity is a dependent variable which depends on time. In order to determine the complexity, we need a purposeful, scientific, and defensible method. Moreover, we have to determine the law that illustrates in the best way the evolution of complexity. As much as the complexity in a major event has had a high degree of change, or the equilibrium lasted longer, the importance of that major event would be higher. Theoretical basis of this paper is based upon Entropy and Chi distribution law. The results of this paper can

چکیده: تغییر و تحول با پیچیدگی ارتباط دارد. پیچیدگی هنگامی افزایش پیدا می‌کند که سرعت تغییر و تحول افزایش پیدا کند و هر اندازه تعداد پدیده‌ها و رخدادهایی که در اطراف ما دچار تغییر و تحول می‌شوند، افزایش پیدا کنند، ماهیت پیچیدگی نیز آشکارتر می‌گردد. به بیان دیگر پیچیدگی متغیر وابسته‌ای است که به زمان وابسته است. تعیین پیچیدگی به مرور زمان، به روشی هدفمندانه، علمی و قابل دفاع نیاز دارد. علاوه بر این، وظیفه ما تعیین قانونی است که به بهترین شکل تکامل پیچیدگی به مرور زمان را در خصوص ماهیت هر پدیده از وقایع فیزیکی گرفته تا رخدادهای اجتماعی شرح دهد. هر چقدر که پیچیدگی در یک واقعه مهم مورد نظر، افزایش ناگهانی داشته باشد، و یا اینکه هر چقدر حالت تعادل طولانی‌تر باشد، اهمیت یک واقعه مهم، بیشتر خواهد بود. در این مقاله بر اساس اصل افزایش انتروپی و تابع توزیع خی، جهش‌های پیچیدگی وقایع مهم، در سرعت نمایی یکسان، که نزدیک به هم ادامه یافته‌اند در ۲۵ سال بعد از زمان حال، پیش‌بینی شده و مورد مطالعه نظری قرار

* a.zieglari@gmail.com

predict situation of 25 years later. According to the S diagram, analysis shows that the complexity of the nature of physical and social structure, with regard to the rational model, has grown and now has reached its midpoint.

گرفته‌اند. نتایج این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که پیچیدگی ماهیت ساختارهای فیزیکی و اجتماعی با توجه به الگوی منطقی، رشد داشته است و هم‌اکنون به نقطه میانی خود رسیده است. در حقیقت، رشد پیچیدگی پس از گذر از هفت مرحله به حداکثر میزان خود دست یافته است که هر کدام به خودی خود می‌تواند به‌عنوان یک زیر فرآیند رشد طبیعی تفسیر شود. هنگامی که میزان تغییر و تحول رو به کاهش می‌رود، انتظار می‌رود که زیر فرآیند بعدی یک گام رو به پایین پس از یک گام بالا - پایین منحنی S باشد.

Keywords: entropy; Chi distribution law; change and evolution; complexity and nature

کلیدواژه‌ها: انتروپی؛ قانون توزیع خی؛ تغییر و تحول؛ پیچیدگی و ماهیت

درست همانند وضعیت تعادلی نشانه‌گذاری شده، مقوله پیچیدگی از نظر فیزیکی، به‌عنوان مکان هندسی نقاط عطف تکاملی که به یک اندازه مهم هستند، تبیین و تفسیر می‌شود. قطعاً مجموعه‌ای از داده‌ها که از چنین نقاط عطفی که از یک سری منابع علمی استخراج شده‌اند، داده‌هایی در خصوص مهم‌ترین جهش‌های پیچیدگی بین انفجار بزرگ و امروزه را در زمینه‌های مختلف از فیزیک کوانتم گرفته تا تاریخ و فلسفه و از همه مهم‌تر هویت ساختارهای اجتماعی فراهم می‌کنند (مادلسکی^۱ و تامپسون^۲، ۱۹۹۶). پیش‌بینی جهش‌های پیچیدگی آتی از طریق متناسب کردن منطقی و نمایی داده‌ها با توجه به قانون دوم ترمودینامیک و تابع توزیع خی می‌توانند به‌دست آیند. کیفیت و ویژگی متناسب‌سازی‌ها و قضاوت‌های صحیح تأکید می‌کند که پیش‌بینی باید توسط تابع منطقی صورت پذیرد. این پیش‌بینی تصریح می‌کند که ما به حداکثر میزان رشد برای پیچیدگی در خصوص هویت ساختارهای مدنی دست پیدا کرده‌ایم، و در آینده میزان پیچیدگی تغییر و تحول هویت مقوله‌های مختلف اجتماعی رو به کاهش و نزول خواهد بود (فوکویاما، ۱۹۹۲). یک نتیجه و استنباط بر مبنای اصل انتروپی و تابع توزیع خی این است که ما تقریباً در نیمه راه دوره زندگی اجتماعی در این جهان هستیم. نتیجه‌گیری دیگر این است که میزان رشد پیچیدگی از طریق هفت زیرفرآیند تکاملی که به میزان بالایی بر

1- Modelski

2- Thompson

مبنای قانون دوم ترمودینامیک رسیده باشند و در نهایت توسط تابع توزیع منطقی به نمودار کشیده شوند، قابل تأویل و تفسیر است.

تغییر و تحول، همواره ویژگی جدایی‌ناپذیر و لاینفک زندگی بوده است. هراکلیتوس^۱، که به عنوان اولین متفکر غربی در باب مطالعه در این خصوص شناخته شده است، بیان کرد که شما هرگز نمی‌توانید در یک رودخانه دو بار قدم بگذارید. او با این گفته خود واقعیت تغییر و تحول مداوم را نشان می‌دهد. هراکلیتوس به قانون مسلّم و بی‌چون و چرای طبیعت استناد می‌کند که بر اساس آن همه چیز ناپایدار و تغییرپذیر است، همه چیز در حال تغییرات پی‌درپی است و در این اثنا نیز هویت ساختارهای فیزیکی و اجتماعی نیز با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شوند (جگرز^۲ و گور^۳، ۱۹۹۵). در عقاید فیزیکی، چنین قوانینی به قوانین جهانی منسوب می‌شوند، به‌عنوان مثال قانون دوم ترمودینامیک، که تصریح می‌کند که آنتروپی همیشه افزایش پیدا می‌کند و با بیان این واقعیت نشان می‌دهد که چرا هیچ حرکت بدون اصطکاکی وجود ندارد. در حقیقت، تئوری‌هایی وجود دارند که تجمع پیچیدگی را به پراکندگی آنتروپی یا گرمای از دست رفته مرتبط می‌کنند. در این مقاله نیز تغییر و تحول هویت ساختارهای اجتماعی که شاخص‌هایی چون علوم اجتماعی و تاریخ‌گویی این تغییر و تحول هستند، بر مبنای اصول فیزیکی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند (مارچتی^۴ و ناکیس‌نویک^۵، ۱۹۷۹).

تغییرات عمده موجود در هویت تکنولوژی، پزشکی و داروسازی، علوم رایانه و تبادل اطلاعات و دیگر ابعاد اجتماعی زندگی ما، برای هیچ کس عجیب و غریب نیست. پیشرفت، که بی‌تردید با دستاوردهای فنی پیوند خورده است، به‌طور پیشرونده و با سرعت رشد قابل ملاحظه‌ای دست پیدا کرده است. ویژگی‌نمایی الگوی رشد، تغییر و تحول چیز جدیدی نیست. از آنجایی که پیشرفت‌های عمده‌ای در علم برای بقاء نسل بشریت در تاریخ اخیر رقم خورده است، لیکن هویت ساختارهای اجتماعی در گذر تاریخ الزاماً رو به تکامل نبوده است. شگفتی‌هایی که در قرن بیستم و در طلیعه قرن اخیر مشاهده کرده‌ایم؛ از وقایع ۱۰۰۰ سال گذشته و به‌طور حتم قدیمی‌تر نشأت می‌گیرد. آنچه جدید است، این است که ما هم اکنون به دوره انفجار اطلاعات رسیده‌ایم، جایی که تغییر و تحول بسیار سریع بوده و ما نمی‌توانیم به‌طور شایسته آن را تعقیب کنیم. میزان تغییر و تحولی که ما هم اکنون با آن مواجه هستیم، در حال رسیدن به حد غیرقابل‌تصوری متنوع است. بسیاری از ما متوجه شدیم که مقابله با محیطی

1- Heraclitus
3- Gurr
5- Nakicenovic

2- Jagers
4- Marchetti

که به سرعت در حال تغییر و تحول است، بسیار دشوار است (مارچتی، ۱۹۷۹). اگر تغییر و تحول با سرعت تسریع‌کننده‌ای ادامه پیدا کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا قانون ریاضی دقیقی وجود دارد که بتواند تکامل و رشد تغییر و تحول و پیچیدگی در جهان را کنترل کند؟ و اگر یک چنین قانونی وجود دارد، این قانون تا چه اندازه جهانی و عمومی است؟ این قانون تا چه اندازه مفید بوده است و تا چه اندازه می‌توان از آن در پیش‌بینی رخداد‌های آتی استفاده کرد؟ اگر این قانون یک الگوی ساده تشریحی و نمایی را دنبال کند، بنابراین ما را به‌طور حتم به یک شگفتی حتمی و غریب‌الوقوع نزدیک خواهد کرد. اگر این قانون چیزی بیشتر از فرآیند رشد طبیعی باشد (الگوی منطقی)، بنابراین ما نمی‌توانیم از نقطه عطف آن، که همان حداکثر میزان تغییر و تحول ممکن در هر فرآیندی خواه فیزیکی و خواه اجتماعی باشد، دور شویم. اینجاست که مقوله تغییر و تحول هویت هر چیزی از مسایل فیزیکی گرفته تا مقولات اجتماعی مورد توجه واقع می‌شود.

تغییر و تحول با پیچیدگی ارتباط دارد. پیچیدگی هنگامی افزایش پیدا می‌کند که سرعت تغییر و تحول افزایش پیدا کند و هر اندازه تعداد پدیده‌ها و رخداد‌هایی که در اطراف ما دچار تغییر و تحول می‌شوند، افزایش پیدا کند، ماهیت پیچیدگی نیز آشکارتر می‌گردد. به بیان دیگر پیچیدگی متغیر وابسته‌ای است که به زمان وابسته است. تعیین پیچیدگی به مرور زمان، به روشی هدفمندانه، علمی و قابل دفاع نیاز دارد. علاوه بر این وظیفه ما تعیین قانونی است که به بهترین شکل تکامل پیچیدگی به مرور زمان را در خصوص ماهیت هر پدیده از وقایع فیزیکی گرفته تا رخداد‌های اجتماعی شرح دهد و پس از آن خط سیر آن در آینده را پیش‌بینی کند. این امر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان به‌طور منطقی سرعت تغییر و تحول هر مقوله‌ای را در آینده پیش‌بینی کرد. هرچند، بیان تعیین میزان پیچیدگی از انجام آن ساده‌تر است (فیشر^۱ و پری^۲، ۱۹۷۱).

توصیف پیچیدگی

ما نوشته‌ها و آثاری را با موضوع پیچیدگی، از دانشمندان تا کنون دیده‌ایم. با این حال هنوز یک تعریف رضایتمندانه و یک روش کاربردی برای اندازه‌گیری آن نداریم. امروزه عبارت پیچیدگی مبهم و غیرعلمی است. کوین کلی^۳ (۱۹۷۱)، در کتاب پرفروش خود با عنوان «خارج از کنترل» چنین بیان می‌کند که:

1- Fisher
3- Kevin Kelly

2- Pry

"چگونه می‌فهمیم که یک چیز یا یک فرآیند پیچیده‌تر از دیگری است؟ آیا صیفی‌جاتی چون خیار پیچیده‌تر از یک کادیلاک هستند؟ آیا یک چمن‌زار پیچیده‌تر از مغز یک پستاندار است؟ آیا یک گورخر پیچیده‌تر از یک اقتصاد ملی است؟ من از سه یا چهار تعریف ریاضی مربوط به پیچیدگی آگاهی دارم، هیچ کدام از آنها در پاسخ به انواع سؤالاتی که من پرسیدم مفید نیستند. ما نسبت به تعریف رضایتمندانه از پیچیدگی بسیار غافل هستیم، تا به این لحظه هنوز هم سؤال مناسبی در خصوص چگونگی و نحوه تعریف آن مطرح نکرده‌ایم."

ما در اینجا نگاهی کوتاه به مواردی انداخته‌ایم که به موضوع پیچیدگی پرداخته‌اند:

- از دیدگاه علوم زیستی و طبیعی، پیچیدگی با تکامل افزایش پیدا می‌کند. این امر زمانی بروز پیدا می‌کند که ما ساختار موجودات پیشرفته (حیوانات و انسان‌ها) را با موجودات نخستین و اولیه (کرم‌ها و باکتری‌ها) مقایسه کنیم.
- بر خلاف تصویری که از تکامل در علوم زیستی وجود دارد در مواردی مانند انفجار بزرگ تغییر و تحول تکاملی تدریجی نیست، بلکه به سرعت پیش می‌رود. در سال ۱۹۷۲، نیلز الدرگ^۱ و استفن جی گولد^۲ (۱۹۷۲) عبارت، تعادل علامت‌گذاری شده، را معرفی کردند. دوره‌های مدید بدون تغییر یا ساکن، وضعیت ثابت و پایدار، که با دوره‌های کوتاه ناگهانی و چشمگیر تغییر و تحول سریع، اختلال پیدا می‌کنند. این دو حقیقت روی هم رفته نشان می‌دهند که حداقل در مقیاس بزرگ و ماکروسکوپی، پیچیدگی خود باید در حالتی پلکانی رشد کند.
- نکته دیگری که ما می‌دانیم این است که پیچیدگی، پیچیدگی را به وجود می‌آورد. یک موجود زنده پیچیده، موجود زنده پیچیده و فضا و تورفتگی پیچیده، پیچیدگی بیشتر در اطراف خود را به وجود می‌آورد. بنابراین، پیچیدگی یک حلقه بازخوردی مثبت است که خود را تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، پیچیدگی قابلیت تکثیر را دارد. در مقولات فرهنگی و اجتماعی نیز چنین است ماهیت‌های فرهنگی و اجتماعی پیچیده مولد رفتارها و هنجارهای پیچیده خواهند بود.
- پیچیدگی یک شبکه، با افزایش اتصالات بین گره‌ها افزایش پیدا می‌کند، و این امر امکان رشد شبکه را میسر می‌کند. اتصال پیوسته، فراتر از یک سطح خاص از تراکم اتصالی، افزایش اتصالات، سازگاری سیستم را در کل کاهش می‌دهد. کافمن^۳

1- Niles Eldredge
3- Kauffman

2- Stephen Jay Gould

(۱۹۹۳)، موضوع اخیر را فاجعه پیچیدگی می‌نامد. پیچیدگی قابلیت تکثیر را در بردارد اما رشد آن پوشش پیدا می‌کند که مستلزم نوعی از یک مکانیزم انتخابی است. به این ترتیب، ماهیت رقابتی رشد پیچیدگی را می‌توان در رابطه نزدیکش با تکامل، دنبال کرد. یک راه دیگر، منطقی است که انتظار داشته باشیم که پیچیدگی، الگوهای رشد منطقی را در هنگام رشد دنبال کند. عیناً چنین موضوعی را می‌توان در خصوص ماهیت پیچیده هر ساختار اجتماعی تعمیم داد. آنجا که ماهیت با زمان از یک سو و از سوی دیگر با اختلال ماهیت دیگر ساختارها دستخوش تغییر و تحول می‌شود؛ اینجاست که به سختی می‌توان مرزی بین رشد عقلایی مفاهیم در هر ساختار و تکامل ماهیت آنها تمایز قایل شد.

وقایع مهم و برجسته در تاریخ

اولین چیزی که با تصور رشد پله‌ای برای پیچیدگی با مرور زمان، به ذهن می‌رسد، نقاط برجسته بسیار مهم در تاریخ تکامل و تحول است. اکثر مدرسان زیست‌شناسی، زیست‌شیمی، و زمین‌شناسی در تدریس خود لیستی از وقایع بسیار مهم در تاریخ زندگی را به دانشجویان خود ارائه می‌دهند. تاریخ‌هایی را که معلمان به صورت اجتناب‌ناپذیر به دانش‌آموزان نشان می‌دهند، نقاط برجسته‌ای از وضعیت تعادل نشانه‌گذاری شده را منعکس می‌کند. فیزیكدانان تمایل دارند که لیست متفاوتی از تاریخ‌ها را به وجود بیاورند که بر دوره‌های زمانی دیگر امتداد پیدا کند و بر جهان اولیه تأکید داشته باشد. عیناً چنین چیزی برای بررسی ماهیت ساختارهای اجتماعی وجود دارد؛ اما کسانی که آن نقاط تعادلی را برجسته می‌سازند، معلمان تاریخ هستند.

چنین لیست‌هایی، مجموعه داده‌هایی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند با خطاهای عددی و تعصبات فردی دانش‌پژوه مخدوش شوند. اینجاست که برای بررسی تغییر و تحول ماهیت هر پدیده‌ای می‌بایست به اقوال و دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متعارض احتجاج ورزید. با این حال، وقایع فهرست شده در هر یک از آنها بسیار مهم و حائز اهمیت هستند، چون برخی از محققین آنها را از میان بسیاری از موارد دیگر انتخاب کرده‌اند. در نتیجه، این لیست‌ها، وقایع مهمی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند برای بررسی تکامل پیچیدگی به مرور زمان مورد استفاده قرار بگیرند. هرچند، در عمل، دشواری‌های بسیاری در تولید مجموعه داده‌هایی از نقاط تحول وجود دارد که کل دوره زمانی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

تئودور مودیس (۲۰۰۲)، فرضیه‌ای مطرح کرد که بر اساس آن قانون از ابتدا معتبر و نافذ بوده است. این یک تصمیم مطلق از طرف او نبود. این پیشنهاد زمانی مطرح شد که او در ابتدا

تألیفات و گردآوری‌های اولیه از وقایع مهم را از نظر گذرانند. او در این فرضیه بیش از چندین بار به روش علمی بکارگرفته شده توسط فیزیكدانان تجربی استناد کرده است، مثلاً، مشاهده، فرضیه‌سازی و اینکه آیا فرضیه با داده‌های واقعی تصدیق می‌شود یا خیر.

چالش‌ها در بررسی هویت ساختارها

در این قسمت از این مقاله، مهمترین مسائل چالش برانگیز در خصوص مقوله پیچیدگی به ترتیب اهمیت، ارائه و روش برخورد با آنها نیز بیان شده است.

(۱) پیچیدگی مربوط به هر واقعه مهم باید در قالب عبارات نسبی تبیین شوند. به‌عنوان مثال، انفجار والز انگلستان چه اندازه پیچیدگی در مقایسه با پیچیدگی افزوده شده به سیستم در هنگام اکتساب زبان توسط انسان، به‌وجود آورده است؟

برای تعیین پیچیدگی مربوط به واقعه مهم تکاملی، باید نگاهی به اهمیت واقعه داشته باشیم. اهمیت واقعه می‌تواند برابر با حاصل ضرب تغییر در پیچیدگی در دوره زمانی واقعه مهم بعدی، تعریف شود. این تعریف از سنت فیزیک کلاسیک، استنتاج شده است: شما با یک دامنه شروع می‌کنید (که در نمونه ما، اهمیت واقعه، مورد نظر است)، علامت مساوی را در کنار آن می‌گذارید و سپس در صورت کسر پارامتر مرتبگی که مقدار آن متناسب با خروجی باشد و در مخرج کسر هر آنچه را که به‌صورت معکوس متناسب با آن باشد، قرار می‌دهیم، پیگیری توان‌های ممکن و ثابت‌های ضرب را دنبال می‌کنیم. بدیهی است که برای یک واقعه مهم، اهمیت واقعه به‌صورت خطی متناسب با میزان پیچیدگی افزوده به‌وسیله یک واقعه مهم است، و همچنین به‌صورت خطی متناسب با عدم تغییر یک سیستم پس از یک واقعه مهم خواهد بود. هر چقدر که پیچیدگی در یک واقعه مهم مورد نظر افزایش ناگهانی داشته باشد، و یا اینکه هر چقدر حالت تعادل طولانی‌تر باشد، اهمیت یک واقعه مهم، بیشتر خواهد بود. معادله (۱):

$$\text{اهمیت} = \text{پیچیدگی} \times \text{مدت زمان}$$

تغییر و تحول پیچیدگی مربوط به یک واقعه مهم، خاص آن واقعه است که به صورت معکوس، متناسب با دوره زمانی واقعه مهم بعدی خواهد بود و تا اندازه ای که ما اهمیت قابل قیاس از وقایع مهم را در نظر می‌گیریم، ابزاری برای مقایسه کمی تغییر و تحول در پیچیدگی مربوط به هر جهش چه فیزیکی و چه اجتماعی را خواهیم داشت. پس از هر واقعه مهمی، پیچیدگی سیستم مقدار خاصی افزایش پیدا می‌کند. در واقعه مهم

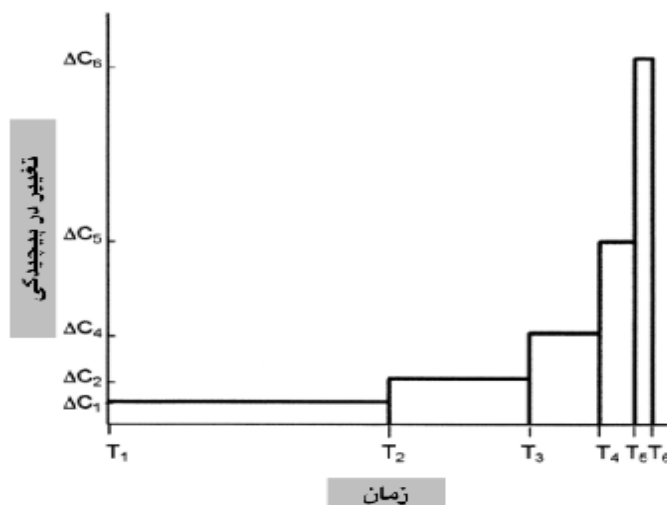
بعدی، افزایش دیگری در پیچیدگی وجود خواهد داشت. تصور کنید که وقایع مهم تقریباً اهمیت یکسانی دارند، و بر اساس تعریف فوق از اهمیت، می‌توانیم نتیجه بگیریم که افزایش پیچیدگی ΔC_i مربوط به واقعه مهم i که اهمیت آن I است، به صورت زیر است:

$$\Delta C_i = \frac{1}{\Delta T_i}$$

که در آن ΔT_i دوره زمانی بین واقعه مهم i و واقعه مهم $i+1$ است.

بنابراین ما معیار و مقیاسی نسبی را از پیچیدگی مربوط به هر واقعه مهم در سیستم داریم. اگر وقایع مهم زمانی به همراه زمان به‌طور فزاینده ازدحام پیدا کنند، پیچیدگی آنها نیز به‌طور فزاینده بیشتر خواهد شد.

۲) قالب زمانی گسترده است و انبوهی وقایع مهم در زمان‌های اخیر به قدری متراکم است که هیچ تابع منطقی یا تشریحی نمی‌تواند برای شرح فرآیند رشد به کار برده شود.



نمودار ۱

محدوده ای که وقایع مهم با اهمیت برابر، تناوبی‌تر می‌شوند، پیچیدگی مربوطه افزایش می‌یابد. مساحت هر مستطیل اهمیت را نشان می‌دهد و این در حالی است که مساحت ثابت باقی می‌ماند. مقیاس هر دو محور خطی است.

یک تابع منطقی لزوماً نباید تابعی از زمان باشد. علاوه بر این، فرآیندهایی وجود دارند که مفهوم اقلیدسی از زمان برای آنها مناسب نیست. برای این تحلیل، یک متغیر زمانی مناسب، تعداد وقایع مهم متوالی است؛ چون به این طریق است که ما می‌توانیم یکتایی و انفرادی بودن را به صورت $\Delta T=0$ کنترل کنیم. هنگامی که پیش‌بینی‌هایی برای جهش‌های پیچیدگی مربوط به وقایع مهم آتی به دست می‌آید، می‌توانیم از تعریف اهمیت، همراه با فرضیه حالت هم‌اهمیتی، برای استنتاج داده‌های عینی برای وقایع مهم آتی استفاده کنیم.

۳) وقایع مهم از فرآیندهای تکاملی مختلف (وابسته به فلسفه جهان‌گیتی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، علوم اجتماعی، و تاریخ)، به‌وسیله نویسندگان مختلف (فیزیکدانان، زیست‌شناسان، تاریخ‌دانان، و متخصصان علوم اجتماعی) باید به روش دقیق جمع‌آوری شوند. زمانی که نویسندگان مجموعه داده‌هایی با وقایع مهم مختلف از دوره زمانی مختلف را تهیه می‌کنند، هنجارسازی باید انجام شود.

فرضیه حالت هم‌اهمیتی نکته‌ای کلیدی برای مقابله با این دو مسأله است. اگر تمام وقایع مهم در مجموعه داده‌ها به یک اندازه مهم باشند، بنابراین جهش‌های پیچیدگی مربوطه، همانطور که پیشتر نیز به آن اشاره شد، صرف‌نظر از اینکه به چه فرآیند تکاملی تعلق دارند، مستقیماً قابل قیاس هستند. به این ترتیب، اگر مجموعه داده‌های یک نفر وقایع مهم بیشتری را در مقایسه با مجموعه داده‌های دیگری در همان دوره زمانی در برداشته باشد، بی‌شک وقایع مهم در مجموعه اول می‌بایست اهمیت کمتری را در مقایسه با مورد دوم در برداشته باشند.

۴) اما در اینجا سوال مهمی مطرح است و آن اینکه یک مجموعه داده مناسب، چه تعداد نقطه تحول باید در برداشته باشد؟ هر محققى همواره می‌تواند چنین استدلال کند که تعدادی از وقایع مهم را نادیده گرفته است.

اگر فقط مهمترین وقایع مهم را در نظر داشته باشیم، می‌توانیم قانون پارتو^۱ را استنتاج کنیم، که به‌عنوان قانون ۸۰/۲۰ نیز معروف است، بنابراین می‌توانیم مطرح کنیم که ۲۰٪ از تمام وقایع مهم ۸۰٪ از تمام پیچیدگی‌های به‌دست آمده در طول دوره زمانی مورد نظر را در برمی‌گیرند. علاوه بر این، تنها بررسی وقایع مهم فرضیه هم‌اهمیتی را ارتقاء می‌دهد. وقایع مهم با اهمیت زیاد، توسط وقایع مهم با اهمیت قابل قیاس، تعریف می‌شوند. برخی از وقایع در مقایسه با وقایع دیگر اهمیت بیشتری خواهند داشت اما وقایع با اهمیت متوسط، نسبتاً زیاد

1- Pareto

بوده و پراکندگی در این حوزه از اعتبار، تقریباً کم خواهد بود. بنابراین در تقریب اولیه، ما می‌توانیم تمام وقایع مهم را با درجه اهمیت مساوی در نظر داشته باشیم. واقعه مهمی به یک نقطه زمانی، مثلاً یک تاریخ، اختصاص داده می‌شود. اگر بیش از یک واقعه به آن تاریخ ارتباط و اختصاص داده شوند، اهمیت واقعه مهم، در حقیقت مجموع کل میزان اهمیت وقایع نگاشته شده را منعکس می‌کند.

داده‌ها و اطلاعات

در هر مطالعه‌ای که به بررسی مقوله پیچیدگی و تغییر و تحول در ماهیت رخداد‌های فیزیکی و اجتماعی می‌پردازد، جمع‌آوری یک سری وقایع مهم و تعیین یک قانون رشد برای وقایع مذکور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌عنوان مثال تئودور مودیس ۲۰ واقعه مهم جمع‌آوری شده در طول یک جلسه هفکری با همکارانش را از این منظر مورد تحلیل و بررسی قرار داد. مطالعات او نشان داد که این مجموعه داده‌های اولیه، از یک منحنی منطقی تبعیت می‌کنند مهمترین نقدی که به کار او و همکارانش وارد بود این است که در گردآوری داده‌های اولیه ذهنیت از پیش تعریف شده انسانی یا همان تعصب موجب عدم اطمینان‌پذیری از نتایج می‌شود. بنابراین باید اقدام به یافتن داده‌های عینی بیشتر از منابع موثق و مستقل کرد تا بدین وسیله بتوان از آنها به‌صورت بی‌غرض دفاع کرد.

امروزه برای هر محصل دبستانی جستجوی عبارتی چون **"وقایع مهم در تاریخ"** در اینترنت کاری سهل و آسان است؛ اما در ورای این آسانی نتیجه چنین جستجویی، خطوط زمانی خاص و ویژه‌ای در نتایج حاصل می‌شود. بسیاری از این جستجوها نتیجه تکالیف مدرسه‌ای هستند. اما برخی از آنها از حیث تکامل و اعتبار در جایگاه مهمی قرار می‌گیرند. در این مقاله به اختصار ۴ مجموعه داده از ۱۳ مجموعه داده‌ای که از این تحقیق به‌دست آورده شده‌اند، اشاره می‌شود.

• **تقویم کیهانی:** کارل ساگان^۱ (۱۹۸۹)، تقویم یک ساله‌ای مطابق با تاریخ کل جهان جمع‌آوری کرده و تاریخ وقایع مهم را مطرح کرده است. این مجموعه ۴۷ واقعه مهم را در بردارد که کل دوره زمانی را تحت پوشش قرار می‌دهد. تحلیل زمانی هویت این وقایع، برای وقایعی مناسب نیست که در یک بسته زمانی مشابه قرار می‌گیرند. تحلیل زمانی با تقویم بسته‌های ماهانه هماهنگی بیشتری دارد. در حقیقت ساگان وقایع مهم را بر مبنای بسته به بسته شماره‌گذاری می‌کند و وقایعی را گزارش می‌کند که در یک بسته زمانی خاص رخ داده‌اند، گویی ساختار بسته‌های زمانی به جای فواصل

1- Carl Sagan

وقایع به کار برده می‌شود.

- **وقایع مهم در تاریخ زندگی:** در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۱، بیش از ۱۷۰۰ دانشجوی دانشکده تاریخ و فلسفه علم، در دانشگاه کالیفرنیا، در یک نشست تحت عنوان "وقایع مهم در تاریخ زندگی" شرکت کردند. در این گردهمایی بزرگ دانشجویی مقوله تغییر هویت، ساختارهای اجتماعی و مدنی با گذشت زمان مورد مطالعه قرار گرفت که مهمترین نتیجه آن تنوع‌گرایی با گذشت زمان در ساختارهای اجتماعی و تشکیل شبکه‌های اجتماعی کوچک در آینده بود. یافته‌های این نشست بیست سال بعد از آن تحقق عینی یافت. گزارشی از اقدامات و وقایع این نشست موجود است (شاپ، ۱۹۹۱).
- **وقایع مهم در تاریخ جهان:** در سال ۱۹۸۰ میلادی دو فیزیکدان آمریکایی یک مقاله علمی تحت عنوان "ساختار جهان اولیه" منتشر کردند. مجموعه داده‌های آنها وقایع و تاریخ‌هایی را در برمی‌گیرد که سیر تکاملی قبل از جهان بشریت را تحت پوشش قرار می‌دهد (بارو^۱ و سیلک^۲، ۱۹۸۰). نکته قابل تعمق در خصوص مقاله این فیزیکدانان استفاده از سیر مطالعاتی آنها در روند مربوط به مطالعات علوم اجتماعی است.
- **حقایق مربوط به زیست‌شیمی جهان:** پروفسور پل دی بویر، بیوشیمی‌دان، برنده جایزه نوبل ۱۹۹۷، مجموع وقایع مهم مربوط به زیست‌شیمی جهان را در اختیار تئودور مودیس قرار داد که تاریخ‌هایی را به آنها اختصاص دهد. این داده‌ها به همراه مطالعات مربوط به فیزیک جهان و نیز مطالعات صورت گرفته در خصوص دسته‌بندی وقایع تاریخی شناخته شده این کره خاکی، و نیز داده‌های علمی دیگر مبنایی برای شکل‌گیری تفکر تکرر دیدگاه‌ها و نظرات در ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهند. توضیح این واقعیت از نظر قوانین فیزیکی بسیار ساده است؛ چراکه جهان به سمت تولید حداکثر انتروپی پیش می‌رود.

از بین ۱۳ مجموعه داده ارائه شده، تنها مجموعه داده‌های تئودور مودیس و بویر در پاسخی مستقیم به این سؤال مورد توجه قرار گرفت که، ۲۵ واقعه مهم در تکامل و پیدایش جهان کدام وقایع هستند؟ انگیزه نویسندگان دیگر، مثل ساگان و ای ام ان اچ، قراردادن وقایع در یک چشم انداز زمانی بود. اما در این کار، آنها به همین سؤال با انتخاب لیست وقایع مهم پاسخ دادند. به خاطر وجود وقایع مهم در بین مجموعه داده‌ها، و این حقیقت که مجموعه‌های مختلف، تاریخ‌های مختلفی برای یک واقعه مشترک ارائه می‌دهند، تئودور مودیس تصمیم گرفت که

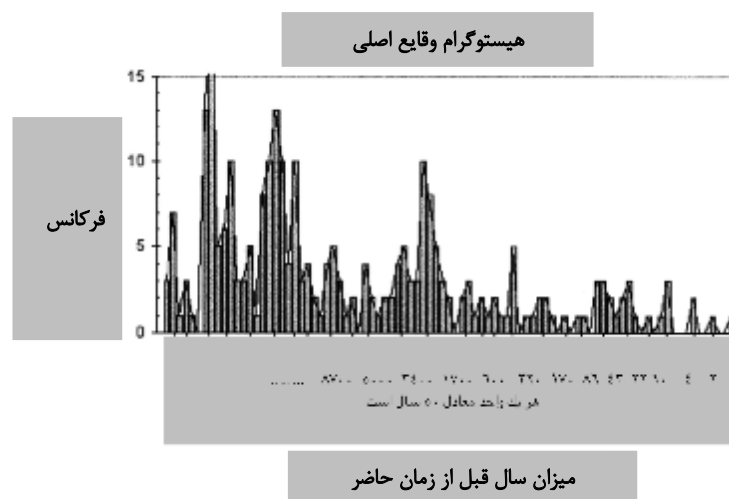
1- Barrow

2- Sillk

برای مجموعه وقایع، معیار و استاندارد را استنتاج کند و از اختلاف دیدگاه بین محققان به‌عنوان یک شاخص مهم برای محاسبه خطاها استفاده کند. فرضیه وی این بود که می‌بایست انسجامی بین ۱۳ مجموعه داده وجود داشته باشد، مثلاً بسیاری از تاریخ‌های مهم باید در اکثر مجموعه‌ها مشابه باشند. ترکیب ۱۳ مجموعه داده در یک مجموعه، خطاهای تخمینی موجود در نتایج را به‌صورت چشمگیری کاهش داد. با این روش بود که او به‌عنوان یکی از پیشگامان استفاده از تئوری‌های علوم فیزیکی در تبیین و توصیف درجه پیچیدگی و تحول در هویت ساختارهای اجتماعی با رویکرد تاریخی شناخته شده است.

استانداردسازی مجموعه وقایع مهم بر مبنای داده‌ها

نمودار ۲، نمودار هیستوگرامی از تمام تاریخ‌های وقایع مهم با بسته‌های زمانی لگاریتمی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲

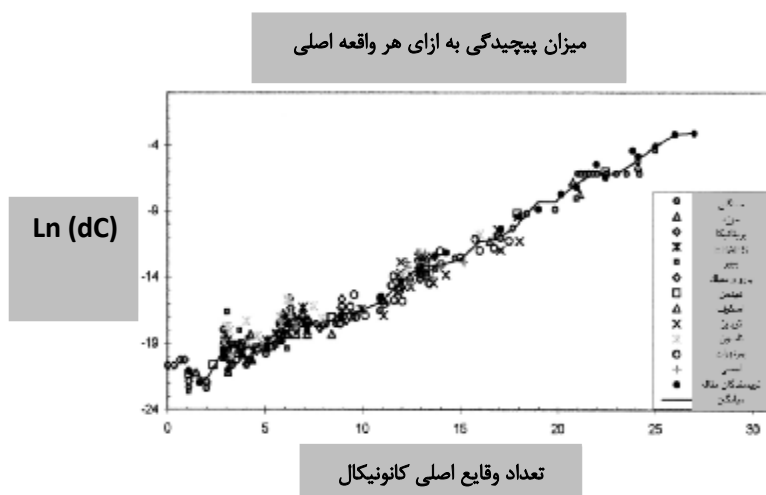
هیستوگرام تمام وقایع مهم با بسته‌های زمانی لگاریتمی. خطوط سیاه نازک به زمینه نقاط ماکزیمم اضافه می‌شوند که اطلاعات وقایع مهم متعارف را نشان می‌دهند. بر روی محور افقی، تاریخ این وقایع مهم، مشخص شده است.

در این نمودار، بسته‌های زمانی افزایشی لگاریتمی به طریقی انتخاب می‌شوند که هر بسته یک دسته از وقایع مهم را شامل می‌شود. نقطه اوج هر مجموعه از وقایع مهم، برای تعریف تاریخ آن واقعه مهم از مجموعه به‌کار برده شده است، ۲۷ واقعه استاندارد و نقطه ماکزیمم نسبی در نمودار ۲ دیده می‌شود که از آنها به‌عنوان شاخص آماری ارزیابی کل مجموعه استفاده می‌شود خواه مجموعه مربوط

به یک رخداد طبیعی باشد و یا موردی که به مطالعه در حوزه علوم انسانی برگردد. از منظر یک ریاضیدان می‌توان متوسط تغییر و تحول پیچیدگی برای نقطه ماکزیمم را محاسبه کرد، علاوه بر این خطای به‌دست آمده به‌وسیله خطای تخمینی در نقطه ماکزیمم نیز قابل محاسبه است. برای نقاط ماکزیمم با یک ورودی (وقایع مهم ۱۰۰ سال پیش)، به اختیار خطای میانگین به عنوان خطای پذیرفته شده در طول روند محاسبات در نظر گرفته شد.

تجزیه تحلیل داده‌ها و اطلاعات

میزان پراکندگی تغییر و تحول پیچیدگی در هر واقعه مهم، برای تمام ۱۳ مجموعه در نمودار ۳ نشان داده شده‌اند. مجموعه داده‌های مختلف، برای پیچیدگی جمعی برابر، در دوره‌های زمانی یکسان نرمال شده‌اند.



نمودار ۳

سیزده منبع مختلف اطلاعات در حوزه‌های مختلف از نظر آماری یکدیگر را هم‌پوشانی می‌کنند. خط سیاه نازک وقایع مهم استاندارد شده را نشان می‌دهد. محور عمودی، لگاریتم تغییر در پیچیدگی را نشان می‌دهد.

در نمودار ۳، محور تعداد وقایع مهم، مجموعه وقایع مهم معیار و استاندارد را نشان می‌دهد. هم‌اکنون ما می‌توانیم داده‌ها را با تابع منطقی و نمایی تطابق دهیم. با توجه به اینکه نمودار ۳ میزان رشد پیچیدگی را نشان می‌دهد، از توابع زیر به‌منظور توابع تحلیل وضعیت سیستم استفاده می‌کنیم.

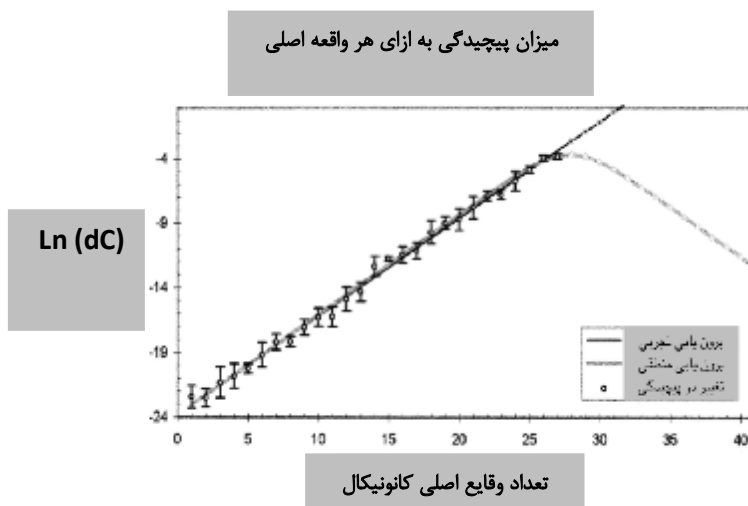
$$e^{(\alpha X + \beta)} \text{ (نمایی)}$$

که در آن α و β ثابتند و

$$\ln \frac{M\alpha}{(1 + e^{-\alpha(X-X_0)})(1 + e^{\alpha(X-X_0)})}$$

که در آن M و α و X_0 ثابت هستند و X مبین تعداد وقایع مهم متوالی می‌باشد. تابع زیر، مشتق اولیه تابع اخیر است:

$$\frac{M}{1 + e^{-\alpha(X-X_0)}}$$



نمودار ۴

تطابق‌های نمایی و منطقی برای داده‌های مجموعه وقایع مهم استاندارد شده. محور عمودی لگاریتم تغییر در پیچیدگی را نشان می‌دهد. حلقه‌های کم رنگ در روند پیش‌بینی‌ها، پیچیدگی وقایع مهم آینده را نشان می‌دهند.

نمودار ۴ مبین مجموعه استاندارد از وقایع مهم با یک تطابق منطقی و نمایی را نشان می‌دهد. تطابق منطقی بهتر از تطابق نمایی است (سطح اطمینان ۷۰٪ در مقایسه با ۳۰٪). جدول ۱ جزئیات خاص‌تری از تطابق‌ها را نشان می‌دهد. قطعاً خطاهایی در منابع وجود دارند که به‌درستی در نظر گرفته نشده‌اند. به‌عنوان مثال

خطاهایی مربوط به تاریخ‌های مختلف برای یک واقعه مشابه یا خطاهایی در نتیجه تقریب‌زنی که وقایع مهم به یک اندازه مهم هستند.

نقطه میانی تابع منطقی، واقعه مهم شماره ۲۷/۸۹ است که مطابق با ۱۰ سال پیش است. به عبارت دیگر، پیچیدگی با بیشترین سرعت در سال ۱۹۹۰ رشد کرد. از آن پس، سرعت تغییرات پیچیدگی رو به کاهش رفت. وقایع آتی با اهمیت قابل قیاس کمتری ظاهر خواهند شد.

جدول ۱
نتایج فیت کردن داده‌ها با توجه به دو تابع توزیع

میزان دیفرانسیل	χ^2	χ_0	M	α	β	تابع جبری برون‌یابی
۲۵	۲۸/۳			-۰/۷۵۵۴	-۲۳/۷۴۹	$Ax+\beta$
۲۴	۲۰/۲	۲۷/۸۹	-۰/۱۳۷۵	-۰/۷۷۳۵		$\frac{M\alpha}{\ln \frac{1}{(1 + e^{-\alpha(x-k)}) (1 + e^{\alpha(L-k)})}}$

اما بر اساس قانون نمایی، جهش‌های پیچیدگی وقایع مهم، در سرعت نمایی یکسان، نزدیک به هم ادامه خواهند یافت و باید بتوانیم در ۲۵ سال بعد از زمان حال، نقاط تحول موفقیت‌آمیز با اهمیت یکسان را که فقط ۵ روز با یکدیگر فاصله دارند، پیش‌بینی کنیم. جدول ۲ تأکیدی بر زمانبندی وقایع مهم آتی، طبق آنچه از قوانین رشد نمایی و منطقی تعیین شده اند را با تطابق‌های فوق، نشان می‌دهد.

جدول ۲
پیش‌بینی برای تغییر پیچیدگی به‌عنوان یک تابع وابسته به زمان

میزان سال از هم‌اکنون	برون‌یابی نمایی تغییر در پیچیدگی	میزان سال از هم‌اکنون	برون‌یابی منطقی تغییر در پیچیدگی	تعداد وقایع
۱۳/۴	-۰/۷۴۴	۳۸	-۰/۲۶۵	۲۸
۶/۳	-۰/۱۵۸۴	۴۵	-۰/۲۲۳	۲۹
۳/۰	-۰/۳۳۷۲	۶۹	-۰/۱۴۶	۳۰
۱/۴	-۰/۷۱۷۸	۱۲۴	-۰/۰۸۱	۳۱
-۰/۷	۱/۵۲۷۸	۲۴۵	-۰/۰۴۱	۳۲
-۰/۳	۳/۲۵۱۸	۵۰۸	-۰/۰۲۰	۳۳
-۰/۱	۶/۹۲۱۳	۱۰۷۸	-۰/۰۰۹	۳۴
-۰/۰۷	۳۱/۷۳۱۷	۲۳۱۵	-۰/۰۰۴	۳۵
-۰/۰۳	۳۱/۳۵۵۸	۵۰۰۰	-۰/۰۰۲	۳۶
-۰/۰۱۵	۶۶/۷۳۹۷	۱۰۸۰۰	-۰/۰۰۱	۳۷

صحت نتایج، همان‌گونه که در ارقام به‌دست آمده مشهود است، ممکن است بیش از حد خوش‌بینانه به‌نظر برسند. هرچند، باید همواره دو نکته را در ذهن داشته باشیم. اول اینکه، منحنی‌ها در مقیاس زمانی خطی، بسیار شیب‌دار هستند. دوم اینکه، ارقام مهم در نتیجه‌گیری، بیشتر دقت روش و کمتر صحت پاسخ‌ها را منعکس می‌کنند، زیرا تمام خطاهای سیستماتیک در نظر گرفته نشده‌اند.

صحت نتایج، همان‌گونه که در ارقام به‌دست آمده مشهود است، ممکن است بیش از حد خوش‌بینانه به‌نظر برسند. هرچند، باید همواره دو نکته را در ذهن داشته باشیم. اول اینکه، منحنی‌ها در مقیاس زمانی خطی، بسیار شیب‌دار هستند. دوم اینکه، ارقام مهم در نتیجه‌گیری، بیشتر دقت روش و کمتر صحت پاسخ‌ها را منعکس می‌کنند، زیرا تمام خطاهای سیستماتیک در نظر گرفته نشده‌اند.

تصویری از نمای نزدیک

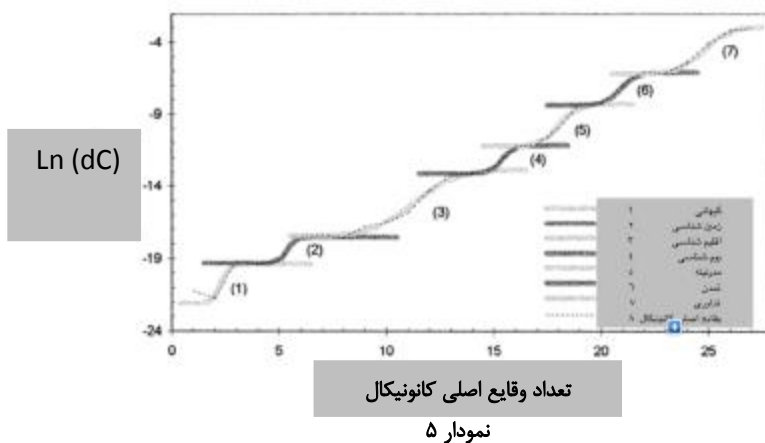
بر اساس آنچه نشان داده شده است، هر نوع فرآیند رشد می‌تواند زیر فرآیندهای منطقی کوچکتری را در برداشته باشد (سولا^۱، ۱۹۸۶؛ مدیس^۲، ۱۹۹۴). با دقت بیشتر به نمودار ۳، می‌توانیم مراحل S شکل کوچک‌تری را تشخیص دهیم. چنین ساختاری، تناوب بین دوره‌ها را نشان می‌دهد، البته زمانی که وقایع مهم به‌طور افزایشی با هم تراکم پیدا می‌کنند و دوره‌ها به‌طور منظم در بازه‌های زمانی قرار می‌گیرند، با یک سری زیرفرآیندهای تکاملی تعریف شده، مواجه خواهیم شد. خط باریک سیاه موجود در نمودار ۳، حداقل ۷ زیرفرآیند را نشان می‌دهد. در نمودار ۵، منحنی‌های توابع زیر فرآیندها ارائه شده‌اند.

هفت منحنی منطقی، ناشی از تطابق‌های دقیق در داده‌ها نیست، زیرا تعداد محدود وقایع مهم و حرکت‌های نامنظم زیاد در نقاط داده‌ای در هر بخش، وجود دارد. خطوط تیره‌تر توابع منطقی هستند که برای هدایت چشم، کشیده شده‌اند. هرچند، توافق دقیق بین خطوط تیره‌تر و خطوط نقطه‌گذاری شده، حاکی از این حقیقت است که ما با فرآیندهای رشد طبیعی نسبتاً مستقلی رو به‌رو می‌شویم. همانطور که در نمودار ۵ کاملاً مشهود است، نمودار درجه پیچیدگی و تحول هویت هر بخش کاملاً مشخص شده است. بخش ششم اشاره به تمدن بشری دارد، در حالی که بخش‌های دیگر به موضوعات مختلف طبیعی پرداخته‌اند. نکته قابل تعمق این است که روند تغییر در همه این موارد اگر نگوییم کاملاً ولی تا حد قابل قبولی یکسان است. ریشه این یکسانی را می‌توان در چگونگی توزیع اطلاعات آماری وقایع بر مبنای توزیع خی جستجو کرد. تا اینجا برای ما کاملاً واضح شده

1- Solla

2- Modis

است که قانون دوم ترمودینامیک و تابع توزیع خلی نقشی غیر قابل انکار در پیش‌بینی چگونگی پیچیدگی و تحول هویت ساختارهای فیزیکی و اجتماعی ایفا می‌کنند.



هفت نمودار محاسباتی کوچک اضافه شده‌اند تا برای ساختارهای ریزتر به‌عنوان شاهد و معیار مطرح باشند. خط نقطه‌ای مشابه خط سیاه نازک در نمودار ۳ است. محور عمودی لگاریتم تغییر در پیچیدگی را نشان می‌دهد.

برای اینکه بتوانیم هفت زیر فرآیند را بهتر درک کنیم، جدول ۳ معیارهای مربوط به هر فرآیند را ارائه می‌کند. معیارهای ریاضی توابع منطقی کمتر مورد توجه هستند، بنابراین بهتر است تاریخ‌هایی متناظر با ۱۰٪، ۵۰٪ و ۹۰٪ سطح اطمینان از نظر آماری برای هر فرآیند در نظر گرفته شود.

جدول ۳
هفت فاز رشد پیچیدگی

موضوع مورد تحول	۱۰٪	۵۰٪	۹۰٪
کیهانی	۱۳,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۷,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
زمین‌شناسی	۱,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰
اقلیم‌شناسی	۱۹,۵۰۰,۰۰۰	۴,۰۲۰,۰۰۰	۶۲۵,۰۰۰
بوم‌شناسی	۴۳۴,۰۰۰	۳۰۸,۰۰۰	۲۳۹,۰۰۰
مدرنیته	۱۰۷,۰۰۰	۳۸,۲۰۰	۱۵,۱۰۰
تمدن	۱۰,۷۰۰	۶۱۳۰	۵۰۰۰
فناوری	۵۳۹	۲۲۵	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه‌ای که از طریق برون‌یابی کردن منطقی موفقیت‌آمیز داده‌ها مورد تأیید واقع شد، می‌توان رشد پیچیدگی در فرآیندهای تکاملی متعدد ۵۲ را کنترل نمود (کیهانی، زمین‌شناسی، زیستی، علوم اجتماعی و انسانی). در سراسر بررسی هویت سازه‌های مختلف ما با یک جهان وابسته به پیدایش انسان سر و کار داریم و در این اثناء مطالعه روند رو به تزاید پیچیدگی بر مبنای قانون دوم ترمودینامیک و تابع توزیع خی در زمینه‌ها و علوم مختلف مورد بررسی قرار گرفت و اهمیت این مطالعه در پیش‌بینی وضعیت آینده مورد تأکید قرار گرفت. با این حال هنوز هم برخی از محققین معتقدند که چنین تحلیلی اهمیت بیشتری در مقایسه با ظرافت و سادگی شکل‌گیری آن دارد. از منظر جان ویلر اعتبار قوانین فیزیک به وجود آگاهی و هوشیاری کامل نسبت به بکارگیری دقیق آنها بستگی دارد. از این منظر، دیدگاه انسان همان چیزی است که اهمیت پیدا می‌کند.

در این مقاله سعی نویسندگان بر این بوده است که رشد منطقی و پیچیدگی هویت ساختارهای گوناگون را به دو طریق مختلف به هم مرتبط نمایند. یک راه این است که چطور پیچیدگی در امتداد منحنی منطقی بزرگ، در جهان تجمع پیدا کرده است (نمودار ۴). راه دیگر این است که چطور سرعت رشد و پیشرفت پیچیدگی، منحنی‌های منطقی کوچکتر را در نمودار ۵ به وجود آورده‌اند. تفاوت عمده‌ای بین این دو تصویر وجود دارد. تصویر اول الگوی S را ایجاد می‌کند و از طرف دیگر، تصویر دیگر الگوهای S شکل را با سرعت تغییر و تحول برون‌یابی می‌نماید. در هر دو مورد، شواهد و مدارک مربوط به رشد منطقی، رشد طبیعی در رقابت را نشان می‌دهند (داروین در طبیعت)، اما با این وجود و با توجه به هویت ساختارهای مختلف باز هم تفسیرها متفاوت هستند.

پیچیدگی به عنوان یک فرآیند رشد رقابتی

مشاهده رشد منطقی فرایندهای مختلف، هر محقق را قادر می‌سازد تا وجود رقابت داروینی را مطرح در حیطه تخصصی دانش خود مطرح سازد. چنین رقابتی حاکی از این واقعیت است که:

- برخی از گونه‌ها و موجودات قادر به رشد از طریق تکثیر هستند.
- اعضای موجودات و گونه‌ها برای منابع محدود رقابت می‌کنند.
- انتخاب طبیعی وجود دارد.

در تابع منطقی نمودار ۴، گونه‌ها و موجودات، پیچیدگی سیستم و اعضای آنها، عناصری

هستند که توسط وقایع مهم مشخص می‌شوند. باید توجه داشت که با توجه به نظر کافمن پیچیدگی زیاد می‌تواند حیات را به خطر بیندازد، به این موضوع فاجعه پیچیدگی می‌گویند. این فاجعه صرفاً برای موجودات زنده و یا بی‌جان مطرح نیست، بلکه برای ساختارهای مختلف اجتماعی نیز مطرح است چراکه پیچیدگی می‌تواند پیچیدگی خلق کند و انسان در حکم یک موجود پیچیده، خالق آثار پیچیده نظیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف است. در همه جا، گزینه انتخاب وجود دارد. تغییرات، اگر در پیچیدگی وجود داشته باشند، یا در سرعت رشد پیچیدگی وجود داشته باشند، به نوعی جهش را خلق می‌کنند. تنها مواردی که به بهترین شکل برون‌یابی می‌شوند؛ می‌توانند بقا پیدا کنند. تغییرات بالقوه همانند تصادف‌های بالقوه در کمین هستند و منتظر فرصتی برای شناخته شدن هستند. اگر تغییر، گامی خیلی کوچک یا خیلی بزرگ برای لحظه‌ای در تاریخ، فرآیند تکاملی را که به آن تعلق دارد، نشان دهد، عملاً بقا پیدا نخواهد کرد. علاوه بر این، اگر پیچیدگی ترکیب یافته سیستم به نقطه اشباع برسد، عملاً اندازه و کم و کیف آن در اندازه‌های کوچک، محدود و محبوس خواهد شد (کارزویل^۱، ۱۹۹۴).

منحنی S نهایی

نمودار ۴ نشان می‌دهد که تکامل پیچیدگی در جهان از یک الگوی رشد منطقی از همان ابتدا پیروی کرده است. مثلاً از انفجار بزرگ تا کنون. این امر از حیث گستردگی مقیاس زمانی قابل توجه است و با توجه به اینکه پیچیدگی از فرآیندهای تکاملی بسیار متفاوت ممکن است حادث شود، توجه به ساختارهای فرآیندهای تکاملی مختلف در نمودار ۴ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در صورتی که ما پیچیدگی را به عنوان تابعی از زمان ترسیم کنیم، الگوی S شکل نسبتاً از بین خواهد رفت. اما پیش‌بینی پیچیدگی در وقایع آتی می‌تواند به پیچیدگی در هر تاریخ آتی مطابق با معادله ۲ برگردانده شود. از سوی دیگر با توجه به جدول ۲ می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که الگوی زمانبندی شده وقایع مهم و تکان دهنده آتی در سال‌های ۲۰۳۸، ۲۰۸۳ و ۲۱۵۲ پیش‌بینی می‌شود. توجه به این نکته حایز اهمیت است که نمودار ۴ صرفاً تاریخ‌های مذکور را برای هر حادثه و هر ساختاری پیش‌بینی می‌کند.

ریچارد کورن^۲ (۱۹۹۸)، نیز تحلیل مشابهی در خصوص مجموعه‌ای از ۱۳ واقعه مهم انجام داده است که از آن به‌عنوان "تغییرات عمده در تکامل زمین" یاد می‌کند. کورن تکامل را از حیث انتقال اطلاعات مورد ملاحظه قرار داده است. مطالعات اسمیت^۳ و زاسماری^۴ (۱۹۹۵)، نیز

1- Kurzweil
3- Smith

2- Richard Coren
4- Szathmary

مؤید کار کورن و تعمیم یافته‌های او به فضاها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هستند. به‌طور کلی در تحلیل آماری یافته‌های محققانی که نمودارهای زمانی وقایع مهم را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند باید گفت که مجموعه داده‌هایی که نقاط کمتری دارند، زمانی که به‌صورت انفرادی تحلیل می‌شوند، منجر به تولید پیش‌بینی‌های ضعیف می‌شوند. علاوه بر این، در بحث قبلی مربوط به خطاهای اصولی محاسبه نشده، مقوله اخیر باید خیلی جدی در نظر گرفته شود. در اینجا است که داده‌های آماری جدول ۴ نقش این خطاها را در روند محاسبات آشکارتر از پیش می‌سازد.

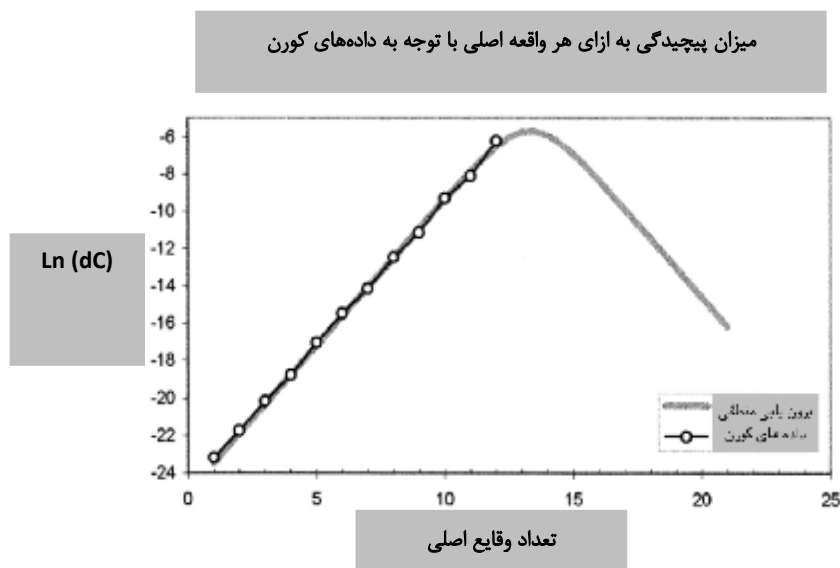
جدول ۴
نتایج برون‌یابی

متوسط درصد انحراف	R	x_0	M	α	تابع جبری برون‌یابی
۱/۳۳	۰/۹۹۹۵۶	۱۲/۸۳	۰/۰۰۹۲	۱/۵۶۷	$\frac{M\alpha}{\ln \frac{1 + e^{-\alpha(x-k_0)}}{1 + e^{\alpha(x-k_0)}}}$

ضریب بهینه سازی نقاط R و انحراف درصد متوسط برای یک انطباق خوب داده شده‌اند.
(بدون تخمینی برای χ^2 ممکن)

با استناد به آنچه که در طول این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، می‌توان چنین گفت که پیچیدگی کیهان و جهان با توجه به الگوی منطقی، رشد داشته است و هم اکنون به نقطه میانی خود رسیده است. در حقیقت، رشد پیچیدگی پس از گذر از هفت مرحله به حداکثر میزان خود دست یافته است که هر کدام به خودی خود می‌تواند به‌عنوان یک زیر فرآیند رشد طبیعی تفسیر شود. هنگامی که میزان تغییر و تحول رو به کاهش می‌رود، انتظار می‌رود که زیر فرآیند بعدی یک گام رو به پایین پس از یک گام بالا - پایین منحنی S باشد. اما تجزیه تحلیل تکامل پیچیدگی، البته اگر سطح اطمینان کمتری داشته باشد، به‌عنوان یک احتمال برای پیدایش وقایع مهم آتی، الگوی نمایی دیگری را ارائه می‌کند. شک‌گرایان، افرادی که از پیچیدگی طرفداری می‌کنند، می‌توانند رشد را به‌صورت نمایی ادامه دهند، بنابراین جدول ۲ نشان می‌دهد که واقعه مهم بعدی باید تقریباً ۱۳/۴ سال بعد حادث شوند و مرحله بعدی می‌تواند ۶/۳ سال بعد از آن باشد، و یک مرحله پس از آن ۳ سال است، و بنابراین مجدداً ۱/۴ سال و به همین نحو فاصله زمانی می‌تواند کاهش یابد. اما این الگو می‌تواند به اندازه‌های پیچیده شود که تمام وقایع مهم آتی در کمتر از ۲۶ سال از زمان حال را مورد پیش‌بینی قرار دهد. بنابراین، علاوه بر بحث میزان انطباق خوب، بحث متعارفی وجود دارد که مربوط به قانون

منطقی در بررسی هویت ساختاری موضوعات فیزیکی و اجتماعی است.



انطباق محاسباتی نقاط کورن با یک خط. محور عمودی لگاریتم تغییر در پیچیدگی را نشان می‌دهد. واحدهای پیچیدگی دلخواه هستند و با واحدهای نمودارهای ۳ تا ۵ متفاوت می‌باشند.

References:

مراجع:

- Barrow, J. D., & Silk, J. (1980). The structure of the early universe. *Scientific American*, 242, 118-128.
- Coren, R. (1998). *The Evolutionary Trajectory: The Growth of Information in the History and Future of Earth (World Futures General Evolution Studies)*. Amsterdam: Gordon and Breach.
- Eldredge, N., & Gould, S. J. (1972). Punctuated equilibria: An alternative to phyletic gradualism, in: T. J. M. Schopf (Ed.), *Models in Paleobiology*, Freeman. San Francisco: Cooper and Co.

- Fisher, J. C., & Pry, R. H., (1971). A Simple Substitution Model of Technological Change. *Technological Forecasting and Social Change*, 3, 75-88.
- Fukuyama, F. (1992). *The end of history and the last man*. New York: Free Press.
- Jagers, K., & Gurr, T. R. (1995). Tracking democracy's third wave with the Polity III data. *Journal of Peace Research*, 32, 469-482.
- Kauffman, S. A. (2002). *The Origins of Order: Self-Organization and Selection in Evolution*. Oxford University. New York: Press.
- Kelly, K., (1994). *Out of Control*. New York: Addison-Wesley.
- Kurzweil, R. (2000). *The Age of Spiritual Machines: When Computers Exceed Human Intelligence*. New York: Penguin Putnam,
- Marchetti, C., (1979). Energy Systems--The Broader Context. *Technological Forecasting and Social Change*, 14, 191-203.
- Marchetti, C., & Nakicenovic, N., (1979). The Dynamics of Energy Systems and the Logistic Substitution Model, RR-79-13, International Institute for Applied Systems Analysis, Laxenburg, Austria, December.
- Modelski, G., & Thompson, W. R. (1996). *Leading sectors and world powers: the co-evolution of global economics and politics*. South Carolina Univ. Press, Columbia.
- Modis, T. (1994). Fractal aspects of natural growth. *Technological Forecasting and Social Change*, 47, 63-73.
- Modis, T. (2002). Forecasting the growth of complexity and change. *Technological Forecasting and Social Change*, 69, 377-404.
- Sagan, C. (1989). *The Dragons of Eden: Speculations on the Evolution of Human Intelligence*. New York: Ballantine Books.
- Schopf, J. W. (1991). *Major Events in the History of Life*. Boston: Jones and Bartlett Publishers.
- Smith, J. M., & Szathmary, E. (1995). *The Major Transitions in Evolution*. Oxford University. New York: Press.
- Solla Price, D. J. de. (1986). *Little Science, Big Science and Beyond*. New York: Columbia University Press.

سهم امیدواری و غرور ملی در تبیین شادکامی

Role of Hope and National Pride in Predicting Happiness

Mitra Moslehi Joybari, M.A. *

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

Nastaran Sharifi, Ph.D.

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

میترا مصلحی جویباری

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

دکتر نسترن شریفی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

Abstract: This research aimed to study the role of hope and national pride in predicting the happiness of college students. The research was a correlational research which was performed among college students in Islamic Azad University of Hamedan in 2014-2015 academic year. For this purpose, 200 students were selected randomly and filled Oxford Happiness, Snyder Hope, and National Pride Questionnaires. Data were analyzed using linear regression. Analysis clearly shows that, hope and national pride are positive predictors of happiness ($p < 0/01$). Hope for the future and creating an inclusive identity, strengthening a friendly national attachment, strengthening the extroversion, being away from self-centeredness and disagreement with others, will increase happiness. Therefore, by strengthening hope, national pride, and identity styles, psychological well-being can be enhanced.

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی سهم امیدواری و غرور ملی در پیش‌بینی شادکامی است. روش مطالعه حاضر از نوع همبستگی است که در سال ۹۴-۹۳ در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انجام شد. بدین منظور ۲۰۰ نفر از دانشجویان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد، امیدواری شنایدر، و غرور ملی را پر کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون خطی تحلیل شدند. با توجه به یافته‌ها، متغیرهای امیدواری و غرور ملی پیش‌بین مثبتی برای متغیر شادکامی هستند ($P < 0/01$). امید به آینده و ایجاد هویت فراگیر، تقویت شکل میهن‌دوستانه دل‌بستگی ملی، تقویت برون‌گرایی، فاصله گرفتن از خودمحوری و مخالفت با دیگران موجب افزایش شادکامی می‌شود. بنابراین با تقویت امیدواری، غرور ملی، و سبک‌های هویتی می‌توان بهزیستی روانی را ارتقاء بخشید.

*mitra.moslehi@yahoo.com

Keywords: hope; national pride; happiness

کلیدواژه‌ها: امیدواری؛ غرور ملی؛ شادکامی

یکی از متغیرهایی که در حوزه روان‌شناسی سلامت مطرح می‌شود، شادکامی است. به اعتقاد آرگایل^۱ و همکاران (۱۹۸۹) شادکامی سه جزء اساسی دارد. هیجان مثبت، رضایت از زندگی، و نبود هیجانات منفی از جمله افسردگی و اضطراب. آنها همچنین دریافته‌اند که روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن در زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و رضایت از زندگی از اجزاء شادکامی هستند. نظریه لیست عینی^۲، شادکامی را بیرون از احساس و در لیست چیزهای با ارزش واقعی در جهان واقعی قرار می‌دهد. این نظریه می‌گوید شادی در زندگی بشری از چیزهای خاص موجود در لیست تمایلات با ارزش تشکیل شده است. این لیست ممکن است شامل انجام کار، دوستی، رهایی از بیماری و درد، آرامش مادی، روحیه مدنی و عشق به جامعه، زیبایی، تحصیلات، عشق، دانش، و یا وجدان آگاه باشد (گلستانی‌بخت، ۱۳۸۷). نظریه شادکامی اصیل بیان می‌کند که شادکامی بر سه قسم است: زندگی لذت‌بخش، زندگی خوشایند (متعهدانه) و زندگی با معنا (سلیگمن^۳، ۲۰۰۳). دو نوع اول ذهنی و سومی تا حدودی عینی و متعلق به این حیطه است که چه چیزی با ارزش‌تر از خواسته‌ها و تمایلات زندگی شخصی وجود دارد. در نظریه شادکامی اصیل، یک زندگی کامل هر سه ملاک شادکامی را دارا است. شوارتز^۴ و استراک^۵، ۱۹۹۱ (به نقل از گروسی فرشی و همکاران، ۱۳۸۵) معتقدند که افراد شادکام کسانی هستند که در پردازش اطلاعات در جهت خوش‌بینی و خوشحالی دیگران سوگیری دارند، یعنی اطلاعات را به‌گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آنها منجر می‌شود. بنابراین، شادکامی مفهومی است که چندین جزء اساسی دارد. جزء عاطفی یا هیجانی که داشتن خلقی شاد را موجب می‌شود، جزء اجتماعی که گسترش روابط اجتماعی و مدنی را به همراه دارد و سرانجام جزء شناختی که موجب نوعی تفکر و پردازش اطلاعات منحصر به فرد برای فرد شادکام شده و موجب تفسیر و تعبیر وقایع به‌نحو خوش‌بینانه می‌شود.

امید توانایی ادراک شده برای پیمودن مسیر به سوی هدف دلخواه و انگیزش فردی برای استفاده از مسیر در راه رسیدن به هدف است (اسنایدر^۶، ۲۰۰۰). اسنایدر و همکارانش معتقدند که امید هم درک هدف و هم درک مسیرهای هدف است یعنی افراد امیدوار حس می‌کنند که

1- Argyle
3- Seligman
5- Strach

2- objective list
4- Schwartz
6- Snyder

می‌توانند این مسیرها را خلق کنند (حسن‌زاده، ۱۳۸۸). به همین ترتیب تفکر امیدوارانه^۱ شامل سه مؤلفه است: اهداف، تفکر در مورد مسیر و تفکر عامل^۲. در نظریه امید اهداف آماج جریان‌های عملکردی بوده و رفتارهای عمدی را موجب می‌شوند. به عبارت دیگر وقتی فردی یک زنجیره رفتار عمدی را آغاز می‌کند باید به سمت نتیجه مشخص شده هدایت شود. قبل از آغاز زنجیره رفتاری، فرد باید دو چیز دیگر را بشناسد: مسیرها و تفکر عامل. تفکر عامل رفتاری است که افراد با توجه به توانایی‌شان هنگام آغاز و ادامه حرکت در مسیرهای انتخاب شده به سمت اهداف دارند. تفکر عامل باعث می‌شود فرد برای شروع و حفظ حرکت به جلو در مسیر اهداف دلخواه به اندازه کافی انگیزه داشته باشد. گرچه مسیرها و تفکر عامل دو مؤلفه مجزای مدل امید هستند، اما عملاً جدا نشدنی می‌باشند. در حقیقت تغییر در یکی باعث تغییر مشترک در دیگری می‌شود و آنها تأثیر متقابل بر هم می‌گذارند (اسنایدر و همکاران، ۱۹۹۱). میزان امیدواری میان رفتارهای مرتبط با هدف و باورهای فرد برای رسیدن به این اهداف پیوند برقرار می‌کند. میزان امیدواری بالا با بهزیستی بیشتر همراه است.

امیدواری از طریق تجارب موفقیت‌آمیز زندگی افزایش می‌یابد و به واسطه تجارب شکست تقلیل می‌یابد. به اعتقاد استاتس^۳، ۱۹۸۶ (به نقل از عسگری و شرف‌الدین، ۱۳۸۹) امید دارای دو مؤلفه شناختی یعنی انتظار روی دادن وقایعی در آینده و عاطفی می‌باشد. برای مثال امید به این که این رویدادها، رویدادهایی مثبت و دارای پیامدهای مطلوبی باشند. مؤلفه عاطفی آن می‌تواند پیش‌بینی کننده وقوع رویدادهای مثبت در آینده و در نتیجه افزایش سلامت روانی باشد. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند افرادی که از امیدواری بالاتری برخوردار بودند، عزت‌نفس^۴ بیشتر، عملکرد تحصیلی بهتر و تعهد بیشتری به انجام فعالیت‌هایی که به بهداشت و سلامتی بیشتر منجر می‌شوند، نشان می‌دهند. بزرگسالانی که از درجات بالای امید بهره می‌برند از این اعتقاد برخوردارند که می‌توانند با چالش‌های احتمالی زندگی‌شان سازگار شوند، آنان شادی بیشتری تجربه نموده و از زندگی‌شان رضایت بیشتری دارند (کینگ^۵ و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از نصیری و جوکار، ۱۳۸۷). امید نیرویی هیجانی است که تخیل را به سمت موارد مثبت هدایت می‌کند. طبق نظر پریچت^۶، ۲۰۰۴ (به نقل از عسگری، ۱۳۸۸) امید به انسان‌ها انرژی می‌دهد و مجهزشان می‌کند و مانند کاتالیزوری برای کار و فعالیت عمل می‌کند. امید به ما انعطاف‌پذیری، نشاط و توانایی خلاصی از چالش‌های تحمیلی در زندگی را

1- hopeful thought
3- Staats
5- King

2- agency thinking
4- self-esteem
6- Pritchett

می‌دهد و باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود. امید مؤلفه مهم در زندگی است که می‌تواند ذهن، بدن و سلامت معنوی ما را بهبود ببخشد. افراد با امید پایین احتمالاً از افسردگی بیشتری رنج می‌برند در حالی که افراد با امید بالا معتقدند می‌توانند با محیط سازگار شوند. افراد با امید بالا، بهزیستی روانی و جسمی بیشتری را تجربه می‌کنند. به عقیده سلیگمن، امید، خوش‌بینی و آینده‌نگری خانواده‌ای از قابلیت‌ها هستند که نشان‌دهنده یک موضع مثبت نسبت به آینده است (سلیگمن، ۱۳۸۹).

هویت^۱ مفهومی است که طی رشد شکل گرفته و در دوره نوجوانی نمود واقعی و عینی پیدا می‌کند و به‌عنوان یک سازه مهم و تأثیرگذار شخصیتی با شادی در ارتباط است. نوع سبک هویت افراد در شادکامی آنان مؤثر است از طرفی شادی موجب احساس معناداری و حالت روانی مثبت در افراد می‌شود. دلبستگی ملی^۲ به پیامد ارزیابی مثبت افراد از هویت ملی‌شان گفته شده و در دو شکل ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه مفهوم‌سازی می‌شود. در شکل ناسیونالیستی، دلبستگی ملی احساس مثبت افراد به همراه پیشداوری، اتخاذ دیدگاه‌های غیر انتقادی و احساسی نسبت به کشور را نشان می‌دهد و در مقابل، شکل میهن‌دوستانه دلبستگی ملی احساس مثبت افراد بدون قضاوت‌های پیشداورانه نسبت به سایر گروه‌ها و ملت‌هاست که اتخاذ دیدگاه‌های انتقادی و جهت‌گیری‌های عاقلانه نسبت به ارزیابی کشور را در پی دارد (هاشمی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱). در دیدگاه‌های نظری درباره دلبستگی ملی و به دنبال آن احساس غرور یا سرشکستگی، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که دلبستگی درون‌گروهی و در سطح وسیع‌تر دلبستگی به ملت به‌وجود آورنده غروری است که الزاماً با نفی سایر برون‌گروه‌ها و دیدگاه خصمانه نسبت به آنها و برتر دانستن گروه و ملت خودی همراه است. در این میان دورکیم^۳ آرمان ملی را با آرمان بشری برابر می‌داند و معتقد است هر دولت به ارگانی مبتنی بر آرمان بشری تبدیل می‌شود تا جایی که می‌پذیرد وظیفه اصلی آن توسعه از طریق گسترش مرزها نیست بلکه افزایش سطح اخلاقیات اعضایش است. بنابراین، جوامع باید به لحاظ برخورداری از بهترین نوع سازماندهی و دارا بودن نهاد اخلاقی و نه به دلیل بزرگترین یا ثروتمندترین بودن در میان جوامع دیگر بر خود ببالند (مک‌گراون^۴، ۱۳۸۴).

معمولاً تعارض و نارضایتی هنگامی آغاز می‌شود که افراد همواره سعی می‌کنند در همه چیز نفر اول و از همه برتر باشند، بدون درک این که واقعاً چه می‌خواهند و اینکه چطور دیدگاه‌ها و نظرات دیگران می‌تواند این ناخشنودی را بدتر نماید. پرورش هویت فراگیر موجب انسجام و

1- self-identity
3- Durkheim

2- national attachment
4- McGraven

یکپارچگی گروه اجتماعی شده در حالی که آن گروه فراتر از اعضای خود کل منسجمی را تشکیل می‌دهد. هابرماس^۱ که میهن‌دوستی قانونی را تصدیق آگاهانه اصول سیاسی ناشی از هویت‌های فرا قراردادی می‌داند، معتقد است در این هویت‌ها افراد یاد می‌گیرند بی‌طرف باشند و تا آنجایی که ممکن است از امیال خود و انتظارات اجتماعی قراردادی موجود در جامعه چشم‌پوشی کنند. این هویتِ تمرکز زدایی شده افراد را از حالات "مطلق" در می‌آورد و آنها را در آنچه که می‌خواهند به دست آورند و آنچه که سایرین از آنها در چنین جوامعی فراسنتی، انتظار دارند "نسبی" می‌کند (مولر، ۲۰۰۶؛ به نقل از هاشمی فر و همکاران، ۱۳۹۱). شاید به جرأت بتوان گفت که یکی از مسائلی که با مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت از جمله شادکامی و امیدواری در ارتباط است رسیدن به مفهوم ایگوی آرام است که در نتیجه افزایش سطح اخلاقیات در جامعه بروز نموده و در ضمن بخشی از هویت نیز به‌شمار می‌رود. ایگوی آرام^۲ حالتی نظری در مورد فرد و دیگران است که در آن صدای ایگو آرام‌تر شده در حالی که افراد می‌توانند همزمان با خودشان به دیگران نیز گوش فرا دهند. ایگوی آرام هویتی را می‌سازد که نه بیش از اندازه متمرکز بر خود است و نه دیگران. هویتی که بدون از دست دادن خود با دیگران مشارکت می‌نماید (بائر^۳ و وایمنت^۴، ۲۰۱۴). این ایگو شامل بخشش^۵، سپاسگزاری^۶، حس همدردی^۷ نسبت به دیگران، فائق آمدن بر نفع شخصی^۸ و بسیاری مؤلفه‌های دیگر و نیز برخی قابلیت‌های ذکر شده در روان‌شناسی مثبت^۹ است. ایگوی آرام دیدگاه خاصی در مورد هویت و سؤالاتی از این قبیل مفهوم فردیت دارد؟ اینکه چه جنبه‌هایی از فردیت خوب هستند؟ این دیدگاه شامل ترکیبی از جهت‌گیری‌های ارزشی، انسانی، ارگانیک و اخلاقی است که ساختار ایگوی فرد را هدایت می‌کند. ایگوی آرام که شامل هویتِ فراگیر^{۱۰} و دیدگاه جذب^{۱۱} است در مورد خود و دیگران بحث می‌کند، دیدگاه جذب، نقش مهمی در رشد نیز ایفا می‌نماید. هویتِ فراگیر اشاره به میزان شناخته شدن فرد با دیگران و خود را همانند دیگران پنداشتن و خود را در ویژگی‌های فردی با دیگران سهیم دانستن است (لیری^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۸).

1- Habermas

3- Bauer

5- forgiveness

7- compassion

9- positive psychology

11- perspective-taking

13- Montoya

2- quiet ego

4- Wayment

6- gratitude

8- self- interest

10- inclusive identity

12- Leary

14- Pittinsky

این هویت احتمال همکاری را افزایش داده و احتمال حالات خودمراقبتی را در قبال دیگران کاهش می‌دهد (مونتویا^۳ و پیتینسکی^۴، ۲۰۱۱) مخصوصاً وقتی که فرد در رشد روانی با یک گروه گسترده‌تر از دیگران شناخته می‌شود. دیدگاه جذب ایگوی آرام شامل تمرکز بر نقطه نظرات دیگران، توازن متقابل تفکر انتقادی و پیوندهای اجتماعی را برای پذیرش آرا فراهم می‌سازد که به وسیله هویت فراگیر تسهیل و پرورش می‌یابد. این دیدگاه شامل توانایی تغییر توجه از جانب خود است (کسل^۱، ۲۰۰۲) که نه تنها همدلی بلکه درک ادراکی موقعیت‌هایی که فرد از طریق فضیلت هویت فراگیر احساس همدردی می‌نماید را تسهیل می‌کند. هویت فراگیر به ارتباط بین تمامی موجودات زنده اشاره می‌کند (وایمنت و بائر، ۲۰۱۴). دیدگاه جذب نیز می‌گوید قبل از انتقاد از کسی، سعی می‌کنم تصور کنم اگر من در جای او بودم چه احساسی می‌داشتم. بائر و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی روی ۵۶۴ دانشجوی مرد و زن دریافتند که ایگوی آرام که در واقع هویت خود همدلانه است با فروتنی، شفقت، زاینده‌گی، توانایی برای دوست داشتن تجربیات روزمره، داشتن معنا در زندگی فردی، به‌زیستی و اطمینان بیشتر به توانایی فردی برای رسیدن به اهداف فرد و جامعه ارتباط دارد.

غرور ملی به‌عنوان بخشی از هویت ملی سازه‌ای چند بعدی است که در بالاترین سطح هویت فراگیر قرار دارد و می‌تواند بر حسب غرور فرهنگی - تاریخی و اقتصادی - سیاسی توصیف شود و به پیوند عاطفی مثبت نسبت به نمادها و موقعیت‌های ویژه ملی اطلاق می‌شود (مولر^۲ و پیترز^۳، ۱۹۹۸). ابعاد مختلفی برای غرور ملی بر شمرده‌اند که میزان آن در کشورهای متفاوت با هم فرق دارد؛ مثلاً غرور به علم که با رشد اقتصادی افزایش می‌یابد و برخی نظریه‌ها می‌گویند که غرور به علم در کشورهایی که نیازهای مواد پایه را دارند افزایش می‌یابد. غرور به اقتصاد که رشد نظامی هم جزئی از آن است. غرور به ورزش و قهرمانان ورزشی و غرور به ادبیات و هنر نیز تقریباً در تمام ملل بالا است. اسمیت^۴ و لارس^۵ (۲۰۰۱) در پژوهشی روی ۲۸۴۵۶ نفر از ۲۳ کشور جهان از جمله آلمان غربی و شرقی، انگلستان، آمریکا، استرالیا، ایتالیا و غیره دریافتند که غرور ملی نه تنها با عوامل مربوط به پیشرفت کشور بلکه از ویژگی‌های فردی نیز اثر می‌پذیرد. طبق این پژوهش غرور ملی در دستاوردهای خاص در میان دموکراسی‌های انگلیس و سلطنت^۶ (ایرلند، ایالات متحده، کانادا، نیوزیلند و بریتانیا) از همه بالاتر و نیز سایر ملل دموکراتیک پیشرفته از لحاظ اقتصادی نیز (نروژ، هلند، ژاپن، آلمان، هلند، سوئد و اتریش)

1- Cassell
3- Peters
5- Lars

2- Muller
4- Smith
6- Anglo-Celtic democracies

در غرور ملی تقریباً بالا بودند. اسپانیا و ایتالیا دو دموکراسی اروپایی کمتر توسعه‌یافته و همچنین فیلیپین در نزدیکی وسط رتبه‌بندی شدند. اسلوانی، جمهوری چک، مجارستان، اسلواکی، لهستان و روسیه پایین‌ترین غرور ملی را نشان دادند. ورزش رایج‌ترین منبع غرور ملی با ۷۷٪ نشان‌دهنده افتخار از کشور خود بود. این افتخار در هنر و ادبیات (۷۳٪) بالا، تاریخ (۷۱٪) و علم و صنعت (۶۸٪) غرور را به دنبال داشت. میزان غرور به وضوح در حوزه‌های دموکراسی (۴۹٪)، اقتصاد (۴۸٪)، نظامی (۴۵٪)، نفوذ سیاسی در جهان (۴۴٪)، سیستم رفاه اجتماعی (۴۱٪)، و عدالت و رفتار برابر (۳۹٪) کمتر بود. به نظر می‌رسد که غرور بیشتر از زمینه‌های فرهنگی و غیرسیاسی زندگی (ورزشی، هنر و ادبیات، تاریخ، علم و صنعت) نسبت به ویژگی‌های مستقیم دولت و خود دولت (دموکراسی، نظامی، نفوذ سیاسی در جهان و سیستم رفاه اجتماعی) حاصل می‌شود.

در مجموع، نتایج پژوهش (شکری و همکاران، ۱۳۸۶) نشان داد که سبک‌های هویت و اثر غیرمستقیم آن نیز از طریق خرده مقیاس‌های رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود، از طریق پیش‌بینی تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان، عملکرد تحصیلی آنان را تبیین می‌نماید. ملکی و عباسپور (۱۳۸۷) دریافتند که ۱۸/۵ درصد پاسخگویان دارای هویت ملی سطح بالا، ۱۳ درصد متوسط و ۱/۵ درصد دارای هویت ملی سطح پایین بودند. میانگین هویت ملی ۴۷ درصد از جوانانی که از رسانه‌های خارجی یعنی اینترنت و ماهواره استفاده می‌کردند به‌طور معنی‌داری کمتر از جوانانی بود که اصلاً از اینترنت و ماهواره استفاده نمی‌کردند. رابطه هویت ملی با رضایت اجتماعی مثبت و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی منفی بود. در کل دو متغیر رضایت اجتماعی و مصرف رسانه‌های خارجی ۳۰ درصد واریانس هویت ملی را تبیین می‌کردند. در این راستا، مظاهری و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف بررسی غرور ملی در ایرانیان مقیم کانادا، متقاضی مهاجرت به کانادا و ساکن تهران با نمونه‌ای به تعداد ۲۷۲ نفر از ایرانیان دریافتند که به‌جز عبارت‌های «از تاریخ کشورم احساس غرور...»، و «مردم باید از کشورشان حمایت کنند، حتی در صورتی که کشورشان در اشتباه باشد...»، در بقیه عبارت‌ها غرور ملی، بین گروه‌های ایرانی مقیم کانادا، متقاضی مهاجرت به کانادا و ساکن تهران تفاوت معنادار نشان داد. بدین معنا که ایرانیان مهاجر پایین‌ترین سطح غرور ملی و ایرانیان ساکن تهران بالاترین سطح غرور ملی را نشان دادند. ایرانیان متقاضی مهاجرت به کانادا بینابین دو گروه ولی عموماً نزدیک به گروه مهاجرین قرار داشتند. ایمان و مرادی (۱۳۸۸) نشان دادند که رابطه بین دو سازه رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. همچنین، در پژوهشی دیگر،

به منظور تبیین و تعریف بحران هویت فرهنگی، بحران و هویت فرهنگی را با متغیرهایی چون میزان علاقه‌مندی و توجه به زبان قومی و تاریخ مشترک، میزان تقید نسبت به انجام اعمال دینی و سنت‌ها، میزان تأثیرپذیری از دوستان و همسالان و غیره نتایج نشان داد که متغیرهای تأثیرپذیری از گروه دوستان و همسالان، تحصیلات فرد، جنسیت و تأثیرپذیری از ماهواره به ترتیب بیشترین اثرات را در تبیین متغیر وابسته یعنی بحران هویت فرهنگی داشته و حدود ۴۱ درصد از واریانس بحران هویت فرهنگی را تبیین کرده‌اند (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰).
حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰) با الهام از آرای هنری تاجفیل، هویت ملی در سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری نشان دادند که هویت ملی دانش آموزان در حد متوسط بوده و در مرتبه اول بُعد عاطفی، سپس بُعد شناختی و در آخر بُعد رفتاری تبیین‌کننده ابعاد هویت ملی قرار داشتند. از بین متغیرهای مستقل، ملی‌گرایی دوستان، ملی‌گرایی خانواده و عامل تلویزیون بر هویت ملی تأثیر داشته و از بین برنامه‌های گوناگون تلویزیون، برنامه‌های کمدی اثرگذار بوده‌اند. از بین رسانه‌های گروهی مؤثر بر هویت ملی، فقط ماهواره و ویدئو تأثیر معنادار داشته و از بین شیوه‌های گذران اوقات فراغت، مطالعه کتاب، تفریح و گردش، پیش‌بینی‌کننده هویت ملی بوده‌اند. بین هویت ملی دانش آموزان و رشته تحصیلی و پایه تحصیلی آنها رابطه معنی‌دار وجود داشت ولی بین محتوای کتاب‌های درسی و یا برنامه‌های آموزشی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و هویت ملی دانش آموزان رابطه معنی‌دار وجود نداشت.
بالاترین سطح هویت فراگیر در هر جامعه‌ای هویت ملی آن جامعه است که در تصور ما از دیگران شکل می‌گیرد و این احساسات در تمامی جوامع و ملل به چشم می‌خورد. مصادیق هویت ملی را در بسیاری چیزهای مشترک بین اعضای آن جامعه می‌توان یافت؛ نظیر پرچم، سرود ملی، آداب و سنن، زبان، دلبستگی‌های عاطفی و غیره. اسمیت و کیم^۱ (۲۰۰۶) معتقدند که هویت ملی نیروی یکپارچه‌ایی است که افراد ملت را در کنار هم قرار می‌دهد و به ارتباط آنها به‌عنوان عضوی از خانواده یک ملت شکل می‌دهد. علاقه پژوهشی به سازه غرور ملی از این دغدغه ناشی می‌شود که فقدان یا شرم از غرور ملی می‌تواند شواهدی برای پرخاشگری بین‌المللی احزاب سیاسی فراهم کرده و از مشارکت سازنده در سیاست خارجی ممانعت نماید (اسچف^۲ و رتزیگر^۳، ۱۹۹۱). در مقابل، سایرین معتقدند که غرور ملی بیش از حد می‌تواند جنگ‌طلبی و بیگانه‌ستیزی را تشویق نماید (مثلاً الارث^۴، ۲۰۰۰؛ به نقل از ایوانز^۵ و همکاران،

1- Kim
3- Retzinger
5- Evans

2- Scheff
4- Allardt

۲۰۰۲). بسیاری از رفتارهای انسان حاکی از شادکامی و داشتن معنا در زندگی است که از عوامل مختلفی از جمله امید به آینده، داشتن هویت و مؤلفه‌های آن تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، فرضیه مطرح شده در این مطالعه عبارت بود از: بر اساس مؤلفه‌های امیدواری و غرور ملی می‌توان سطح شادکامی را پیش‌بینی کرد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد شهرستان همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بود. نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. شرکت کنندگان در این پژوهش ۵۰٪ زن و ۵۰٪ مرد، ۶۸٪ مجرد و ۳۲٪ متأهل بوده، ۸۲٪ در مقطع کارشناسی و ۱۷٪ در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. دانشجویان پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد^۱، امیدواری اسنایدر^۲، و غرور ملی^۳ را پر کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون خطی تحلیل شد.

ابزار

۱- پرسشنامه شادکامی آکسفورد: پرسشنامه مذکور دارای ۲۹ ماده است و در سال ۱۹۸۹ توسط مایکل آرگایل و بر اساس پرسشنامه افسردگی بک ساخته شده است. علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) اعتبار و پایایی این آزمون را در ایران تأیید کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۸ و پایایی تنصیف ۰/۹۲ بوده است.

۲- پرسشنامه امیدواری اسنایدر: این پرسشنامه توسط اسنایدر و همکاران (۱۹۹۱) برای سنجش امیدواری ساخته شده است، دارای ۱۲ عبارت است همسانی درونی کل آزمون ۰/۷۴ تا ۰/۸۴ است و پایایی آزمون بازآزمون ۰/۸۰ و در دوره‌های بیشتر از ۸ تا ۱۰ هفته، از این میزان نیز بالاتر است (اسنایدر و لوپز^۴، ۲۰۰۷).

۳- آزمون غرور ملی: این پرسشنامه که به صورت لیکرت تنظیم شده است حاوی ۱۵ ماده که غرور ملی را در دو بُعد موفقیت‌های ویژه و غرور ملی عمومی اندازه‌گیری می‌کند. در ایران پرسشنامه مذکور توسط مجتهدی (۱۳۸۱) ترجمه و روایی آن احراز شده است. دامنه پایایی پرسشنامه غرور ملی در موفقیت‌های ویژه از ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ بود و غرور ملی عمومی از ۰/۳۳ تا

1- Oxford Happiness Questionnaire
3- National Pride Questionnaire

2- Snyder Hope Questionnaire
4- Lopez

۰/۷۰ در امتداد بوده است (به نقل از اسمیت و لارس، ۲۰۰۱). آلفای کرونباخ ماده‌های ۱۴ گانه ۰/۷۰ بوده است (مجتهدی، ۱۳۸۱؛ به نقل از مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به‌دست آمده (۰/۳۱۰) بدین معنی است که ۳۱/۱ درصد از واریانس متغیر شادکامی توسط ۲ متغیر غرور ملی و امیدواری تبیین می‌شود. نسبت F محاسبه شده در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است.

جدول ۱

خلاصه ضرایب رگرسیون

Sig	t	β	خطای معیار	B	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۴/۸۷۰**	-	۵/۴۳۹	۲۶/۴۸۸	عدد ثابت
۰/۰۴۹	۱/۹۷۲*	۰/۱۱۹	۰/۰۱۰	۰/۰۲۱	غرور ملی
۰/۰۰۱	۸/۶۳۴**	۰/۵۲۱	۰/۰۷۳	۰/۶۲۷	امیدواری

$$R^2 = 0.310; F = 44.356^{**}$$

** $P < 0.01$

* $P < 0.05$

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر شادکامی همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه تحقیق کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که هر ۲ متغیر غرور ملی و امیدواری با متغیر شادکامی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که هر ۲ متغیر غرور ملی و امیدواری با متغیر شادکامی همبستگی مثبت و معنادار دارند. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به‌صورت زیر تدوین کرد:

$$Y(\text{شادکامی}) = 26/488 + 0/119(\text{غرور ملی}) + 0/521(\text{امیدواری})$$

بحث و نتیجه‌گیری

شادکامی نیروی محرکه زندگی است که وجود آن در افراد موجب سلامتی و نشاط در جامعه می‌گردد. بخشی از شادی در افراد متأثر از امید به آینده، احساس هویت و افتخارات ملی است.

غرور ملی تأثیر مثبتی است که عموم در قبال کشورشان به‌عنوان هویت ملی خود احساس می‌کنند و شامل غرور و نیز احساس ارزشمندی است که فرد برای ملیت خود دارد و غرور یا عزت‌نفسی است که از هویت ملی خود کسب می‌نماید. از آن جایی که تاکنون پژوهشی تحت عنوان سهم امیدواری و غرور ملی در پیش‌بینی شادکامی صورت نگرفته در تبیین فرضیه‌ها سعی شده به نزدیک‌ترین تحقیقات موجود با موضوع حاضر اشاره شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که از روی امیدواری و غرور ملی می‌توان شادکامی را پیش‌بینی کرد که تا حدی با یافته‌های اسمیت و لارس (۲۰۰۱) و شکری و همکاران (۱۳۸۶) همخوان است. بنا به پژوهش آنان غرور ملی نه‌تنها از عوامل سطوح کشوری، بلکه توسط ویژگی‌های فردی شکل می‌گیرد. در تبیین این رابطه می‌توان گفت که افراد امیدوار و دارای نگرش مثبت نسبت به ملیت و افتخارات ملی خود، احساس ریشه‌دار بودن نموده، بهزیستی روانی و شادکامی بیشتری را تجربه می‌کنند. این افراد به احتمال زیاد می‌توانند هویت فراگیر را نیز پرورش می‌دهند؛ زیرا طبق پژوهش‌ها شادکامی با داشتن هویت فراگیر، عزت‌نفس، توانایی دوست داشتن تجربیات، رضایت از زندگی، بهزیستی، انعطاف‌پذیری روانی و احساس معناداری و امید در زندگی ارتباط دارد. در حقیقت به نظر می‌رسد هویت فراگیر و ایگوی آرام به رشد و تعادل فردی می‌انجامد؛ زیرا ظرفیتی برای پذیرش خود و دیگران فراهم و حالتی غیر دفاعی است که فرد دیگران و اعمالشان را تفسیر نمی‌کند. ابراز همدلی و درک نسبت به دیگران بدون تفسیر دیدگاه‌ها و نظرات آنان، موجب آرامی ایگو شده و تمرکز بر مهربانی و شفقت، هویتی را شکل می‌دهد که منجر به بهزیستی روانی و شادی می‌گردد.

References:

مراجع:

- ایمان، محمدتقی. مرادی، گل مراد (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان: مورد مطالعه شهر شیراز. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴، ۱۵۵-۱۷۴.
- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان. تهران: ارسباران.
- حقیقتیان، منصور؛ غضنفری، احمد؛ تکه اکبرآبادی، پروانه (۱۳۹۰). هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اصفهان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، ۱، ۷۱-۸۲.

- سلیگمن، مارتین ای. پی. (۱۳۸۹). شادی درونی. ترجمه مصطفی تبریزی، رامین کریمی، و علی نیلوفری. تهران: دانژه (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۴).
- شکری، امید؛ شهرآرای، مهرناز؛ دانش‌پور، زهره؛ دستجردی، رضا (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و عملکرد تحصیلی: نقش تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی. پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره ۱، ۱، ۱۶-۲۹.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ابراهیم‌آبادی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بحران هویت فرهنگی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی تبریز. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال چهارم، پیاپی ۱۶، ۲۲۸-۲۰۷.
- عسگری، پرویز؛ شرف‌الدین، هدا (۱۳۸۹). رابطه اضطراب اجتماعی، امیدواری و حمایت اجتماعی با احساس ذهنی بهزیستی در دانشجویان. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۱۰، ۱، ۳۹-۲۷.
- علی‌پور، احمد؛ نوربالا، احمدعلی (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی اسکفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. فصلنامه اندیشه و رفتار، سال پنجم، ۲ و ۱، ۵۵۰-۶۳۰.
- گروسی فرشی، میر تقی؛ مانی، آرش؛ بخشی‌پور، عباس (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و احساس شادکامی در دانشجویان دانشگاه تبریز. فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۱، ۱۴۲-۱۵۸.
- گلستانی بخت، طاهره (۱۳۸۷). روان‌شناسی مثبت. انتشارات پیام نور.
- مظاهری، محمدعلی؛ میناکاری، محمود؛ صادقی، منصوره‌سادات. (۱۳۸۷). مقایسه غرور ملی در ایرانیان مقیم کانادا، متقاضی مهاجرت به کانادا، و ساکن تهران. فصلنامه روان‌شناسی، سال دوازدهم، ۲، ۱۶۹-۱۵۴.
- مک‌گراون، دیوید (۱۳۸۴). ظهور و سقوط ناسیونالیسم. مترجم: محی‌الدین شریف‌زاده. فصلنامه زیربار، سال نهم، ۵۷، ۲۲۹-۲۲۵.
- ملکی، امیر؛ عباس‌پور، علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه‌های آن (مطالعه موردی: جوانان ۱۶ تا ۲۹ ساله شهرستان رودسر - استان گیلان). فصلنامه دانش انتظامی، ۳۹، ۱۷۶-۱۵۲.
- نصیری، حبیب‌اله؛ جوکار، بهرام (۱۳۸۷). معناداری زندگی، امید، رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان. پژوهش زنان، ۶، ۱۷۶-۱۵۷.

- Argyle, M., Martin, M., Grossland, J. (1989). *Happiness as a function of personality in: JP Forgas and JM Innes (eds). Recent advances in social psychology: An international perspective*. North Holland: Elsevier Science Publisher, pp.189-203.
- Cassell, E. J. (2002). Compassion. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 434-445). Oxford, England: Oxford University.
- Evans, M. D. R., & Kelley, J. (2002). "National Pride in the Developed World: Survey Data from 24 Nations". *International Journal of Public Opinion Research*, 14, 303-338.
- Leary, M. R., Tipsord, J., & Tate, E. B. (2008). Allo-inclusive identity: Incorporating the natural and social worlds into one's sense of self. In H. A. Wayment & J. J. Bauer (Eds.), *Transcending self-interest: Psychological explorations of the quiet ego* (pp. 7-19). Washington, DC: American Psychological Association.
- Montoya, R. M., & Pittinsky, T. L. (2011). When increased group identification leads to outgroup liking and cooperation: The role of trust. *Journal of Social Psychology*, 151, 784-806.
- Muller-Peters, A. (1998). The significance of national pride and national identity to the attitude toward the single European currency: A Europe-wide comparison. *Journal of Economic Psychology*, 19, 701-719.
- Scheff, T. J., & Retzinger, S. M. (1991). *Emotions and violence: Shame and rage in destructive conflicts*. Lexington, MA: D. C. Heath and Company.
- Seligman, M. E. P., & Peterson, C. (2003). Positive clinical psychology. A *Psychology of Human Strengths: Fundamental Questions and Future Directions for a Positive Psychology*, ed. LG Aspinwall, UM Staudinger, Washington, DC: Am. Psychol. Assoc. pp. 305-17.
- Smith, T. W., & Kim, S. (2003). National Pride in Comparative Perspective: 1995/96 and 2003/04. *International Journal of Public Opinion Research*, 18, doi:10.1093/ijpor/edk007.
- Smith, T. W., & Lars, J. (2001). *National Pride in Cross-National Perspective*. Chicago, IL: National Opinion Research Center and the University of Chicago.
- Snyder, C. R., Harris, C., Anderson, J. R., Holleran, S. A., Irving, L. M., Sigmon, S. T., & Harney, P. (1991). The will and the ways:

Development and validation of an individual-differences measure of hope. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 570-585.

Snyder, C. R., Michael, S. T., & Cheavens, J. S. (1999). 'Hope as a psychotherapeutic foundation of nonspecific factors, placebos, and expectancies', in M. A. Hubble, B. Duncan, S. Miller (eds.), *Heart and Soul of Change*, Washington, D. C: APA, pp. 205-230.

Snyder, C. R. (2000). The past and possible futures of hope. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19, 11-28.

Snyder, C. R., & Lopez, S. J. (2007). *Positive Psychology: The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*, USA: Sage Publications.

Wayment, H. A., Bauer, J. J., & Sylaska, K. (2014). The quiet ego scale: Measuring the compassionate self-identity. *Journal of Happiness Studies*, online version pre-publication.

پیش‌بینی رفتار رانندگی پر خطر بر اساس سبک‌های هویتی

Predicting the Behavior of High-Risk Driving Style Based on Identity Styles

Shiva Soltani, M.A. *

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

Zahra Etemadieh Mirzai, M.A.

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

شیوا سلطانی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

زهرا اعتمادیه میرزایی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

Abstract: The Purpose of this study was to investigate the relation between high-risk driving behavior and identity styles. The Manchester Driving Behavior Questionnaire and Berzonsky's Identity Style Questionnaire were used. The sample consisted of 150 undergraduate male and female students of Roudehen Islamic Azad University, (except the students in Psychology and education), in the academic years of 2012-2013. The sample was selected by random cluster sampling. Regression analysis of the data indicated a correlation between identity style and landslides variable of high risk driving. However, only the information-orientation identity style had negative correlations with four components of the Manchester Driving Behavior Questionnaire (landslides, intentional violations, errors, unintentional violations).

Keywords: driving; identity inventory; risky behavior

*soltanishiva71@yahoo.com

چکیده: هدف اساسی این مطالعه پیش‌بینی رفتار رانندگی پر خطر براساس سبک‌های هویتی است. اطلاعات لازم بر مبنای مفروضه تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی و با اجرای دو پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر و سبک هویتی برزونسکی جمع‌آوری شدند. نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ نفر از جامعه دانشجویان دختر و پسر مقطع لیسانس دانشگاه آزاد اسلامی رودهن به جز رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی بود که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین متغیرهای سبک هویت و متغیر لغزش‌ها همبستگی معنادار وجود دارد. اما تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با ۴ مؤلفه رانندگی پر خطر (لغزش‌ها، تخلفات عمدی، اشتباهات، تخلفات غیرعمدی) همبستگی منفی و معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: رانندگی؛ پرسشنامه سبک هویتی؛ رفتار پرخطر

بر خلاف تصور برخی از افراد، نحوه رانندگی با اتومبیل بیش از ظاهر آن می‌تواند فرهنگ و سطح اجتماعی فرد را نمایان سازد؛ چون چگونگی رانندگی با اتومبیل، به‌خوبی نشان‌دهنده وجوه مختلف شخصیتی، رفتاری و درک اجتماعی یک انسان است. در واقع نحوه رانندگی، نمونه‌ای بارز از اخلاق اجتماعی اشخاص است؛ زیرا رعایت قانون و مقررات، احترام به حقوق دیگران، آستانه تحمل فردی در مقابل محرک‌های ترافیکی و میزان پاکیزگی و سلامت اتومبیل و ایجاد فضای آرام برای سرنشینان و رانندگان دیگر، همگی نمونه‌هایی از رفتار اجتماعی راننده است که در هنگام رانندگی ناخودآگاه از شخصیت واقعی او منعکس می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که در ۹۰ تا ۹۵ درصد تصادفات، عامل تعیین‌کننده اصلی، رفتار انسان است و رفتارهای ضد اجتماعی با خشونت در رانندگی و نحوه رانندگی خشن نیز با تصادفات رابطه دارد (هل^۱، ۱۳۸۹).

در این راستا، بررسی‌های متعددی در خصوص رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار رانندگی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد عناصر خاصی از شخصیت باعث رفتارهای قانون‌شکنانه در رانندگی می‌شود. از این رو، این رفتارها به برآورده شدن برخی از نیازهای شخصی فرد منجر می‌شود؛ هر چند که با سیستم قانونمند محیط اطراف مغایرت دارد (اکبری، تقوی و سوری، ۲۰۰۶). اخیراً با افزایش توجه افراد به اتومبیل، رفتارهای جالبی از بعضی رانندگانی که سعی دارند با اتومبیل یا شیوه رانندگی خود، نظر دیگران را جلب کنند، سر می‌زند. آنها معمولاً با سرعت و سبقت غیر مجاز و هراس‌انگیز و انجام حرکات نمایشی در محل‌هایی که رانندگان معمولی و خانواده دیگران در آن رهگذر هستند، لجبازی با دیگر رانندگان، سعی بر جذب افراد خاص و جلب توجه اطرافیان دارند؛ اما این کار نه‌تنها جذاب و شاهکار نیست؛ بلکه نشانه ضعف فرهنگی و عدم کنترل فردی نیز به شمار می‌رود.

مردم غالباً توجه کمی را برای دریافت اینکه چگونه رفتار آنها خطرناک است، انجام می‌دهند. بسیاری از رفتارهای خطرناک ممکن است برای مدت زیادی، بدون هیچ‌گونه جریمه‌ایی انجام شود و بنابراین فرد مرتکب، نتواند هیچ‌گونه اشاره‌ایی درباره اینکه چگونه فعالیت خطرناک است، دریافت کند تا اینکه سرانجام، زمانی رفتاری همراه با شرایط دیگری برای تولید یک حادثه، دست به دست هم دهند. با توجه به این مسئله، نرخ تصادف فرد کاملاً تحت کنترل او نیست و فرد می‌تواند تا حدودی در حادثه بی‌تقصیر باشد. در نتیجه سخت است که ببینیم چگونه رانندگان می‌توانند سطح خطرشان را با صراحتی که میزان خطر کردن می‌گوید، کنترل

1- Hole

کنند. حتی اگر آنها توانایی خطر را در ابتدا به دقت مد نظر قرار دهند (هل، ۱۳۸۹).

تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که ویژگی‌های هویتی در رانندگی پر مخاطره نقش دارند. با توجه به شیوع رفتارهای حادثه‌ساز رانندگی و رانندگی‌های پر مخاطره و همچنین ازدیاد تصادفات در بین رانندگان جوان، شناسایی رانندگان پر خطر و ارائه مشاوره و راهنمایی و آموزش اختصاصی به آنان از طریق مشاورین روان‌شناسی و پلیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وسایط نقلیه که از مشخصه‌های تمدن مدرن است، با افزایش تعداد تصادفات و مرگ و میر، تبدیل به مشکل بزرگی در عرصه‌های مختلف اجتماعی شده است. آمارها نشان می‌دهند که در هر ۵ ثانیه یک مرگ بر اثر حادثه رانندگی رخ می‌دهد و برآورد شده است که در سال ۲۰۲۰ سومین عامل مرگ و میر در سطح جهان حوادث ترافیکی و جاده‌ای باشد (احمدی، ۱۳۹۰). تحقیقات مختلف، عوامل متفاوتی را جهت شناسایی علل حوادث رانندگی ذکر می‌کنند که از میان آنها می‌توان به ویژگی‌های هویتی و سبک رانندگی اشاره کرد. لذا با توجه به اهمیت رفتار رانندگی در میزان تصادفات، توصیه می‌شود جهت بهبود وضعیت رانندگی و کاهش میزان تصادفات، ارزیابی‌های روان‌شناختی در هنگام ارائه گواهینامه و پس از آن به‌طور دوره‌ای صورت پذیرد و می‌توان آموزش‌های مخصوصی را برای آسیب‌پذیران به خطاهای رانندگی در نظر گرفت.

در بیشتر تحقیقات صورت گرفته برای مثال احمدی ۱۳۹۰، کاظمینی و همکارانش ۱۳۹۰، در داخل کشور؛ جونا و همکارانش ۲۰۰۱، آلبرگ، راندمو ۲۰۰۳، در خارج از کشور؛ روی رفتار رانندگی پر خطر تأثیر متغیرهای شخصیتی - هویتی، شناخت و ادراک افراد نسبت به خطر (یعنی بُعد شناختی) در موقعیت‌های رانندگی، نگرش و تمایل افراد به قانون مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین متغیرهایی مثل جنسیت، سن و وضعیت تأهل و یا در ارتباط با مصرف مواد و الکل نیز به‌عنوان متغیرهای اصلی پیش‌بینی کننده رفتار رانندگی مطرح بوده‌اند، اما کمتر تحقیقات انجام گرفته به دنبال مدلی هستند که نوع این ارتباطات را مشخص کنند و به راحتی می‌توان گفت، چنین مدلی پیدا نشده است.

از سوی دیگر، رانندگی در خیابان‌های کشورمان، ایران بیش از پیش استرس‌زا، خطرناک و دشوار شده است. پرخاشگری‌ها، ناسزاهایی که بین رانندگان، و رانندگان و عابرین پیاده رد و بدل می‌شود، ارباب سرنشینان، به رخ کشیدن رفتارهای قاهرانه، و گاهی برخوردهای فیزیکی میان رانندگان، به اوج خود رسیده است. اصلاح رانندگی پر خطر نیازمند دخالت گروه‌های مختلفی از متخصصین، از جمله روان‌شناسان ترافیک است (طیبی، ۱۳۸۶). از این رو به دلیل کمبود چنین مطالعاتی، در این بررسی پژوهشگر با توجه به نظریه‌های مطرح شده و نتایج تحقیقات معرفی شده به دنبال تبیین رفتار پر خطر رانندگی از طریق ویژگی‌های هویتی و

رفتار رانندگی به صورت یک مدل مفهومی - آماری است.

رفتار رانندگی پر خطر شامل هر گونه رفتاری است که از راننده سر می‌زند و احتمال وقوع یک حادثه را افزایش می‌دهد. این رفتار شامل نقص قانون و مقررات راهنمایی و رانندگی نیز می‌شود. سبقت و سرعت غیرمجاز، عدم رعایت حق تقدم، عبور از چراغ قرمز، عدم توجه به علائم راهنمایی و رانندگی، انحراف به چپ و تغییر مسیر، نمونه‌هایی از رفتار رانندگی پر خطر هستند. رانندگی خطرناک شامل رانندگی رقابت‌جویانه (لذت بردن از مانور دادن در میان دیگر رانندگان)، رانندگی خطرپذیر (پذیرش خطرات رانندگی برای هیجان و لذت)، رانندگی همراه با خطرپذیری بالا (سرعت و سبقت ناگهانی)، رانندگی پرخاش‌جویانه مانند (رانندگی با فاصله کم با خودروهای دیگر که اغلب به منظور تنبیه رانندگان صورت می‌گیرد، گاز دادن از روی خشم، ژست‌های خشمناک) نگرش‌های مزبور و ویژگی‌های شخصیتی و هویتی که گسترش این رفتارها، ایمنی را به‌طور جدی تهدید می‌کند (طیبی، ۱۳۸۶).

اسلی^۱ مک‌گوین^۲ و نک‌نیل^۳ (۲۰۰۳) با مطالعه‌ای در این زمینه، رانندگی پر خطر را شامل رانندگی رقابتی (لذت بردن از رقابت با رانندگان دیگر)، رانندگی خطرناک (رانندگی خطرناک برای هیجان)، رانندگی بسیار پر خطر (شامل، سرعت، گردش ناگهانی یا سبقت) و رانندگی تهاجمی (چسباندن به عقب اتومبیل برای ایجاد وحشت در راننده دیگر، بوق زدن با عصبانیت، ژست‌های بی‌ادبانه) معرفی کردند. با توجه به مطالب فوق، این تحقیق درصدد بررسی رابطه بین سبک‌های هویتی و رفتار رانندگی پر خطر است. بنابراین، در این مطالعه سؤال اساسی این است که آیا بر اساس سبک‌های هویتی می‌توان رفتار رانندگی پر خطر را پیش‌بینی کرد؟

روش

پژوهش حاضر بر مبنای مفروضه تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی بود که به بررسی ارتباط یک متغیر یا چند متغیر با یک یا چند متغیر دیگر می‌پردازد.

جامعه آماری مشتمل بر دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی رودهن (به جز رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی) مقطع لیسانس در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بود. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون بنا به توصیه محققان (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱؛ به نقل از بریس^۴، کمپ^۵ و اسنلگار^۶، ۱۳۸۸) حجم نمونه باید حداقل ۱۰ برابر تعداد

1- Owsley
3- NcNeal
5- Kemp

2- McGwin
4- Brace
6- Snelgar

متغیرهای پیش‌بین یا برابر با بزرگ‌ترین مقدار یکی از این دو مورد باشد: ۸ برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین به اضافه ۵۰. یا تعداد متغیرهای پیش‌بین به اضافه ۱۰۴. در بالاترین میزان متغیرهای وارد شده در مدل حاضر ۸ برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین (۴ متغیر: $32 = 8 * 4$) به اضافه ۱۰۴ به میزان ۱۳۶ نفر برآورد شد. در این مطالعه برای جلوگیری از افت آزمودنی‌ها حجم نهایی تا ۱۵۰ نفر افزایش داده شد. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ابتدا چهار رشته انتخاب شد. بعد از بین ۴ رشته، ۱۰ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شده و از بین دانشجویان شرکت‌کننده در این کلاس‌ها از ۱۵۰ دانشجو درخواست شد تا پرسشنامه‌های مذکور را تکمیل کنند.

ابزار

۱- پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر: پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر^۱ در سال ۱۹۹۰ و در بخش روان‌شناسی دانشگاه منچستر، به وسیله ریسن و همکاران تنظیم و تدوین شد. این مقیاس در کشورهای مختلفی مانند انگلستان، استرالیا، چین و فنلاند اجرا و اعتباریابی شده است و بر این ایده اساسی قرار دارد که خطاها و تخلفات، دارای علل روان‌شناختی و شیوه‌های اصلاح متفاوتی هستند و باید بین آنها تمایز قائل شد. اینک MDBQ به ابزاری رایج در اندازه‌گیری رفتارهای رانندگی تبدیل شده است (دیوی^۲، ۲۰۰۷). در کل این پرسشنامه به تعیین انواع ناهنجاری‌های رانندگی (خطاها و تخلفات) می‌پردازد که خود علل روان‌شناختی و شیوه‌های اصلاح متفاوت دارند. این پرسشنامه شامل ۵۰ سؤال است که در یک طبقه لیکرتی ۰ تا ۵ درجه‌بندی می‌شود (هرگز = ۰، به ندرت = ۱، گاه‌گاهی = ۲، بیشتر اوقات = ۳، به‌طور مکرر = ۴ و همیشه = ۵)، سؤالات در دو جنبه با یکدیگر فرق دارند، یکی در نوع رفتار و دیگری در میزان خطری که آن رفتار برای دیگر رانندگان دارد.

رفتارهای ناهنجار شامل ۴ دسته بودند: خطاهای سهوی، اشتباهات، تخلفات عمدی و تخلفات غیرعمدی. همچنین در مورد میزان خطر این رفتارها سه طبقه‌بندی وجود دارد: الف) رفتارهای بدون احتمال خطر برای بقیه رانندگان جاده و فقط در حد ایجاد احساس عدم آرامش برای دیگران (احتمال خطر کم)، ب) رفتاری که احتمال دارد برای دیگران ایجاد خطر کند (احتمال خطر متوسط) و ج) برای دیگران رانندگان حتماً ایجاد خطر می‌کنند (احتمال خطر زیاد). پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر از مؤلفه‌های روان‌سنجی^۳ قابل قبولی برخوردار بوده است. پارکر و ریسن^۴ در بررسی پایایی و بازآزمایی ۸۰ نفر راننده و در یک فاصله

1- Manchester Driving Behavior Questionnaire

2- Diewii

3- psychometric properties

4- Rissen

هفت هفته‌ای ضرایب همبستگی $0/81$ برای خطاها و $0/75$ برای تخلفات را به دست آورده‌اند. عریضی و حقایق (۱۳۸۸) طی مطالعه‌ای به بررسی و استانداردسازی این پرسشنامه در ایران طی دو مرحله پرداخته‌اند: در مرحله اول، به منظور بررسی اعتبار سازه از ۲۹۳ راننده دارای گواهینامه پایه دوم همگانی خواسته شد که پرسشنامه رفتار رانندگی را کامل رانندگی کنند. در مرحله دوم، به منظور پایایی سنجی، نمونه مستقلی شامل ۴۰ نفر از رانندگان با تجربه انتخاب و از آنها خواسته شد به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهند. میانگین سنی رانندگان $30/71$ و انحراف معیار سنی آنها $11/39$ ، بیشینه سنی آنها ۵۴ و کمینه سنی آنها ۲۱ سال به دست آمد. قبل از توزیع پرسشنامه‌ها، اطمینان حاصل شد که افراد از وسیله نقلیه به صورت مرتب استفاده می‌کنند. بعد از اتمام پاسخ‌دهی، از افراد خواسته شد که اگر سؤالی را جواب نداده‌اند، به آنها پاسخ دهند. در مرحله دوم، بعد از تحلیل عوامل داده‌ها، و استخراج چهار عامل، به منظور پایایی سنجی پرسشنامه، ۴۰ نفر راننده با تجربه انتخاب شدند و از آنها خواسته شد همه سؤالات پرسشنامه را پاسخ دهند. به این ترتیب نمونه‌گیری در دو مرحله مستقل از هم انجام شد. داده‌های به دست آمده مورد تحلیل عاملی و پایایی قرار گرفتند. نتایج تحلیل اکتشافی^۱، چهار عامل لغزش‌ها، اشتباهات، تخلفات عمدی و تخلفات سهوی رانندگی را به وضوح از هم متمایز کردند و نتایج تحلیل پایایی نشان دادند که هر ۴ عامل این مقیاس از ضرایب همسانی درونی زیادی برخوردارند (لغزش: $0/77$ ، اشتباهات: $0/81$ ، تخلفات عمدی: $0/86$ ، تخلفات غیرعمدی: $0/65$) پرسشنامه رفتار رانندگی به مثابه یک ابزار پایا و روا می‌تواند در پژوهش‌های رفتار رانندگی مورد استفاده قرار گیرد. ساختار پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر بر اساس طبقه‌بندی نوع انحرافات رانندگی (خطاها و تخلفات) و احتمال خطر آن رفتار (زیاد، متوسط، کم).

۲- پرسشنامه سبک هویتی برزونسکی: پرسشنامه سبک هویت به منظور ارزیابی جهت‌گیری هویت افراد توسط برزونسکی^۲ در سال ۱۹۸۹ ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این آزمون یک ابزار خود گزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیر مقیاس تشکیل یافته است که ۳ تا از آنها شامل سبک‌های هویت و چهارمین زیرمقیاس مربوط به تعهد است.

زیرمقیاس‌های پرسشنامه سبک هویت عبارتند از:

۱. زیرمقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی^۳ که دارای ۱۱ عبارت است، برزونسکی اظهار کرده است افرادی که در این مقیاس نمره بالایی کسب می‌کنند تنها پس از جمع‌آوری اطلاعات بررسی گزینه‌های ممکن مورد پردازش اطلاعات تصمیم‌گیری می‌کنند.

1- exploratory factor analysis
3- information-orientation

2- Berzonsky

۲. زیرمقیاس جهت‌گیری هنجاری^۱ که شامل ۹ عبارت است. افرادی که در این مقیاس نمره بالایی کسب می‌کنند بدون تفحص و بررسی از قوانین و هنجارهایی که والدین و همسر یا دوستشان وضع کرده است، پیروی می‌کنند.

۳. زیرمقیاس جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی^۲ که دارای ۱۰ عبارت است. افرادی دارای جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی تصمیم‌گیری تا حد ممکن به تأخیر و تعویق می‌اندازند.

۴. زیرمقیاس تعهد^۳ که این مقیاس هم از ۱۰ عبارت تشکیل شده است. این زیرمقیاس نشان می‌دهد که آزمودنی به چه میزان نسبت به مذهب، سیاست و رشته تخصصی خود احساس تعهد می‌کند. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱= اصلاً شبیه من نیست، ۵= کاملاً شبیه من) مشخص سازد که هر یک از عبارات ذکر شده تا چه حد نشان‌دهنده ویژگی‌های شخصیتی وی است.

پایایی حاصل از روش بازآزمایی در فاصله ۲ هفته (N=۹۴) زیرمقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی= ۰/۸۷، زیرمقیاس جهت‌گیری هنجاری= ۰/۸۷، زیرمقیاس جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی= ۰/۸۳، زیرمقیاس تعهد= ۰/۸۹.

یافته‌ها

در این تحقیق، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به‌منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های تحقیق برای تحلیل داده‌ها حسب مورد از روش ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

بر اساس اطلاعات جدول ۱ در خصوص توزیع نمره‌های شرکت‌کنندگان در آزمون‌های سبک‌های هویت (۴ سبک تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری) و رانندگی پرخطر (۴ مؤلفه لغزش‌ها، تخلفات عمدی، اشتباه‌ها و تخلفات غیرعمدی) شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارد.

1- normative-orientation
3- commitment

2- diffuse-orientation

جدول ۱
خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت‌کنندگان
در آزمون‌های سبک‌های هویت و رانندگی پرخطر

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
سبک‌های هویت	تعهد	۳۴/۹۴	۴/۹۵	۰/۳۸۳	۰/۱۲۷
	اطلاعاتی	۳۵/۹۶	۷/۱۵	-۰/۱۴۵	-۰/۴۲۵
	سردرگم/اجتنابی	۲۳/۴۸	۵/۰۲	۰/۰۷۸	-۰/۰۶۱
رانندگی پرخطر	هنجاری	۳۱/۴۵	۶/۲۷	-۰/۵۶۵	۱/۶۶۶
	لغزش‌ها	۲۴/۷۹	۱۵/۹۳	۱/۰۱۳	-۰/۵۳۲
	تخلفات عمدی	۲۳/۶۴	۱۶/۶۸	۰/۷۰۵	-۰/۴۴۶
	اشتباه‌ها	۸/۷۵	۶/۴۷	۱/۰۹۸	۰/۹۱۳
	تخلفات غیرعمدی	۴/۷۱	۳/۶۶	۱/۳۱۳	۲/۲۷۰

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق ابتدا با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک ارزیابی شد (جدول ۲).

جدول ۲
خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	مؤلفه‌ها	لغزش‌ها	تخلفات عمدی	اشتباه‌ها	تخلفات غیرعمدی
		r	r	r	r
سبک‌های هویت	تعهد	-۰/۱۶۷*	-۰/۰۸۵	-۰/۱۰۸	-۰/۱۰۲
	اطلاعاتی	-۰/۲۶۳**	-۰/۲۳۳**	-۰/۲۸۸**	-۰/۲۵۴**
	سردرگم/اجتنابی	-۰/۰۷۳	۰/۰۱۷	۰/۰۲۴	-۰/۰۱۰
	هنجاری	-۰/۱۲۳	-۰/۰۱۵	-۰/۱۲۴	-۰/۱۶۳*

**P<۰/۰۱

*P<۰/۰۵

ضرایب به‌دست آمده در جدول فوق بیانگر همبستگی ساده بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک است. جهت همبستگی صرفاً حاکی از رابطه منفی و معنادار بین متغیرهای سبک اطلاعاتی با همه مؤلفه‌های رانندگی پرخطر است ($P<۰/۰۱$). در عین حال، همبستگی بین سبک هویت و تعهد و مؤلفه لغزش‌ها مثبت و معنادار بود ($P<۰/۰۵$). همچنین، بین سبک هویت هنجاری و مؤلفه تخلفات غیرعمدی همبستگی منفی و معنادار به‌دست آمد ($P<۰/۰۵$).

جدول ۳

خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی لغزش‌ها براساس ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری

Sig	t	متغیر وابسته: لغزش‌ها ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۵/۰۷۸**	-	۵۶/۰۹۴	عدد ثابت
۰/۲۳۰	-۱/۲۰۵	-۰/۱۰۴	-۰/۳۳۲	سبک هویت تعهد
۰/۰۱۰	-۲/۵۹۳*	-۰/۲۴۲	-۰/۵۴۰	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۸۳۸	-۰/۲۰۴	-۰/۰۱۷	-۰/۰۵۴	سبک هویت سردرگم/اجتنابی
۰/۸۹۴	۰/۱۳۳	۰/۰۱۲	۰/۰۲۱	سبک هویت هنجاری

$$R = ۰/۲۸۴; R^2 = ۰/۰۸۱; \text{ تعدیل شده}; R^2 = ۰/۰۵۶; F = ۳/۱۹۲*$$

**P<۰/۰۱

*P<۰/۰۵

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به‌دست آمده (۰/۰۸۱) بدین معنی است که ۸/۱ درصد از واریانس متغیر لغزش‌ها توسط ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری تبیین می‌شود. به‌عبارت دیگر، ۸/۱ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر لغزش‌ها توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۲۸۴) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۳/۱۹۲) در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر لغزش‌ها همبستگی معنادار وجود دارد. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که از بین این ۴ متغیر تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با متغیر لغزش‌ها همبستگی معنادار دارد. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیر سبک هویت اطلاعاتی با لغزش‌ها همبستگی منفی و معنادار دارد. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به‌صورت زیر تدوین کرد:

$$Y(\text{لغزش‌ها}) = ۵۶/۰۹۴ - ۰/۵۴۰$$

با توجه به اطلاعات جدول ۴، مقدار R^2 به‌دست آمده (۰/۰۷۱) بدین معنی است که ۷/۱ درصد از واریانس متغیر تخلفات عمدی توسط ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری تبیین می‌شود. به‌عبارت دیگر، ۷/۱ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر تخلفات عمدی توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۲۶۷) نیز

نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۲/۷۷۱) در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تخلفات عمدی همبستگی معنادار وجود دارد. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که از بین این ۴ متغیر تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با متغیر تخلفات عمدی همبستگی معنادار دارد.

جدول ۴

خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تخلفات عمدی بر اساس ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری

Sig	t	متغیر وابسته : تخلفات عمدی ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۳/۳۱۷**	-	۳۸/۵۶۶	عدد ثابت
۰/۵۶۹	-۰/۵۷۱	-۰/۰۴۹	-۰/۱۶۵	سبک هویت تعهد
۰/۰۰۲	-۳/۱۰۱**	-۰/۲۹۲	-۰/۶۸۰	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۵۲۳	۰/۶۴۰	۰/۰۵۴	۰/۱۷۹	سبک هویت سردرگم/اجتنابی
۰/۱۵۲	۱/۴۴۰	۰/۱۳۳	۰/۳۵۲	سبک هویت هنجاری

$R=۰/۲۶۷$; $R^2=۰/۰۷۱$; تعدیل شده $R^2=۰/۰۴۵$; $F=۲/۷۷۱$ *

** $P<۰/۰۱$

* $P<۰/۰۵$

علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیر سبک هویت اطلاعاتی با تخلفات عمدی همبستگی منفی و معنادار دارد. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به‌صورت زیر تدوین کرد:

$$(سبک هویت اطلاعاتی) Y = ۳۸/۵۶۶ - ۰/۶۸۰$$

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۰۹۰) بدین معنی است که ۹ درصد از واریانس متغیر اشتباه‌ها توسط ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری تبیین می‌شود. به‌عبارت دیگر، ۹ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر اشتباه‌ها توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۲۹۹) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۳/۵۶۵) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر اشتباه‌ها همبستگی معنادار وجود

دارد. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که از بین این ۴ متغیر تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با متغیر اشتباه‌ها همبستگی معنادار دارد.

جدول ۵

خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی اشتباه‌ها بر اساس ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری

Sig	t	متغیر وابسته: اشتباه‌ها ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۴/۰۶۳**	-	۱۸/۱۶۲	عدد ثابت
۰/۴۶۴	-۰/۷۳۴	-۰/۰۶۳	-۰/۰۸۲	سبک هویت تعهد
۰/۰۰۲	-۳/۱۳۵**	-۰/۲۹۲	-۰/۳۶۴	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۳۹۶	۰/۸۵۱	۰/۰۷۱	۰/۰۹۲	سبک هویت سردرگم/اجتنابی
۰/۷۸۹	۰/۲۶۸	۰/۰۲۴	۰/۰۲۵	سبک هویت هنجاری

$R=۰/۲۹۹$; $R^2=۰/۰۹۰$; R^2 تعدیل شده = $۰/۰۶۴$; $F=۳/۵۶۵**$

** $P<۰/۰۱$

* $P<۰/۰۵$

علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیر سبک هویت اطلاعاتی با اشتباه‌ها همبستگی منفی و معنادار دارد. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به صورت زیر تدوین کرد:

$$Y(\text{سبک هویت اطلاعاتی}) = ۱۸/۱۶۲ - ۰/۲۶۴$$

با توجه به اطلاعات جدول ۶، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۰۶۹) بدین معنی است که ۶/۹ درصد از واریانس متغیر تخلفات غیرعمدی توسط ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۶/۹ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر تخلفات غیرعمدی توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۲۶۳) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۲/۶۸۴) در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تخلفات غیرعمدی همبستگی معنادار وجود دارد. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که از بین این ۴ متغیر تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با متغیر تخلفات غیرعمدی همبستگی معنادار دارد.

جدول ۶

خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تخلفات غیر عمدی بر اساس ۴ سبک هویت تعهد، اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی و هنجاری

Sig	t	متغیر وابسته: تخلفات غیر عمدی ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۴/۰۹۱**	-	۱۰/۴۷۴	عدد ثابت
۰/۵۵۹	--۰/۵۸۶	-۰/۰۵۱	-۰/۰۳۷	سبک هویت تعهد
۰/۰۲۰	-۲/۳۴۳*	-۰/۲۲۱	-۰/۱۱۳	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۷۲۴	۰/۳۵۳	۰/۰۳۰	۰/۰۲۲	سبک هویت سردرگم/اجتنابی
۰/۵۹۶	-۰/۵۳۲	-۰/۰۴۹	-۰/۰۲۹	سبک هویت هنجاری

$R=۰/۲۶۳$; $R^2=۰/۰۶۹$ ؛ تعدیل شده؛ $R^2=۰/۰۴۳$; $F=۲/۶۸۴*$
** $P<۰/۰۱$ * $P<۰/۰۵$

علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیر سبک هویت اطلاعاتی با تخلفات غیر عمدی همبستگی منفی و معنادار دارد. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به‌صورت زیر تدوین کرد:

$$Y = ۱۰/۴۷۴ - ۰/۱۱۳ (\text{سبک هویت اطلاعاتی})$$

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج به‌دست آمده، بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر لغزش‌ها همبستگی معنادار وجود دارد. اما تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با ۴ مؤلفه رانندگی پر خطر (لغزش‌ها، تخلفات عمدی، اشتباهات، تخلفات غیر عمدی) همبستگی منفی و معنادار داشت. بنابراین، شواهد برای پذیرش فرضیه‌های اول، دوم، سوم و چهارم کافی بود. بر اساس نتایج فرضیه اول می‌توان گفت که سبک‌های هویتی میزان خطر رانندگی را پیش‌بینی می‌کنند. همان‌طور که سیفی (۱۳۸۸) بیان کرده، بین سبک‌های هویتی و میزان خطر رانندگی رابطه وجود دارد. همچنین، بسیاری از ویژگی‌های دیگر شخصیتی نیز می‌توانند رفتار رانندگی و ادراک خطر رانندگی را پیش‌بینی کنند. چنانچه شاکری‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) به نتیجه رسیدند که می‌توان این متغیرها را پیش‌بینی کرد، و همچنین ادراک خطر رانندگی چنانچه، مأ^۱ و همکارانش در سال (۲۰۰۹)

اذعان کردند بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی بر روی رفتارهای رانندگی خطرناک مؤثرند. بنابراین نتایج حاصل تا حدی با پژوهش حاضر همسو است.

نتایج به‌دست آمده در فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تخلفات عمدی همبستگی معنادار وجود دارد. اما از بین این ۴ متغیر تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با متغیر تخلفات عمدی همبستگی بیشتری وجود دارد، بنابراین ارتباط قوی و مثبتی بین سبک‌های هویتی و شخصیتی و تخلفات رانندگی دیده می‌شود، چنان‌که لمبرت^۱ و همکارانش در سال (۲۰۱۲) به این مسئله اشاره کردند. همچنین بین مانورها و سبک‌های جاده‌ای و تصادفات و نوع شخصیت نیز رابطه دیده شده است (کلاسن^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

نتایج به‌دست آمده در فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر اشتباهات همبستگی معنادار وجود دارد. از این میان که از بین این ۴ متغیر تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی با متغیر اشتباهات همبستگی معناداری دارد. بنابراین می‌توان گفت خطاهای رانندگی به طریقی با نوع سبک هویت ارتباط دارد، چنان‌که استاماتیادیس^۳ و همکاران در سال (۲۰۰۹) دریافته‌اند که حتی در موقعیت‌های مجازی نیز خطاهای رانندگی می‌تواند ناشی از اشتباهات باشد، همچنین کتابی یزدی و همکاران در سال (۱۳۸۹) اشتباهات رانندگی را جزو خطاهای رانندگی و پر خطر به حساب می‌آورند.

در مورد فرضیه چهارم نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تخلفات غیرعمدی همبستگی معنادار وجود دارد، همچنین متغیر سبک هویت اطلاعاتی با تخلفات غیرعمدی همبستگی منفی و معنادار دارد. بنابراین، می‌توان گفت ویژگی‌های شخصیتی و هویتی می‌توانند تصادفات و تخلفات غیرعمدی را پیش‌بینی کنند، وندرسیتز^۴ در سال (۲۰۰۸) و گالیور^۵ و همکارانش در سال (۲۰۰۷) نیز به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند.

محدودیت‌ها: پژوهش حاضر خالی از محدودیت نبوده و مهم‌ترین آنها عبارتند از: استفاده از صرفاً پرسشنامه با توجه به محدودیت‌های خاص آن، عدم تفسیر علمی از نتایج با در نظر گرفتن ماهیت تحقیقات همبستگی، عدم امکان کنترل تأثیر برخی از متغیرهای مداخله‌گر مانند ویژگی‌های شخصیتی آزمودنی‌ها، وضعیت اجتماعی و غیره.

پیشنهادها: در نظر گرفتن سایر متغیرها در بررسی متغیرهای مربوط به خطر رانندگی، به‌دست آوردن ملاک‌های دقیق، جهت شناسایی خطر کردن در رانندگی، انتخاب نمونه بزرگ‌تر و

1- Lambert
3- Stamatiadis
5- Gulliver

2- Classen
4- Wundersitz

گروه‌های سنی وسیع‌تر در انجام پژوهش‌های بعدی به‌منظور دستیابی به نتایج گسترده‌تر جهت تعمیم‌پذیری بیشتر یافته‌ها، سازمان‌دهی پژوهش‌های دیگر در جمعیتی غیر از دانشجویان، انجام تحقیقات مشابه بر روی نمونه‌های دیگر با ویژگی‌های گوناگون.

References:

مراجع:

- احمدی، سیروس (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جنسیت و تخلف رانندگی. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، ۳، ۲۴-۱۳.
- بریس، نیکلا، کمپ، ریچارد، و سنگلار، رزمی (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های روان‌شناسی با برنامه اس پی اس اس. (ترجمه علی‌آبادی، خدیجه، و صمدی، سید علی). تهران: دوران. (بی‌تا).
- حقایق، سیدعباس، و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۸). رابطه تیپ‌های پرخاشگری بر پایه نظریه کارن هورنای با رفتارهای منفی و مثبت رانندگی و رخداد سوانح. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱، ۸۵-۸۱.
- شاکری‌نیا، ایرج؛ محمدپور، مه‌ری (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان و پرخاشگری با عادات رانندگی در رانندگان پر خطر. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۸، ۳، ۲۳۳-۲۲۵.
- طیبی، زهرا (۱۳۸۶). تحلیل رفتار رانندگی از دیدگاه پردازش اطلاعات. نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۳۰، ۱۷۰-۱۴۷.
- کاظمینی، تکتیم؛ قندی هاشم‌آبادی، بهرامعلی؛ مدرس غربی، مرتضی؛ اسماعیلی‌زاده، مسعود (۱۳۹۰). اثربخشی گروه‌درمانی شناختی - رفتاری در کاهش خشم و پرخاشگری رانندگی. مجله روان‌شناسی بالینی، سال ۳، پیاپی ۱۰، ۱۱-۱.
- کتابی یزدی، دامون؛ حلوانی، غلامحسین (۱۳۸۹). بررسی میزان شیوع رفتارهای پرخطر منجر به حوادث ترافیکی در رانندگان شهر یزد در سال ۱۳۸۷. اولین همایش ملی دانشجویی مدیریت و فناوری‌های نوین در علوم بهداشتی، سلامت و محیط زیست، تهران.
- هل، گراهام (۱۳۸۹). روان‌شناسی رانندگی. (ترجمه: عبدالله شفیع‌آبادی، حبیب‌الله اکبری و علیرضا اسماعیلی). تهران: ترمه. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷).

- Akbari, M. E., Naghavi, M., & Soori, H. (2006). Epidemiology of deaths from injuries in the Islamic Republic of Iran. *East Meditterrien Health Journal*, 12, 382-390
- Classen, S., Nicolas, A. L., McPeck, R., & Breiner, J. F. (2011). Personality as a predictor of driving performance: An exploratory study. *Transportation Research Part F/14*, 381-389.
- Dionne, G., Fluet, C., & Desjardins, D. (2007). Predicted risk perception & risk-taking behavior: The case of impaired driving. *The Quebec department of transport. Journal of Risk and Uncertainty*, 35, 237- 264.
- Gulliver, P., & Begg, D. (2007). Personality factors as predictors of persistent risky driving behavior and crash involvement among young adults. *Injury Prevention*, B, 6, 400-418.
- Jonah, B. A., Thiessen, R., & Au-Yeung, E. (2001). Sensation seeking, risky driving and behavioral adaptation. *Accident Analysis and Prevention*, 33, 679-684
- Lambert, H. A., & Regan, M. A. (2012). Transportation research, Part F. *Traffic Psychology and Behavior*, 15, 261-271.
- Ma, M., Yan, X., & Huang, H. (2009). Occupational driver safety of public transportation: Risk perception, Attitudes, and Driving. *journal of the Transportation Research Board*, 5, 220-237.
- McGwin, G., & Nc Neal, F. (2003) impact of impulsiveness/ venture some ness and empathy driving by older adults. *Journal of Safety Research*, 34, 353-359.
- Stamatiadis, N., Bailey, K., & Grosardt, T. (2009). How Driver Risk Perception Affects Operating Speeds. *Journal of Advanced Transportation Studies*, XVII, 17-28.
- Ulleberg, P., & Rundmo, T. (2003). Personality, attitudes and risk perception as predictors of risky driving behavior among young drivers. *Safety Science*, 41, 427-443.
- Wundersitz, L. N, (2008). Can Personality Characteristics Predict the Crash Involvement of Young Drivers? *Australasian road safety research, policing and education conference*. Adelaide, South Australia.

رابطه بین سبک هویت و بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان با والدین معتاد

Relationship between Identity Style and Psychological Well-Being in Students with Addicted Parents

Hamideh Khademi, M.A. *

Ferdos Department of Education

Razieh Shahidi, M.A.

Payam Noor University, Zahedan

Fatemeh Shahabizadeh, Ph.D.

Islamic Azad University, Birjand Branch

Mahdieh Adaram, M.A.

Zahedan University of Medical Sciences and Health Services

حمیده خادمی

آموزش و پرورش فردوس

راضیه شهیدی

دانشگاه پیام نور واحد زاهدان

دکتر فاطمه شهابی‌زاده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

مهديه آدرم

دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

Abstract: Psychological well-being means a commitment to personal growth and challenges in life. The investigation of positive health aspects is increasing these days. In view of the fact that the cognition of psychological well-being is so important, the purpose of this research is to investigate the relationship between identity styles and resilience with cognitive psychological well-being among students with addicted parents of Ferdos city. In a correlative-descriptive investigation with purposeful sampling method, 91 students with addicted parents (47 female, 44 male) were selected. For gathering information the psychological well-being inventory (Ryff, 1989), Identity Styles Questionnaire (Berzonsky, ISI6G, 1992), and resilience

* hamideh5320@gmail.com

چکیده: بهزیستی روان‌شناختی به معنای تعهد فرد نسبت به رشد فردی و چالش‌های موجود در زندگی است. یکی از مسائل عمده‌ای که نوجوانان با آن روبرو هستند، مسئله شکل‌گیری هویت، تعهد، و شخصیت فردی بوده که می‌تواند رضایت از زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین انواع سبک‌های هویت، تعهد و بهزیستی روان‌شناختی در بین دانش‌آموزان با والدین معتاد شهرستان فردوس انجام شده است. در یک بررسی توصیفی - همبستگی ۹۱ نفر از فرزندان والدین معتاد (۴۷ دختر و ۴۴ پسر) که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی عمدی انتخاب شده بودند، به پرسش‌های مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی و پرسشنامه سبک‌های هویت پاسخ دادند. یافته‌ها نشان دادند که تعهد، نقش مثبتی در پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی هدفمندی در زندگی، پذیرش خود، و تسلط محیطی دارد. سبک اطلاعاتی تنها در پیش‌بینی مؤلفه رشد فردی، سهم مثبت مستقیمی نشان داد. به هر

questionnaire (Conner and Davidson, 2003) were used. To analyze data, step by step regression, t and χ^2 test were used. The results were as follows: 1. Identity styles are valid predictors for well-being psychology. 2. Resilience has positive and meaningful correlations with all well-being subscales except independence. 3. Identity styles subscale (normative and commitment) are valid predictors of psychological well-being. 4. Identity styles and resilience are valid predictors of psychological well-being. 5. There are no differences in regard to identity styles and resilience between sexes. This research emphasizes the importance of resilience and identity styles in maintaining and improving psychological well-being and specifies variables which are valid predictors of psychological well-being.

حال نتایج نشان دادند که سبک هنجاری تنها در پیش‌بینی تسلط محیطی و سبک اجتنابی نیز تنها به‌طور مستقیم در پیش‌بینی هدفمندی در زندگی معنا دارند. سبک اطلاعاتی و تعهد (اکتشاف) نسبت به دیگر سبک‌ها سهم چشم‌گیری در پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی نشان داد. در نهایت، یافته‌های این پژوهش گویای اهمیت سبک‌های هویت در حفظ و ارتقاء بهزیستی روان‌شناختی افراد بوده و متغیرهای یادشده می‌توانند میزان بالایی از تغییرپذیری بهزیستی روان‌شناختی را تبیین کنند و توجه به آنها در تأمین بهزیستی افراد ضروری است.

Keywords: identity styles; psychological well-being; students with addicted parents

کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت؛ بهزیستی روان‌شناختی؛ دانش‌آموزان با والدین معتاد

رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، در سال‌های اخیر هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارند. از این رو عواملی که سبب سازگاری هر چه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد هستند (سامانی، جوکار، و صحراگرد، ۱۳۸۶). در این میان داشتن هویت یکی از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود و به عقیده فروم هر فردی بی‌همتا است و داشتن هویت به‌عنوان فردی بی‌همتا و یگانه، نیاز بنیادی انسان است. نوجوانی بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی مرحله‌ای است که باید در آن با بحران هویت من خود، مواجه شویم و آن را حل کنیم (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷). در نظریه روانی - اجتماعی اریکسون، شکل‌گیری هویت با حل موفقیت‌آمیز بحران هویت همراه است (ولوراس^۱، بوسما^۲، ۲۰۰۵). به نظر اریکسون در بعضی از موارد جوانانی که نمی‌توانند با سردرگمی ناشی از نقش جنسی و شغلی خود روبرو شوند، هویتی منفی انتخاب می‌کنند. مثلاً نوجوانی که قادر نیست انتخاب درستی از نقش جنسی یا شغلی

1- Vleioras

2- Bosma

داشته باشد، در برابر ابراز نگرانی مکرر والدین از خطر گرایش او به اعتیاد، احتمالاً به سوی مصرف مواد مخدر گرایش خواهد یافت (کدیور، ۱۳۸۷). سردرگمی هویت زمانی روی می‌دهد که جوان قادر به فرمول‌بندی احساس هویت و تعلق نیست (نعمتی، ۱۳۸۷). بر اساس روش برزونسکی^۱ (۱۹۸۹) در طبقه‌بندی سبک‌های هویت افراد در سه طبقه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم یا اجتنابی قرار می‌گیرند (پروین^۲ و جان^۳، ۲۰۰۱).

اریکسون به‌طور مؤکد پیامد شکل‌گیری هویت مطلوب را از نظر رشدی با قضاوت فردی مناسب، احساس یکپارچگی درونی و ظرفیت خوب عمل کردن و آنچه که می‌تواند به‌عنوان ویژگی افراد سالم از نظر روان‌شناختی محسوب شود، مربوط دانست (ولوارس، بوسما، ۲۰۰۵). پژوهشگران دریافته‌اند که بهزیستی روان‌شناختی به معنای تعهد فرد نسبت به رشد فردی و چالش‌های زندگی است (کی‌یس^۴، اشماتکین^۵، و ریف^۶، ۲۰۰۲). ریف، نقل از شکری و همکاران (۱۳۸۶) پیشنهاد کرد که بهزیستی روان‌شناختی به آنچه فرد برای بهزیستی به آن نیاز دارد، اشاره می‌کند. این تعریف با ویژگی افراد با شخصیت‌های سالم از نظر اریکسون، همانندی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. اریکسون یکی از ویژگی‌های افراد سالم را شکل‌گیری هویت می‌داند. یافته‌ها نشان می‌دهند که اجتناب از مواجهه با مسایل مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد.

جامعه ایران، یک جمعیت بسیار جوان است به‌طوری که نتایج نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد افراد جامعه در سنین پایین‌تر از ۲۵ سال هستند و ۳۲ درصد از جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۷۵ در سنین ۱۱ تا ۲۴ سالگی قرار داشتند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵) که تقریباً منطبق بر سنین بحران و تحکیم هویت در نظریه اریکسون است که مربوط به دوره‌های نوجوانی و اوایل بزرگسالی است. این امر باعث اهمیت یافتن مسائل مربوط به این گروه سنی می‌شود و از جمله این مسائل شکل‌گیری هویت، راهبردهای مؤثر در آن و پیامدهای گونه‌های مختلف این شکل‌گیری است و مسائلی از قبیل اعتیاد، ایدز و مسائل و مشکلات رفتاری که تهدید کننده سلامت جامعه و به‌خصوص این گروه سنی است؛ مسائلی است که پایگاه هویت طبق پژوهش‌هایی انجام شده برای مثال (جونز، هارتمن، گروچسکی، گیلدر، ۱۹۸۹؛ بیشاب میسی لویس، اسپنکلوس، پاسولا و استروس، ۱۹۹۷) هرناذرودی کلیمینته (۱۹۹۲) در آنها نقش موثری دارد و پایگاه‌های نابالغ هویت به‌خصوص پراکندگی هویت آسیب‌پذیری افراد را برای این مسائل افزایش می‌دهد. برای مثال از آنجا که افراد دچار پراکندگی هویت (سردرگم)

1- Berzonsky
3- John
5- Shmotkin

2- Pervin
4- Keyes
6- Ryff

بیش از همه رفتارشان تحت تأثیر فشار گروه همسالان قرار می‌گیرد، در صورتی‌که نسبت بزرگی از جامعه در پایگاه پراکندگی قرار گیرند، باعث تسهیل همه‌گیر شدن اعتیاد خواهد بود. شکل‌گیری هویت در سازگاری و سلامت روانی و در ابتلا به مسایل روانی و آسیب‌پذیری در برابر اختلالات روانی مؤثر است (مارسیا، به نقل از یعقوب‌زاده، ۱۳۸۶).

در این میان توجه به وضعیت روانی دانش‌آموزان در معرض خطر، از جمله دانش‌آموزان با والدین با اختلالات روانی، الکلیسم، معتاد، مجرم و غیره، ضروری به‌نظر می‌رسد. بر اساس آمارهایی که توسط آموزش و پرورش ارائه شده است، ۳/۱ درصد از دانش‌آموزان شهر تهران، به دلیل داشتن والدین معتاد با درگیری مستقیم و غیرمستقیم در خرید و فروش مواد مخدر در معرض خطر اعتیاد قرار دارند (قاسمی، ۱۳۸۸)، و از هر ۱۰۰۰ دانش‌آموز، ۲۰ نفر شاهد اعتیاد افرادی در خانواده خود هستند (کرباسی، ۱۳۷۹). هر چند آمار دقیقی از تعداد دانش‌آموزان با والدین معتاد در کل کشور موجود نیست؛ ولی با دقت در این آمار، لزوم توجه به سلامت روان دانش‌آموزان با والدین معتاد مشخص می‌گردد و از آن جهت که بهزیستی روان‌شناختی یکی از زیر مجموعه‌های سلامت روان است (بزازیان و رجایی، ۱۳۸۶)، توجه به عوامل پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان با والدین معتاد مدنظر است. در کل می‌توان گفت هویت و بهزیستی روان‌شناختی هر دو یک شخصیت سالم و زندگی سالم را به‌وجود می‌آورند، چون بر پایه فرایند شناختی است که انسان پا به عرصه تصمیم‌گیری می‌گذارد و بهزیستی روان‌شناختی نیز بازخورد فرد از زندگی را نشان می‌دهد. پژوهش‌های مختلفی نیز تأکید بر اهمیت شکل‌گیری مثبت هویت و رشد بهزیستی روان‌شناختی فرد دارند (غلامرضایی، ۱۳۸۷).

پژوهش‌های متعددی (شکری و همکاران، ۱۳۸۶؛ غلامرضایی، ۱۳۸۷؛ برزونسکی، به نقل از شکری و همکاران، ۱۳۸۶؛ برزونسکی و کاک^۱، ۲۰۰۵؛ و ولوراس و بوسما، ۲۰۰۵) رابطه بین سبک‌های هویت و مؤلفه‌های بهزیستی را بررسی نمودند. اما بعضی مطالعات از جمله (برزونسکی، نقل از شکری و همکاران، ۱۳۸۶؛ و ولوراس و بوسما، ۲۰۰۵) نشان دادند، سبک هنجاری نقش معناداری در پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی ندارد، اگرچه مطالعاتی نیز (شکری و همکاران، ۱۳۸۶ و غلامرضایی، ۱۳۸۷) رابطه معنادار بین آنها را نشان داد. بعضی مطالعات (ولوراس و بوسما، ۲۰۰۵) نیز تفاوتی بین نقش اطلاعاتی و هنجاری بر مؤلفه‌های بهزیستی نشان ندادند. این مطالعه در پی آن است که مشخص شود سبک‌های هویت تا چه میزان بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان در معرض خطر را پیش‌بینی می‌کند.

1- Kuk

روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود که از روش نمونه‌گیری سرشماری^۱ استفاده شد. با استفاده از پرسشنامه سبک‌های هویت، و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی به‌طور کلی ۱۱۴ پرسشنامه با توجه به آمار جامعه مذکور تحویل دانش‌آموزان داده شد که ۲۳ نفر ریزش داشتند. نمونه پژوهشی این تحقیق شامل ۹۱ نفر (۴۷ دختر و ۴۴ پسر) از دانش‌آموزان با والدین معتاد (یک یا هر دو والد) شهرستان فردوس، در محدوده سنی (۱۴ تا ۲۰ سال) که در مقطع تحصیلی راهنمایی و متوسطه مشغول به تحصیل بودند و پرونده اعتیاد والدین تعدادی از آنها در اداره بهزیستی و کلینیک ترک اعتیاد از تاریخ ۱۳۸۹/۵/۱ تا ۱۳۸۹/۸/۱۵ موجود بوده و مابقی از دانش‌آموزان با والدین معتاد در مدارس که از طریق مشاوران مورد شناسایی قرار گرفته بودند، انتخاب گردید.

ابزار

۱- **مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (RSPWB):** مقیاس بهزیستی روان‌شناختی^۲ را ریف در سال ۱۹۸۰ طراحی کرد (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). فرم اصلی دارای ۱۲۰ پرسش بود، ولی در بررسی‌های بعدی فرم‌های کوتاه‌تر ۸۴ سؤالی، ۵۴ سؤالی، و ۱۸ سؤالی نیز پیشنهاد گردید. در این پژوهش بر پایه پیشنهاد ریف به پژوهشگران، فرم ۸۴ سؤالی آن به‌کار برده شد. مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی دارای شش خرده مقیاس پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، خودمختاری، زندگی هدفمند، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. در فرم ۸۴ سؤالی، هر عامل دارای ۱۴ پرسش است. ویژگی‌های روانسنجی نسخه اصلی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی قابل قبول گزارش شدند (شکری و همکاران، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی هدف در زندگی، پذیرش خود، تسلط محیطی، ارتباط مثبت با دیگران، رشد فردی، استقلال به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۶۸، ۰/۶۶، ۰/۵۶، ۰/۳۰ به‌دست آمد.

۲- **مقیاس سبک‌های هویتی برزونسکی (۱۹۹۲):**^۳ این پرسشنامه اولین بار توسط برزونسکی، ۱۹۸۹، برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی - اجتماعی نوجوانان که در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. بر اساس دیدگاه برزونسکی نوجوانان، سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازش هویتی مختلفی را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و شامل ۴۰ سؤال است (غلامرضایی، ۱۳۸۷). پاسخ هر سؤال روی یک طیف پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱، مخالف = ۲، تا حدودی موافق = ۳، موافق = ۴ و کاملاً موافق = ۵) مشخص می‌شود.

1- method census
3- Identity Style Inventory

2- Psychological Well-Being Scale

جدول ۱
ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر

متغیرها	مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
سبک‌های هویت	۱. اطلاعاتی	۱										
	۲. هنجاری	۰/۶۹**	۱									
	۳. اجتنابی	۰/۱۵	۰/۰۱	۱								
	۴. تعهد	۰/۳۱**	۰/۳۷**	۰/۴۱**	۱							
	تاب‌آوری	۰/۴۶**	۰	۰/۲۷**	۰/۳۲**	۱						
	۶. رشد شخصی	۰/۳۷**	۰/۴۶**	۰/۱۸**	۰/۳۹**	۰/۴۳**	۱					
	۷. ارتباط	۰/۰۵**	۰/۳۷**	۰/۲۳*	۰/۴۵**	۰/۴۳**	۰/۱۵	۱				
	۸. استقلال	۰/۴۷**	۰/۰۴	۰/۳۴**	۰/۲۸**	۰/۱۸	۰/۶۴**	۰/۱۹	۱			
	۹. تسلط محیطی	۰/۲۹**	۰/۰۵	۰/۲۵**	۰/۵۴**	۰/۵۷**	۰/۵۳**	۰/۵۷**	۰/۳۲**	۱		
	۱۰. پذیرش خود	۰/۳۸**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۴۲**	۰/۴۷**	۰/۵۹**	۰/۵۹**	۰/۲۵**	۰/۶۵**	۱	
	۱۱. هدفمندی	۰/۳۸**	۰/۳۸**	۰/۴۱**	۰/۵۷**	۰/۵۴**	۰/۶۰**	۰/۲۵**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	۰/۶۲**	۱

*P<۰/۰۵

**P<۰/۰۱

یافته‌ها

جهت مشخص شدن همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای پژوهش، ماتریس همبستگی در جدول ۱ ارائه شد. همبستگی بین سبک‌های هویت، تاب‌آوری و مقیاس‌های شش‌گانه بهزیستی نشان می‌دهد که سبک‌های هویت با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی از جمله رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، تسلط محیطی، پذیرش خود و هدفمندی در زندگی رابطه مثبت نشان داد اما رابطه سبک هنجاری با استقلال معنادار به‌دست نیامد. هویت اجتنابی نیز با رشد شخصی، استقلال، تسلط محیطی، پذیرش خود و هدفمندی در زندگی رابطه منفی معناداری نشان داد.

همبستگی بین سبک‌های هویت، تاب‌آوری و مقیاس‌های شش‌گانه بهزیستی نشان می‌دهد که سبک‌های هویت با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی از جمله رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، تسلط محیطی، پذیرش خود و هدفمندی در زندگی رابطه مثبت نشان داد اما رابطه سبک هنجاری با استقلال معنادار به‌دست نیامد. هویت اجتنابی نیز با رشد شخصی، استقلال، تسلط محیطی، پذیرش خود و هدفمندی در زندگی رابطه منفی معناداری نشان داد.

در ادامه تحلیل داده‌های آماری برای میزان پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی در نمونه مورد تحقیق از رگرسیون گام به گام استفاده گردید که نتایج آن در زیر آمده است.

بین سبک‌های هویت با مؤلفه استقلال رابطه وجود دارد. نتیجه آزمون مذکور نشان داد: در قدم اول متغیر تعهد، وارد معادله گردید، متغیر مذکور به‌تنهایی می‌تواند حدود ۸٪ متغیر استقلال را تبیین کند و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند ($P=0/007$).

بین سبک‌های هویت با مؤلفه تسلط محیطی رابطه وجود دارد. نتیجه آزمون مذکور نشان داد: در قدم اول متغیر تعهد، وارد معادله گردید، متغیر مذکور به‌تنهایی می‌تواند حدود ۲۹٪ متغیر تسلط محیطی را تبیین کند و در قدم دوم متغیر هنجاری، وارد معادله گردید و با توجه به جدول فوق، این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۲۹٪ به ۴۰٪ افزایش دهد و در قدم سوم متغیر سردرگم - اجتنابی، وارد معادله گردید که این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۴۰٪ به ۴۴٪ افزایش دهد. به‌عبارتی متغیرهای تعهد، هنجاری و سردرگم - اجتنابی با هم می‌توانند ۴۴٪ مؤلفه تسلط محیطی را تبیین کنند ($P<0/001$).

بین سبک‌های هویت با مؤلفه رشد فردی رابطه وجود دارد. نتیجه آزمون مذکور نشان داد: در قدم اول متغیر اطلاعاتی، وارد معادله گردید، متغیر مذکور به‌تنهایی می‌تواند حدود ۳۴٪ متغیر رشد فردی را تبیین کند و در قدم دوم متغیر تعهد، وارد معادله گردید و با توجه به جدول فوق، این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۳۴٪ به ۳۹٪ افزایش دهد. به‌عبارتی متغیرهای اطلاعاتی و تعهد با هم می‌توانند ۳۹٪ مؤلفه رشد شخصی را تبیین کنند ($P<0/001$).

بین سبک‌های هویت با مؤلفه ارتباط مثبت با دیگران رابطه وجود دارد. نتیجه آزمون مذکور نشان داد: در قدم اول متغیر تعهد، وارد معادله گردید، متغیر مذکور به‌تنهایی می‌تواند حدود ۲۱٪ متغیر ارتباط مثبت با دیگران را تبیین کند و در قدم دوم متغیر اطلاعاتی، وارد معادله گردید و با توجه به جدول فوق، این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۲۱٪ به ۲۷٪ افزایش دهد. به‌عبارتی متغیرهای اطلاعاتی و تعهد با هم می‌توانند ۲۷٪ مؤلفه ارتباط مثبت با دیگران را تبیین کنند ($P < 0/001$).

بین سبک‌های هویت با مؤلفه هدفمندی در زندگی رابطه وجود دارد. نتیجه آزمون مذکور نشان داد: در قدم اول متغیر تعهد، وارد معادله گردید، متغیر مذکور به‌تنهایی می‌تواند حدود ۳۲٪ متغیر هدفمندی در زندگی را تبیین کند و در قدم دوم متغیر سردرگم - اجتنابی، وارد معادله گردید و با توجه به جدول فوق، این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۳۲٪ به ۳۹٪ افزایش دهد و در قدم سوم متغیر هنجاری، وارد معادله گردید که این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۳۹٪ به ۴۶٪ افزایش دهد. به‌عبارتی متغیرهای تعهد، سردرگم - اجتنابی و هنجاری با هم می‌توانند ۴۶٪ مؤلفه هدفمندی در زندگی را تبیین کنند ($P < 0/001$).

بین سبک‌های هویت با مؤلفه پذیرش خود رابطه وجود دارد. نتیجه آزمون مذکور نشان داد: در قدم اول متغیر تعهد، وارد معادله گردید، متغیر مذکور به‌تنهایی می‌تواند حدود ۱۹٪ متغیر پذیرش خود را تبیین کند و در قدم دوم متغیر هنجاری، وارد معادله گردید و با توجه به جدول فوق، این متغیر می‌تواند ضریب تبیین را از ۱۹٪ به ۲۳٪ افزایش دهد. به‌عبارتی متغیرهای تعهد و هنجاری با هم می‌توانند ۲۳٪ مؤلفه پذیرش خود را تبیین کنند ($P < 0/001$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی از جمله رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، تسلط محیطی، پذیرش خود و هدفمندی در زندگی نیز رابطه مثبت نشان داد اما رابطه آنها با استقلال معنادار به‌دست نیامد. اگرچه رابطه بین تعهد و استقلال نیز معنادار به‌دست آمد. هویت اجتنابی نیز با رشد شخصی، استقلال، تسلط محیطی، پذیرش خود و هدفمندی در زندگی رابطه منفی معناداری نشان داد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش غلامرضایی (۱۳۸۷)، شکری و همکاران (۱۳۸۶) و ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) از آن جهت که این افراد نیز بین سبک اطلاعاتی با مؤلفه رشد فردی و ارتباط مثبت با دیگران رابطه معنادار گزارش نموده‌اند، هم‌خوانی دارد، ولی به دلیل این که غلامرضایی (۱۳۸۷) بین سبک اطلاعاتی با کلیه مؤلفه‌ها و شکری و همکاران (۱۳۸۶) و

ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) بین سبک اطلاعاتی با کلیه مؤلفه‌ها به‌جز استقلال رابطه معنادار به‌دست آورده‌اند با پژوهش حاضر مغایرت دارد.

از دلایل مغایرت نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات گذشته می‌توان بیان نمود، به جهت اینکه نمونه حاضر از دانش‌آموزان با والدین معتاد انتخاب گردیده است و خانواده نقش اساسی در شکل‌گیری هویت فرزندان ایفا می‌کند، احتمالاً رابطه اندک سبک اطلاعاتی (در پژوهش حاضر) با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، حضور دانش‌آموزان در کنار والدین معتاد می‌باشد. به هر حال احتمال دارد محدوده سنی مورد بررسی (۱۴ تا ۲۰ سال) نیز در استفاده از سبک اطلاعاتی تأثیرگذار بوده است، چرا که با توجه به توزیع فراوانی کمترین فراوانی مربوط به گروه اطلاعاتی بوده است.

سبک هویت‌هنجاری بر تسلط محیطی اثر مثبت و معنادار نشان داد که با نتایج غلامرضایی (۱۳۸۷) و برزونسکی به نقل از شکری و همکاران (۱۳۸۶)، از آن جهت که آنان نیز بین سبک‌هنجاری با مؤلفه تسلط محیطی رابطه معنادار به‌دست آورده‌اند مطابقت دارد، ولی به دلیل اینکه در نتایج غلامرضایی (۱۳۸۷) بین سبک‌هنجاری با سایر مؤلفه به‌جز استقلال رابطه به‌دست آمده است مغایرت دارد.

به هر حال در پژوهش حاضر نوع والد معتاد مشخص نبوده و احتمال دارد سبک‌هنجاری در ارتباط با والد غیر معتاد بوده و با مؤلفه مذکور تداعی می‌شود. آنچه مسلم است افراد با سبک‌هنجاری به اکتشاف و جستجوی مسائل و حوزه‌های مختلف نمی‌پردازند و از بررسی و جستجو اجتناب می‌کنند لذا به‌نظر می‌رسد که چنین افرادی نتوانند به کلیه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی دست یابند. افراد‌هنجاری وقتی با تصمیمات مهم روبرو می‌شوند، به جستجوی مشورت با منابع قدرت و افراد مهم دیگر می‌پردازند که اغلب اوقات این اشخاص دارای قدرت، همان کسانی هستند که فرد‌هنجاری، خود پنداره‌اش را بر مبنای استانداردهای آنها استوار کرده است (غلامرضایی، ۱۳۸۷). از دلایل مغایرت نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات گذشته می‌توان بیان نمود که احتمال دارد عدم رابطه بین سبک‌هنجاری با دیگر مؤلفه‌های بهزیستی در پژوهش حاضر این باشد که دانش‌آموزان با والدین معتاد در یافتن یک منبع قدرت (مثلاً: پدر و مادر) به جهت هم‌نوایی با او دچار مشکل هستند و از آنجا که افراد در سبک‌هنجاری یک روحیه پذیرنده دارند، این تناقض ایجاد شده می‌تواند باعث ایجاد رابطه کم، بین سبک‌هنجاری با دیگر مؤلفه‌ها گردد.

بین سبک سردرگم - اجتنابی با مؤلفه هدفمندی رابطه منفی و معنادار به‌دست آمد که با نتایج تحقیق شکری و همکاران (۱۳۸۶) و غلامرضایی (۱۳۸۷) مبنی بر وجود رابطه بین سبک

اجتنابی با مؤلفه هدفمندی همخوانی دارد، ولی به دلیل اینکه غلامرضایی (۱۳۸۷) بین سبک اجتنابی با کلیه مؤلفه‌ها و شکری و همکاران (۱۳۸۶) بین سبک اجتنابی با مؤلفه استقلال و رشد فردی نیز رابطه منفی و معنادار به دست آورده‌اند ناهمخوان می‌باشد. به هر حال افراد آشفته - اجتنابی به‌طور کلی به آینده یا پیامدهای دراز مدت انتخاب‌های خود توجه زیادی نمی‌کنند و تعهدی در قبال انتخاب‌های هویت از خود نشان نمی‌دهند و فقط زمانی نسبت به چیزی جدیت نشان می‌دهند که شرایط بیرونی به آنها تحمیل کند (برزونسکی به نقل از غلامرضایی، ۱۳۸۷). لذا می‌توان دلیل رابطه منفی و معنادار این سبک با هدفمندی را تفسیر نمود. از دلایل مغایرت نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات قبلی، به‌طور کلی می‌توان بیان نمود که دانش آموزان با والدین معتاد به دلیل اعتماد به نفس پایین، به موضوعاتی مانند رشد فردی، استقلال، تسلط محیطی و پذیرش خود نمی‌پردازند و همچنین به دلیل عدم مقبولیت اجتماعی خانواده از ارتباط مثبت با دیگران سر باز می‌زنند.

در تحقیقات شناختی اجتماعی، بریکمن و کمپل به نقل از برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان داده‌اند تعهدات فردی ثابت یا خود اطمینانی ممکن است نقش مهمی در عملکرد و بهزیستی ایفا نماید که می‌تواند از دلایل رابطه بین تعهد با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی باشد. به هر حال فردی که بتواند به تعهد در حوزه‌های هویت برسد، مسلماً از بهزیستی روان‌شناختی نیز برخوردار است. در تعاریف نیز به‌طور اخص آمده است که تعهد عبارتست از تثبیت و اتخاذ تصمیم‌های نسبتاً بادوام و سرمایه‌گذاری شخصی روی این تصمیم‌ها (آدامز به نقل از فتح‌الهی، ۱۳۸۴)، و همچنین تعهد و مسئولیت به‌عنوان پای‌بندی به یک مجموعه از قوانین و مقررات، اهداف و عقاید تعریف شده است (لایکش^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). با توجه به این تعاریف می‌توان به‌علت رابطه بین تعهد و مؤلفه هدفمندی پی‌برد.

یافته‌ها پیشنهاد می‌دهند که سلامت عاطفی مثبت و بهزیستی روانی از آن جهت که افراد را به توانش و پتانسیل‌شان رسانده و باعث می‌شود تا زندگی شاد و سالمی داشته باشند دارای اهمیت است (وارنی^۲ و کاسنز^۳، ۲۰۱۰). سوء مصرف مواد به سلامت فرد، زندگی خانوادگی، اقتصاد، امنیت و رشد فرهنگی جامعه آسیب می‌رساند ولی بیش از هر چیز، آینده جوانان را مورد تهدید قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند به روان‌شناسان، مشاوران و کلیه دست‌اندرکاران امر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در امر پرورش و اصلاح افراد به‌خصوص افراد در معرض خطر (فرزندان والدین معتاد) کمک نماید، تا با به کارگیری فنون و روش‌های

1- Luyckx
3- Cosens

2- Varney

مشاوره به شکل‌گیری هویت موفق که زمینه‌ساز بهزیستی روان‌شناختی در آنها می‌باشد، اقدام نمایند. بدون شک بالا بردن سطح بهزیستی روان‌شناختی افراد منجر به توانمندسازی آنان در برابر آسیب‌های اجتماعی و در نتیجه کاهش آسیب‌ها از جمله اعتیاد می‌گردد.

References:

مراجع:

- آزاده، هاجر؛ نعمتی، آزاده (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی تاب‌آوری و آمادگی برای مصرف مواد. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بزازیان، سعیده و رجایی، یدا... (۱۳۸۶). رابطه بین موقعیت اقتصادی و اجتماعی با سلامت روانی و جسمانی. مجله روان‌شناسان ایران، ۱۱، ۲۴۸-۲۳۷.
- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام؛ و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی. فصلنامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال یازدهم، ۳، ۲۹۵-۲۹۰.
- شکری، امید؛ اسماعیلی، عزیزا...؛ دانش‌پور، زهره؛ غنایی، زیبا؛ دستجردی، رضا (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و عملکرد تحصیلی نقش تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی. مجله پژوهش در سلامت روان شناختی، ۱، ۳۰-۱۶.
- شولتز، دوآن و شولتز، سیدنی (۱۳۷۷). نظریه‌های شخصیت (ترجمه: یحیی سید محمدی). تهران: هما.
- غلامرضایی، زهره (۱۳۸۷). مقایسه سبک‌های هویتی و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان تیز هوش و عادی مقطع متوسطه شهر بیرجند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند.
- فتح‌الهی، یاسمن (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین شکل‌گیری هویت و سلامت روانی در دانش‌آموزان دختر نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- قاسمی، اصغر (۱۳۸۸). رشد ترک تحصیل دانش‌آموزان، افت تحصیلی شدید و اعتیاد، تنگناهای آموزش و پرورش و رشد ناهنجاری‌ها در مدارس. روزنامه سیاست روز، شماره ۲۷۲۲.
- کدیور، پروین (۱۳۸۷). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- کرباسی، منیژه (۱۳۷۹). بررسی نقش شیوه‌های تربیتی والدین در گرایش نوجوانان و جوانان به اعتیاد. مجموعه مقالات اولین همایش علمی و کاربردی ارائه راه‌کارهای پیشگیری از اعتیاد

- استان کرمانشاه. انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری سینمایی کوثر.
مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، جلد ۱، نتایج تخصصی کل کشور، تهران.
- یعقوب‌زاده، معصومه (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین پایگاه های هویت و مکانیسم‌های دفاعی در بین دانش‌آموزان مقطع پیش دانشگاهی تربت حیدریه. دانشگاه آزاد تربت جام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی.
- Berzonsky, M. & Kuk, L. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Keyes, C. L. M., Shmotkin, D., & Ryff, C. D. (2002). Optimizing well being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 1007-1022.
- Luyckx, K., Soenens, B., Berzonsky, M. D., Smits, I., Goossens, L., & Vansteenkiste, M. (2007). Information-oriented identity processing, identity consolidation and well-being: The moderating role of autonomy, self-reflection, and self-rumination. *Personality and Individual Differences*, 43, 1099-1111.
- Pervin, L. A., & John, P. (2001). *Personality: Theory & Research*. New York: John Willey & Sons.
- Varney, J., & Cosens, P. (2010). Emotional well being, psychological well being and resilience strategy (Empwr) barking and Dagenham Empwr Board (reports to children Trust) September V 16.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28, 397-409.

سهم خودکارآمدی و سازگاری در پیش‌بینی غرور ملی دانشجویان

Contribution of Self-Efficacy and Adjustment in Prediction of National Pride among University Students

Reihaneh Mahallati, M.A. *

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

Khadijeh Abolmaali, Ph.D.

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran

ریحانه محلاتی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

دکتر خدیجه ابوالمعالی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

Abstract: The purpose of this study was to investigate the contribution of self-efficacy and adjustment for prediction of national pride among university students. The research method was descriptive-correlational. Two hundred students of the Hamedan branch of the Islamic Azad University were randomly selected as the sample by stratified sampling method, in the academic year of 2014-2015. Participants completed three questionnaires: Sherer's Self-efficacy Scale, Sinha and Singh's Adjustment Inventory for high School Students (AISS), and National Pride Inventory (NPI). For analyzing the data Pearson's correlation and multiple regression tests were used. The results indicated that national pride has significant positive correlations with self-efficacy and adjustment. Self-efficacy and adjustment combined, predicted 12% of national pride variance.

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی سهم خودکارآمدی و سازگاری در پیش‌بینی غرور ملی دانشجویان است. در این پژوهش توصیفی - همبستگی، نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ به روش طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی شرر و سازگاری سینها و سینگ و پرسشنامه غرور ملی استفاده شد. داده‌ها توسط آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین سازگاری و غرور ملی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نیز بین خودکارآمدی و غرور ملی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج به‌دست آمده از رگرسیون خطی نشان داد که ۱۲٪ از واریانس متغیر غرور ملی توسط دو متغیر سازگاری و خودکارآمدی تبیین می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست آمده، غرور ملی با خودکارآمدی و سازگاری ارتباط دارد.

* r.mahalati@gmail.com

Keywords: self-efficacy; adjustment;
national pride

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی؛ سازگاری؛ غرور ملی

امروزه در دنیایی زندگی می‌کنیم که بیش از هر زمان دیگری نیازمند انعطاف‌پذیری و یا به عبارتی سازگاری است. بدون شک، داشتن سازگاری و انعطاف‌پذیری می‌تواند نقش به‌سزایی در زندگی افراد داشته باشد. به‌طور کلی سازگاری با مسائل یعنی به‌کاربردن شیوه‌هایی برای حل آنها. هر اندازه فرد بیشتر تمایل داشته باشد که مسائل خود را حل کند، به‌همان اندازه بیشتر توان خواهد داشت که راهبردهایی مؤثر برای مقابله با استرس را فراهم کند (گنجی، ۱۳۷۹). سازگاری دارای جنبه‌های مختلفی از جمله سازگاری تندرستی، خانوادگی، اجتماعی، هیجانی و تحصیلی است و همه جنبه‌های آن با ابعاد مختلف زندگی در تعامل متقابل هستند. خودکارآمدی به معنای توانایی ادراک شده فرد در انطباق با موقعیت‌های مشخص است و به قضاوت در مورد توانایی در انجام دادن یک کار یا انطباق با یک موقعیت خاص مربوط است. خودکارآمدی به احساس عزت‌نفس، ارزش خود، احساس کفایت و کارایی در برخورد با زندگی اطلاق می‌شود. باورهای شخص در مورد توانایی برای کنار آمدن با موقعیت‌های متفاوت را خودکارآمدی می‌داند. در این راستا شانک، ۱۹۹۱ (به نقل از شهنی بیلاق و همکاران، ۱۳۸۲) باورهای خودکارآمدی را ارزیابی فرد برای انجام یک کار یا تکلیف خاص تعریف می‌کند؛ یعنی باور افراد از توانایی‌های خود برای انجام رفتارهای معین. هویت ملی و به‌تبع آن غرور ملی^۱ را وضع اقتصادی، سیاسی، هنری، تاریخی و ... کشور می‌دانند (گوت^۲ و واتسون^۳، ۲۰۰۶). به‌عبارت دیگر با توجه به اهمیت نقشی که هویت ملی و به‌تبع آن غرور ملی در زندگی روزانه افراد و تعیین نگرش‌ها ایفا می‌کنند (بارت^۴، ۲۰۰۶)، و نیز توجه به این واقعیت که رکن اساسی و بنیادی توسعه هر کشوری را نیروی انسانی آن کشور تشکیل می‌دهد، و نیز دلایل بسیاری را برای پدیده مهاجرت نام برده‌اند که از آن جمله به پیشرفت‌های اقتصادی، وضع امنیتی کشور و تأثیرات سیاسی اشاره نموده، و توضیح داده‌اند که این عوامل به نوعی با هویت ملی و غرور ملی ارتباط دارد. این پژوهشگران اعتقاد دارند هرچه فرد هویت ملی و غرور ملی پایین‌تری داشته باشد، نگرش او نسبت به مهاجرت کردن و عمل مهاجرت مثبت‌تر خواهد بود (گوت و واتسون، ۲۰۰۶). غرور ملی مقوله‌ای است با احساسات مهین‌دوستی و ملی‌گرایی ارتباط دارد، البته حس

1- national ptide
3- Watson

2- Goot
4- Barrett

ملی‌گرایی فراتر از غرور ملی است و با آن تفاوت دارد (اسمیت^۱ و جارکو^۲، ۱۹۹۸). غرور ملی در هر کشوری به‌وسیله شرایط منحصر به فرد تاریخی و اجتماعی موجود در آن کشور و به‌وسیله موقعیت‌های اجتماعی - دموگرافیکی هر فرد، در همان جامعه شکل داده می‌شود و دیدگاه‌های افراد را در بسیاری از موارد تحت تأثیر قرار می‌دهد. غرور ملی به‌عنوان سازه‌ای چند بُعدی تعریف شده است که می‌تواند هم بر حسب غرور فرهنگی - تاریخی و هم بر حسب غرور اقتصادی - سیاسی مردم یک جامعه نسبت به آن جامعه توضیح داده شود. در واقع غرور ملی به‌عنوان پیوند عاطفی مثبت نمادها و موقعیت‌های ویژه ملی است (مولر - پیترز^۳، ۱۹۹۸). ایمان و مرادی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان مورد مطالعه شهر شیراز پرداختند. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی در میان جوانان در شهر شیراز است. جهت تنظیم چارچوب نظری تحقیق از ره‌یافت مبادله با تمرکز بر نظریات لاولر و یون استفاده شده است. یافته‌ها و نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین دو سازه رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. در پژوهشی که شعبانلو (۱۳۸۰) در مورد بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور انجام شده است، نتایج به‌طور خلاصه نشان داد که به‌طور کلی گرایش به مهاجرت در بین دانشجویان زیاد است و علت آن شرایط و وضعیت نامطلوب زندگی و کار در مبداء است. نتایج تحقیق فوق نشان داد که گرایش و تمایل به مهاجرت تا حدودی نیز متأثر از نگرش‌ها و ویژگی‌های شخصی افراد است، به‌طوری که عواملی مثل احساس تعلق به جامعه و خانواده و تلاش جهت رشد این احساسات، تقویت‌کننده ماندگاری افراد است و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بستر لازم را در پیدایش و تأثیرگذاری بر گرایش به مهاجرت فراهم می‌آورد. طوسی (۱۳۸۰) نیز در مطالعه خود گزارش کرد که هیچ تک عاملی را نمی‌توان به‌عنوان عامل مؤثر بر پدیده مهاجرت مغزها معرفی نمود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر و در تعامل با هم در تبیین الگوی مهاجرت مؤثر هستند. در مطالعه هجرم^۴ (۱۹۹۸) که هویت ملی، غرور ملی و بیگانه‌هراسی را در ۴ کشور غربی با هم مقایسه کرده بود، گزارش شد که سنت‌های ملی، زمینه تاریخی و فرهنگی در شکل‌دهی نگرش و عقاید عمومی به مهاجرت خیلی تأثیرگذار است. در این مطالعه نیز که بیشتر بر بیگانه‌هراسی و مهاجرپذیری تأکید شده است، گزارش شد که بین دل‌بستگی‌های ملی و بیگانه‌هراسی رابطه نزدیکی وجود دارد و بیگانه‌هراسی بر اساس نوع هویت

1- Smith
3- Muller- Peters

2- Jarkko
4- Hejrem

ملی متفاوت است. در این مطالعه به سه نوع از هویت ملی یعنی؛ «هویت قومی»، «هویت وطنی» و «هویت‌های جمع‌پذیر» اشاره شده و نشان داده شده است که هویت قومی با هویت شهری رابطه معکوس دارد. پلاتونوا^۱ و یورسو^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «مهاجرت آسیایی‌ها به اتحادیه اروپا و ایالات متحده و کانادا: مقایسه اولیه» شواهد اولیه‌ای از جمعیت مهاجر آسیایی که به کشورهای اروپا و آمریکای شمالی فرستاده شده‌اند، ارائه می‌دهند. گروه نمونه در متغیرهای جمعیت شناختی، سطح مهارت، هدف از ورود و نتایج بازار کار برابر بودند، داده‌ها، کلیدهای شخصیتی ملی و چارچوب‌های سیاست منطقه‌ای را به‌منظور ترسیم برخی ملاحظات سیاسی اولیه پیش‌بینی می‌کند.

یون^۳ و دیگران (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «وضعیت مهاجرت والدین در به‌کارگیری مراقبت بهداشتی کودکان» پرداختند. این پژوهش که به شکل زمینه‌یابی بر روی مهاجران تازه‌وارد و تابعین قانونی ایالات متحده با هدف بررسی رابطه بین وضعیت مهاجرت والدین، سلامت فرزندان و مراقبت‌های بهداشتی به‌کار گرفته شده برای کودکان انجام شد. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که وضعیت مهاجرت والدین قبل از گرفتن اقامت قانونی با وضعیت سلامت کودکان دارای رابطه معناداری گزارش نشده است. مونرو و پولی (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان تفاوت‌ها در انعطاف‌پذیری و سازگاری دانشگاهی در بین دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دبیرستان و دانشجویان مسن دانشگاه نشان دادند که ۳۱/۹ درصد از واریانس سازگاری به‌وسیله انعطاف‌پذیری قابل تبیین است. اما این فرضیه‌ها که بین دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دبیرستان با دانشجویان بالغ و مسن در سازگاری تفاوت وجود دارد و فرضیه سوم که دانشجویان مسن سطوح بالایی از سازگاری را نشان می‌دهند، مورد تایید قرار نگرفتند. نتایج این پژوهش، نشانگر این است که تفاوت‌های فردی در سازگاری با دانشگاه مهم‌تر از تفاوت‌های گروهی هستند.

احمدی (۱۳۸۹) در تحقیق خود، رابطه نوع هویت‌یابی با سطوح سازگاری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی را مطالعه کرد و معلوم شد که بین هویت پیشرفته با سطوح سازگاری و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

در این روند می‌توان به تحقیقات دیگری اشاره کرد که به‌طور ضمنی بیانگر ارتباط سازگاری با پیشرفت تحصیلی است. برای نمونه تجلی و اردلان (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی» که با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام شد، نشان دادند خانواده می‌تواند با ایجاد ارتباطات باز و گسترده و ترغیب

1- Platonova
3- Yun

2- Urso

ابراز احساسات و شرکت آنها در بحث و تبادل نظر، علاوه بر این که به‌طور مستقل به ارتقاء سازگاری تحصیلی در آنان کمک می‌نماید و به‌واسطه خودکارآمدی نیز سازگاری آنها را افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است که خودکارآمدی یکی از بهترین عوامل پیش‌بینی کننده عملکرد تحصیلی است.

فرار مغزها به مهاجرت متخصصین و نخبگان علمی از ایران گفته می‌شود که یکی از معضلات اجتماعی - اقتصادی و آموزشی این کشور است. بنا بر آمار مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹، ۶۰ هزار نفر از ایرانیانی که در این سال مهاجرت کرده‌اند در زمره مهاجران دسته‌بندی می‌شوند، این افراد غالباً دارای مقام‌هایی در المپیادهای علمی بوده و یا جزء نفرات برتر کنکور و یا دانشگاه‌ها هستند (روزنامه اطلاعات، شماره، ۱۳۸۹).

با وجود اینکه تلاش شده از این روند کاسته شود؛ اما درصد قابل توجهی از دانش‌آموختگان علمی هنوز مایلند به کشورهای پیشرفته مهاجرت کنند. صندوق بین‌المللی پول در گزارش سال ۲۰۰۹ خود اعلام کرده است، ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، در میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه نیافته جهان مقام نخست را داراست (روزنامه اطلاعات، ۸ اسفند ۱۳۸۸). با توجه به مشاهده موج مهاجرت دانشجویان به خارج از کشور، لزوم شناخت گسترده عوامل حاضر ضروری بوده و به‌طور خاص این مطالعه به بررسی این سؤال می‌پردازد که آیا خودکارآمدی و سازگاری در پیش‌بینی غرور ملی دانشجویان سهمی دارد؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد شهرستان همدان که در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌شود. نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۰۰ نفر است. دانشجویان پرسشنامه‌های سازگاری سینها و سینگ^۱، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر^۲، و پرسشنامه غرور ملی^۳ را پر کردند.

ابزار

۱- پرسشنامه سازگاری سینها و سینگ: برای اندازه‌گیری میزان سازگاری از آزمونی که سینا و سینگ (۱۹۹۳) تدوین نموده بودند، استفاده شد که این پرسشنامه توسط کرمی (۱۳۷۷)

1- Sinha and Singh's Adjustment Inventory

2- Sherer's Self-efficacy Scale

3- National Pride Inventory

ترجمه گردیده است. پرسشنامه حاوی ۶۰ سؤال است که ۲۰ سؤال حوزه عاطفی، ۲۰ سؤال حوزه اجتماعی، و ۲۰ سؤال حوزه آموزشی را می‌سنجد و پاسخ سؤالات به صورت بلی و خیر است. برای پاسخ‌هایی که نشانگر سازگاری است، نمره صفر و در غیر این صورت نمره یک منظور می‌شود. نمره کل آزمون حالت‌های سازگاری عمومی را نشان می‌دهد. نمره هر فرد در هر حوزه سازگاری، مشخص‌کننده میزان سازگاری فرد در آن حوزه است. یعنی هرچه نمره پایین‌تر باشد، سازگاری بالاتر است. به عبارتی در سازگاری عاطفی؛ نمره بالا نشان‌دهنده بی‌ثباتی عاطفی و نمره پایین نشانگر ثبات عاطفی است. همچنین در سازگاری اجتماعی، نمرات بالا نشان‌دهنده سلطه‌پذیری و نمرات پایین نشانگر پرخاشگری است. و در آخر در سازگاری آموزشی نیز نمرات بالا نشانگر وضعیت تحصیلی و درسی ضعیف و نمرات پایین مخصوص علاقمندان به تحصیل و مدرسه است (سینها و سینگ، ۱۳۷۷).

۲- پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر: این مقیاس ۱۷ آیتمی توسط شرر و همکاران، ۱۹۹۸ (به نقل از وقری، ۱۳۷۹) ساخته شده است. اعتبار این مقیاس در پژوهش براتی (۱۳۷۶) با استفاده از روش محاسبه همبستگی $0/79$ به دست آمد (به نقل از وقری، ۱۳۷۹). مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران دارای ۱۷ عبارت است. جهت مطالعه روایی ملاکی، همبستگی درونی این مقیاس با مقیاس منبع کنترل راتر (۱۹۶۶) محاسبه شد. همبستگی جزئی مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر و مسند مهارگذاری درونی راتر $r=0/3330$ (که در این محاسبه پیشرفت تحصیلی مهار شده است.) و همبستگی پیرسون بین مقیاس‌های مذکور $r=0/342$ است که در سطح $P<0/01$ معنادار است. همبستگی پیرسون بین این مقیاس‌ها در مطالعه شرر و همکاران (۱۹۸۲)، $0/287$ به دست آمده است.

۳- پرسشنامه غرور ملی: برای اندازه‌گیری از غرور ملی پرسشنامه غرور ملی استفاده شد. این پرسشنامه به صورت لیکرت تنظیم شده و حاوی ۱۵ ماده است که دو بُعد غرور ملی را اندازه‌گیری می‌کند. اولین بخش، غرور ملی در موفقیت‌های ویژه هست که میزان افتخار افراد را در ۱۰ حوزه ارزیابی می‌کند. گستره نمرات برای غرور ملی در موفقیت‌های ویژه از ۱۰ برای فردی که اصلاً احساس غرور ملی ندارد تا ۵۰ برای فردی که احساس غرور زیادی دارد، ارزیابی می‌شود (اسمیت و جاکو، ۱۹۹۸). دومین بخش پرسشنامه، غرور ملی عمومی را می‌سنجد و شامل ۵ مؤلفه هست که میزان میهن‌دوستی و احساس برتری ملی افراد را ارزیابی می‌کند و گستره نمرات غرور ملی عمومی از ۰ تا ۲۵ است. در ایران پرسشنامه مذکور توسط مجتهدی (۱۳۸۱) ترجمه و روایی آن احراز شده است، سپس به صورت زمینه‌ای بین ۳۰ آزمودنی که با شرایط جامعه آماری پژوهشی وی انطباق داشتند، پانزده پسر و پانزده دختر اجرا گردید. دامنه

پایایی پرسشنامه غرور ملی در موفقیت‌های ویژه از ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ بود و غرور ملی عمومی از ۰/۳۳ تا ۰/۷۰ در امتداد بوده است (به نقل از اسمیت و چارکو، ۱۹۹۸). آلفای کرونباخ ماده‌های ۱۴ گانه به‌دست آمده توسط مجتهدی (۱۳۸۱)، ۰/۷ بوده است (مجتهدی، ۱۳۸۱).

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۵۰٪ زن و ۵۰٪ مرد، ۶۸٪ مجرد و ۳۲٪ متأهل بوده، ۸۲/۵٪ در مقطع کارشناسی و ۱۷/۵٪ در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند.

جدول ۱
خلاصه ضرایب رگرسیون

Sig	t	β	خطای معیار	B	پیش‌بینی‌کننده‌ها
.۰۰۰	۱۷/۷۴۵**	-	۲۳/۹۱۹	۴۲۴/۴۴۱	عدد ثابت
.۰۰۲۹	۲/۱۹۸*	۰/۱۵۹	۰/۰۵۶	۰/۱۲۳	سازگاری
.۰۰۰۱	۳/۴۵۹**	۰/۲۵۱	۰/۳۵۷	۱/۲۳۵	خودکارآمدی
$R^2 = .۱۲۰$ $F = ۱۳۳۸۰**$					
** $P < .۰۰۱$		* $P < .۰۵$			

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به‌دست آمده (۰/۱۲۰) بدین معنی است که ۱۲ درصد از واریانس متغیر غرور ملی توسط ۲ متغیر سازگاری و خودکارآمدی تبیین می‌شود. نسبت F محاسبه شده در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر غرور ملی همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه تحقیق کافی است. با مراجعه به آمار t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که هر ۲ متغیر سازگاری و خودکارآمدی با متغیر غرور ملی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که هر ۲ متغیر سازگاری و خودکارآمدی با متغیر غرور ملی همبستگی مثبت و معنادار دارند. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به‌صورت زیر تدوین کرد:

$$Y = ۴۲۴/۴۴۱ + ۰/۱۵۹(\text{سازگاری}) + ۰/۲۵۱(\text{خودکارآمدی})$$

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از همبستگی نشان دادند خودکارآمدی و سازگاری سهم معناداری در پیش‌بینی غرور ملی دارند. باتوجه به همبستگی معنادار بین خودکارآمدی و سازگاری با غرور ملی، نیاز به آموزش مؤلفه‌های خودکارآمدی و سازگاری جهت ارتقاء غرور ملی دانشجویان احساس می‌شود. موج مهاجرت دانشجویان و تمایل به خروج از کشور بخصوص مهاجرت به کشورهای پیشرفته اروپایی و امریکای شمالی در کشور ما رو به افزایش است، ایرانیان به دلایل مختلف تحصیلی، کاری و اقامت موقت و دائم سعی در برنامه‌ریزی برای خروج از کشور دارند. این در حالی است که سایر کشورها با وجود تقاضای زیاد ایرانیان هر سال اعطای ویزا و ورود به کشورشان را سخت‌تر می‌کنند. ایرانیان سالانه نیاز به رفع موانع زیادی برای به‌دست آوردن شرایط مناسب ورود به کشور متبوع خود را دارند. این در حالی است که کشور ما به‌خودی خود درگیر مشکلات متفاوتی است و نیاز به حفظ نیروی متخصص و جوان، و استفاده از انرژی و توانمندی‌هایشان از الزامات به حساب می‌آید.

مطالعه حاضر به بررسی رابطه غرور ملی با خودکارآمدی و سازگاری در دانشجویان ساکن همدان پرداخت. در این مطالعه از طرفی تأکید بر نقش غرور ملی در شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت افراد است؛ از یک‌سو تأکید بر نقش عوامل سیاسی - اقتصادی و فرهنگی - ملی در شکل‌گیری غرور ملی (هجرم، ۱۹۹۸ و اسمیت و جارکو، ۱۹۹۸) و از طرف دیگر بررسی رابطه خودکارآمدی و سازگاری با غرور ملی بود. افراد به دلایل مختلف اقدام به مهاجرت و خروج از کشور می‌کنند. اما شکی نیست که یکی از مهم‌ترین دلایل آن پایین بودن غرور ملی است (صادقی، مظاهری و میناکاری، ۱۳۸۵) که نتایج نشان داد غرور ملی با سازگاری و خودکارآمدی رابطه دارد.

در پژوهش‌ها گزارش شده که هیچ‌الگوی تک‌عاملی را نمی‌توان بر پدیده مهاجرت مؤثر دانست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر و در تعامل با هم در تبیین الگوی مهاجرت مؤثر هستند. عوامل شناخته شده عبارتند از: کم بودن ظرفیت جذب اقتصادی کشور مبدأ، عدم سلامت فضای سیاسی و تأمین اجتماعی، شرایط ضعیف فرهنگی و حرفه‌ای (طوسی، ۱۳۸۰ و شعبانلو، ۱۳۸۰). در پایان بایستی به این نکته اشاره کرد که نباید در تحلیل و تفسیر یافته‌ها به این نتیجه رسید که صرفاً پایین بودن شرایط حاکم بر جامعه منجر به افزایش نگرش مثبت به مهاجرت می‌شود. عوامل شخصیتی نیز در شکل‌گیری این نگرش تأثیرگذار می‌باشند (صادقی، مظاهری و میناکاری، ۱۳۸۵). روند رو به رشد استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی منجر به شناخت بیشتر سایر کشورها شده و در افراد انگیزه‌های بیشتری برای خروج از کشور پدید می‌آورد.

References:

مراجع:

- ایمان، محمدتقی، و گل مراد، مرادی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان: مورد مطالعه شهر شیراز. *مجله پژوهشی جامعه‌شناسی*، ۲، ۱۷۴-۱۵۵.
- تجلی، فاطمه و اردلان، الهام (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی. *مجله روان‌شناسی*، ۱۴ (۱)، پیاپی ۵۳، ۶۲-۷۸.
- سینه‌ها، ای. کا. پی. سینگ، آر. پی. (۱۹۹۳). پرسشنامه سازگاری برای دانش‌آموزان دبیرستانی. (ترجمه ابوالفضل کرمی). تهران: مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سینا (روان‌تجهیز).
- شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰). بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- طوسی، محمدرضا (۱۳۸۰). بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- گنجی، حمزه (۱۳۷۹). *بهداشت روانی*. تهران: ارسباران.
- مجته‌دی، سیدحسین (۱۳۸۱). بررسی رابطه غرور ملی، اضطراب، و افسردگی در نوجوانان ۱۹-۱۵ ساله دبیرستان‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- وقری، عزت‌الله... (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین خودکارآمدی و سبک‌های مقابله با بحران در زوج‌های جوان دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۷۹-۷۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- Barret, M. (2000). The development of national identity in childhood and adolescence. Inaugural lecture presented at the University of Surrey, 22 March.
- Goot, M., & Watson, J. (2006). Attitudes to immigration and national identity. Draft for R. Gibson et al, eds. Australian Social Attitude: The first report, UNSW press.
- Hejrem, M. (1998). National identities, national pride and xenophobia: A comparison of four western countries. *ACTA Sociologica*, 41(4), 335-347.
- Platonova, A., & Urso, G. (2013). Asian immigration to the european union, United states & Canada: An initial comparison. *Journal of Global Policy and Governance*, 2, 143-156.

- Muller-Peters, A. (1998). The significance of national pride and national identity to the attitude toward the single European currency: A Europe-wide comparison. *Journal of Economic Psychology, 19*, 701-719.
- Smith T., W., & Jarkko, L. (1998). National Pride: A cross-national analysis. GSSS. *Cross-National Report, 19*, University of Chicago.

پژوهشهای روان‌شناختی

نشریه علمی - پژوهشی

حاوی تحقیقاتی در زمینه مباحث مختلف روان‌شناسی، روان‌پزشکی، علوم تربیتی، و نظایر اینها و همچنین شامل بخش‌های گزارش‌های کوتاه از پژوهش‌های بالینی، گزارش و خبر، معرفی و نقد کتاب.

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی:	شماره:
نام:	تاریخ:
نام خانوادگی:	
شغل:	اشتراک برای مجدهای شماره:
نشانی: استان	شهر:
خیابان:	پلاک:
کد پستی:	صندوق پستی:
تلفن ثابت:	تلفن همراه:
پست الکترونیک:	

بهای تک شماره ۳۳ تا ۳۵	ریال ۲۰۰۰۰
بهای تک شماره‌های ۳۱ تا ۳۲	ریال ۱۵۰۰۰
بهای تک شماره‌های ۵ تا ۳۰	ریال ۱۲۰۰۰
بهای اشتراک ۴ مجلد با هزینه پست	ریال ۸۰۰۰۰
اشتراک دانشجویان و اعضای انجمن روان‌شناسی ایران، و پژوهشکده علوم شناختی	ریال ۷۲۰۰۰
بهای دوره صحافی شده شماره‌های ۵ تا ۸؛ ۹ تا ۱۲؛ ۱۳ تا ۱۶؛ و ۱۷ تا ۲۰؛ و ۲۱ تا ۲۴ هر دوره	ریال ۶۰۰۰۰

با جلد گالینگور

مبلغ اشتراک به صورت بن کتاب، چک بانکی، حواله بانکی، یا نقداً به حساب جام بانک ملت به نام رضا زمانی، شماره ۱۵۲۷۸۴۲/۴۶ شعبه کیوان، تهران، خیابان طالقانی غربی قابل پرداخت است.

توجه: لطفاً هر گونه تغییر در نشانی و یا شماره تلفن خود را به دفتر نشریه اطلاع دهید.

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۹۱

تلفن: ۸۸۳۵۰۸۵۸

پایگاه الکترونیک نشریه:

www.psychresearch.ir

- Relationship between Identity Style and Psychological Well-Being in Students with Addicted Parents 104 Hamideh Khademi, M.A.
Razieh Shahidi, M.A.
Fatemeh Shahabizadeh, Ph.D.
Mahdieh Adaram, M.A.
- Contribution of Self-Efficacy and Adjustment in Prediction of National Pride among University Students 116 Reihaneh Mahallati, M.A.
Khadijeh Abolmaali, Ph.D.

Table of Contents

* Editorial	3	
* Research Reports:		
• Developing and Validation of Persian Version Questionnaire of Identity Style	7	Hassan Pasha Sharifi, Ph.D.
• Psychometric Properties of Moral Identity Scale	20	Mehrdad Sabet, M.A. Sadegh Taghi Loo, Ph.D.
• Prediction of Anger Control Based on Identity Styles among Female Adolescents	35	Khadijeh Abolmaali, Ph.D. Mona Afzali Ghadi, B.A. Samira Bidkhori, B.A.
• Disorder or Gender Dysphoria: A Case Report	45	Yasaman Ketabi, M.D. student Simin Bashardoost, Ph.D.
• Complexity and Evolution in the Identity of Physical and Social Structures, Upon the Entropy and Chi Distribution Function	53	Alireza Zieglari, Ph.D. Mohammadreza Seirafi, Ph.D.
• Role of Hope and National Pride in Predicting Happiness	75	Mitra Moslehi Joybari, M.A. Nastaran Sharifi, Ph.D.
• Predicting the Behavior of High-Risk Driving Style Based on Identity Styles	89	Shiva Soltani, M.A. Zahra Etemadieh Mirzai, M.A.